

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادنامه بیستمین سالگرد

نهضت آزادی ایران

تاسیس: ۱۳۴۰

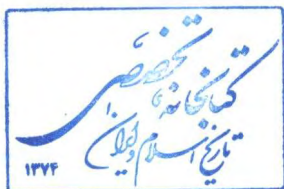


ان لاله لائتزل ما لعلو علر لئبرو ما لکبرو

یادنامه بیستمین سالگرد

نهضت آزادی ایران

مؤسس: ۱۳۴۱



نهضت آزادی ایران

یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران

از این کتاب ۵۰۰۰ نسخه به چاپ رسید

چاپ دوم بهار ۶۲

کلیه حقوق طبع محفوظ است— نقل از مندرجات فقط با ذکر نام مأخذ مجاز میباشد

در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ نهضت آزادی ایران بیست ساله شد و بدین مناسبت نهضت نشریه ای تحت عنوان یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران منتشر ساخت.

استقیال ملت حق شناس ایران ما را بر آن داشت که به چاپ مجدد این نشریه پردازیم و گوشه کوچکی از تاریخ معاصر ایران را در دسترس عموم قرار دهیم.

حق این بود که کوشش کنیم در این چاپ نقایص این نشریه را مرتفع ساخته و به بهتر ساختن مطالب آن پردازیم ولی متأسفانه با محدودیتهایی که داریم نتوانستیم چنین کنیم.

در هر حال آنچه امروز بدستتان می رسد نه چیز تازه ای است و نه عاری از عیب و نقص. مطالبی است که یکبار منتشر شده ولی در عین حال باطلاع اکثریت عظیمی از علاقمندان بتاریخ معاصر ایران نرسیده است و از این دیدگاه میتواند خدمتی باشد.

انتظار ما از شما خوانندگان عزیز این است که ما را در رفع خطاها و تصحیح اشتباهات یاری فرمائید و اطمینان داشته باشید که با سینه ای گشاده برای قبول تذکرات و راهنمایی هایتان آماده ایم.

از خدا می خواهیم که ما را در راه حق و خدمت بخلق یاری فرماید و از لغزشهایی که موجب هلاکت دنیوی و خسران اخروی است باز دارد.

ربنا آتنا من لدنک رحمه و هی لنا من امرنا رشدا

نهضت آزادی ایران

شهریور ماه ۱۳۶۱

- نگاهی به مراسم سالگرد و بیانیه تأسیس نهضت آزادی ایران صفحه ۶-۱۴
- نهضت آزادی ایران چه گفت و چه کرد صفحه ۱۵
- محاكمه سران و فعالین نهضت آزادی ایران صفحه ۶۳
- بیاد طالقانی — عطائی — شریعتی از موسسین نهضت آزادی ایران صفحه ۹۱
- مصاحبه با سخنگوی نهضت آزادی ایران صفحه ۱۰۱

بسمه تعالی

بیست سال از تاسیس نهضت آزادی ایران
میگذرد.

بیست سال مبارزه بر علیه استبداد
شاهنشاهی و استیلای خارجی
بیست سال تلاش برای بازسازی فرهنگ
اجتماعی بر مبنای تعالیم اسلام
بیست سال فعالیت برای تربیت مبارزین و
مجاهدین، پویندگان صادق و صمیمی راه اسلام
بیست سال کوشش...

... و در طول این مدت، در پافشاری برای
رسیدن به اهدافمان، توطئه‌های دشمن مستبد مزدور،
حیله‌های خناسان مزور، عقده‌های دیرین حسودان و
تیرهای سهمناک قاسطین و ناکثین و مارقین را بجان
خریده و به میثاقمان با خدا و خلق وفادار مانده‌ایم.
... اینک در آستان بیستمین سالگرد نهضت
آزادی ایران فرازهائی از مبارزات و فعالیت‌های
بیست ساله نهضت در مجموعه حاضر تقدیم می‌گردد.

بزرگداشت بیستمین سالگرد نهضت آزادی برترت آیه... طالقانی

بسمه تعالی

دعوت نهضت آزادی ایران از مردم برای شرکت در گردهمائی بهشت زهرا

بمناسبت بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران هموطنان عزیز:

بیست سال از تأسیس نهضت آزادی ایران میگذرد
بیست سال مبارزه بر علیه استبداد شاهنشاهی و استیلای خارجی
بیست سال تلاش برای بازسازی فرهنگ اجتماعی بر مبنای تعالیم
اسلام
بیست سال فعالیت برای تربیت مبارزین و مجاهدین،
پروندگان صادق و صمیمی راه اسلام
بیست سال کوشش...

..... و در طول این مدت، در بافشاری برای رسیدن به
اهدافمان، توطئه های دشمن مستبد مزدور، حیل های خناسان
مزدور، عقده های دیرین حسودان و تیرهای سهمناک قاسطین و
ناکشین و مارقین را بجان خریده و به میثاقمان با خدا و خلق
وفادار مانده ایم.

.... اینک، بمناسبت بیستمین سالگرد تأسیس نهضت
آزادی ایران در بهشت زهرا، بر مزار شهدای انقلابان، و در کنار
آرامگاه مجاهد نسته آیت الهه طالقانی از بنیان گذاران نهضت
آزادی و بنا یاد سایر عزیزان از دست رفته مان دگر شریعتی و
رحیم عطائی و همه شهدای انقلاب گرد هم میآیم تا با شما مردم
مسلمانان ایران تجدید میثاق کنیم. در این اجتماع آقایان
مهندسین بازرگان و دکتور رضا صدر و مهندس
محمد توسلی در مورد سوابق نهضت و مسائل کنونی و
آینده انقلاب سخن خواهند گفت:

زمان: پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۰ - ساعت ۳ بعد از ظهر
مکان: بهشت زهرا

نهضت آزادی ایران ۶۰/۲/۱۸

ضمناً مخبرین داخلی و خارجی برای اخذ کارت مخصوص
خبرنگاران میتوانند با در دست داشتن کارت خبرنگاری مجاز و
برگ معرفی نامه از موسسه مربوطه و دو قطعه عکس روزهای
دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه هفته جاری از ساعت ۱۶ تا ۱۹ به
طنقه همکف ساختمان شماره ۲۳۴ خیابان استاد مطهری
مراجعه فرمایند.

«اقتضای اطاعت از (خدا) مبارزه با بندگی
غیراوه و شرط سیاس ایزدی تحصیل آزادی برای
بکار بستن آن در طریق (حق) و (عدالت) و (خدمت)
است. ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان
خلق بشناسیم تا برستگاری و پیروزی نائل شویم».
«مردم نگران امنیت هستند. خسته از استبداد و
اختناق رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ و
دزدی و خیانت هیئت حاکمه ای که متأسفانه نام
ایران و ایرانی را آلوده ساخته است خواهان سرنوشت
بهرتر، رهائی از ننگ و نکبت، و استقرار یک حکومت
ملی سازنده ایرانی پاک و آباد و آزاد است.»

«امر مسلم این است که:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم
باقتضای شرایط حاضر، در این پیچ مهم تاریخ
ایران،

با استعانت از پروردگار جهان، با امید بمرادنگی
و همکاری هموطنان
تأسیس نهضت آزادی ایران اعلام میگردد.»

منتخباتی از بیانیه تأسیس نهضت آزادی ایران

۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

لغو مراسم نهضت آزادی ایران در بهشت زهرا

نهضت آزادی ایران طی اطلاعیه‌ای لغو مراسم بیستمین سالگرد تأسیس خود را که بنا بود در بهشت زهرا برگزار گردد اعلام کرد متن اطلاعیه نهضت آزادی شرح زیر است:

بسمه تعالی

مردم مسلمان و مبارز ایران

نهضت آزادی ایران یکبار دیگر خدای واحد و خلق هوشیار و مسلمان را شاهد و ناظر گرفته و با اطلاع می‌رساند:

بر آن بودیم تا بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران را در کنار تربت پاک شهیدان انقلاب اسلامی ایران و مرحوم آیت‌الله طالقانی (یکی از بنیان‌گذاران نهضت آزادی ایران) در بهشت زهرا برگزار کنیم و دیگر بار ندای وحدت و آزادی را در حکومت اسلامی بگوش مردم حق طلب و مبارز برسانیم. همان ندا که در دوران سیاه شاهنشاهی پهلوی و حاکمیت ابرقدرتهای شرق و غرب بدون هراس از حبس و شکنجه و... در داده بودیم.

لیکن در شرایط کنونی انقلاب که دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه بر اساس اطلاعات واصله، هم جهت و یکصدا با تجهیز همه امکانات به تخریب و تهدید خط شاهد و واسط ما پرداخته‌اند و نیروهای خود را برای برهم زدن اجتماع روز پنجشنبه بسیج کرده و متأسفانه وزارت کشور نیز مسئولیت انتظامات داخلی اجتماع را رسماً تقبل نکرده است، بمنظور جلوگیری از ایجاد جو آشوب و تشنج که دقیقاً بنفع ابرقدرتهای شرق و غرب و نوکر سرسپرده‌شان صدام کافر و عمال داخلی آنها می‌باشد نهضت آزادی ایران تصمیم گرفت این مراسم را لغو کند اطمینان داریم روح ابوذر زمان طالقانی بزرگ، مردی که قامت استوارش سمبل رهروان راه حق و عدالت است نیز از این عمل خشنود خواهد بود، زیرا که او خود همواره برملا کننده مکر مکاران و رسواکننده دستهای پلید استعمار بود.

لازم میدانیم از ملت حقشناس ایران که علاقمندی خود را برای شرکت در این مراسم اعلام داشته‌اند صمیمانه سپاسگزاری کرده توفیق همگان را در خدمت با اهداف نهضت که همان تحقق، استقلال، آزادی و استقرار جمهوری اسلامی است از خدایتعالی خواستاریم.

نهضت آزادی ایران ۱۳۶۰/۲/۲۲

جمعی از بنیانگذاران و اعضای نهضت آزادی ایران بر مزار آیت ا... طالقانی

گروهی از بنیانگذاران و اعضای نهضت آزادی ایران، به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران، برای ادای احترام به شهدای انقلاب اسلامی و مرحوم آیت الله طالقانی، به بهشت زهرا رفتند.

به دنبال لغو دعوت نهضت آزادی ایران، از مردم برای برگزاری مراسم بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی، که قرار بود در بهشت زهرا و بر تریب آیت الله طالقانی برپا شود، و نهضت آزادی ایران این دعوت را با در نظر گرفتن شرایط کنونی انقلاب و احتمال سوءاستفاده و ایجاد تشنج از طرف پاره‌ای افراد، منتفی اعلام کرد. جمعه صبح گروهی از بانوان و آقایان اعضا و جمعی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران، منجمله مهندس مهدی بازرگان، احمد صدر حاج سید جوادی، دکتر رضا صدر، دکتر ابراهیم یزدی، مهندس محمد توسلی، مهندس هاشم صباغیان و عده دیگری از اعضای نهضت آزادی ایران به طور خصوصی در بهشت زهرا حضور یافتند. بنیانگذاران و اعضای نهضت آزادی نخست برای تجلیل از شهدای انقلاب اسلامی به قطعات ۲۴ و ۱۷ بهشت زهرا رفتند و بر مزار شهدای قبل و بعد از پیروزی انقلاب فاتحه خواندند و آنگاه بر مزار شادروان آیت الله طالقانی، که از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران بود حاضر شدند و با خواندن فاتحه و نثار تاج گل نسبت به مرحوم طالقانی ادای احترام کردند.





منتخباتی از بیانیه تأسیس نهضت آزادی ایران

هموطن

«اقتضای اطاعت از (خدا) مبارزه با بندگی
غیراو - و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی
برای بکار بستن آن در طریق (حق) و (عدالت) و
(خدمت) است. ما باید منزلت و مسئولیت خود
را در جهان خلقت بشناسیم تا برستگاری و
پیروزی نائل شویم»

مردم نگران امنیت هستند. خسته از استبداد
و اختناق رنجور از سختی معیشت و شرمسار از
ننگ و دزدی و خیانت هیئت حاکمه ای که
متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است
خواهان سرنوشت بهتر، رهائی از ننگ و نکبت، و
استقرار یک حکومت ملی سازنده ایرانی پاک و
آباد و آزاد است»

«امر مسلم این است که:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم
باقضای شرایط حاضر،

در این پیچ مهم تاریخ ایران،

با استعانت از پروردگار جهان،

با امید بمردانگی و همکاری هموطنان

تأسیس نهضت آزادی ایران اعلام میگردد»

۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰



کما اینکه وقتی در حال عزم بیان آید در صالح خضرمی نظرات شخصی میگویند
 کما اینکه در سیاست حکمت استوارش همیشه در نا اطمینان حقوقی نیز نمود در برابر میانه
 و یک درنگ توجیه میبندد و این به در راه آزادی و استقلال ایران عزیز
 از همه چیزها میگردد و این سخن نامبار میبرد اما آرد آن ۱۳۴۶
 دکتر حسن

بیانیه حضرت آیت الله طالقانی بمناسبت

تشکیل نهضت آزادی

بیاری خداوند قهار و توانا

برادران و هموطنان عزیز:

شما به چشم خویشتن وضع نکبت بار این سرزمین تاریخی و این کشور اسلامی را مینگرید. می بینید که در اثر سلطه غارتگران چگونه فقر اخلاقی و مادی گریبانگر اکثر مردم گشته و بدبینی و بداندیشی و پراکندگی چگونه بر سراسر این مملکت سایه گسترده است... کسانی که برای شنیدن هر ندای حقی (ک) و برای دیدن پرتو هر حقیقتی (کور) هستند نه بخود رحم میکنند نه ب مردم تا جائیکه مملکت را در معرض طوفان حوادث و بربل پرتگاه مخوفی قرار داده اند.

چاره چیست؟ چگونه میتوان تا سقوط قطعی حیات معنوی و مادی کشور سکوت اختیار کرده و یا فقط به بهانه لاابالیگری و سر باز زدن از هر مسئولیتی در انتظار فرج غیبی نشست؟ باید مردانی که محیط آلوده و زبونشان نساخته و غیرت و احساس مسئولیت در آنان نمرده دور هم گرد آیند. راه صحیح و اصل مبارزه بر علیه فساد و مفسدین جامعه ایرانی را مشخص نمایند. با متانت و مال اندیشی با خلوص قلب و نیت برای رضای خدا و مردم قدمهای قطعی و محکم تری بردارند تا راه آزادی و آزادمنشی را برای ملت ایران بگشایند. بحمد الله جمعی که طی سالهای سخت ثبات قدم و پاکی نیت خود را ابراز داشته در برابر تهدید و محرومیت و زجر و زندان خود را نساخته در تعقیب هدفهای ملی برای نجات مملکت کوشیده اند و در این هنگام خطیر به تشکیل (نهضت آزادی ایران) قیام و اقدام نموده اند. اینجانب اگر از کوتاهی در انجام وظیفه خود نزد خدا و اولیاء اسلام و نیاکان بزرگوارم شرمسارم ولی پیوسته در صف مبارزه با فساد و مفسدین باقی مانده و این سبب دعوت همکاری با بنیان گزاران نهضت آزادی را پذیرفتم. چند روز قبل که برای تحکیم عزم و اطمینان روحی از خداوند متعال وسیله قرآن کریمش کسب تکلیف و تقال کردم آیه ۹۳ و ۹۴ از سوره النساء در برابر چشمانم ظاهر گشت باین مضمون یا ایها الذین آمنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا ولا تقولوا لمن القی الیکم

السلام لَسْت مومنا تبتغون عرض الحيوۃ الدنيا فعندالله مغنم كثيرة كذلك كنتم من قبل فمنّ الله عليكم فبتينوا ان الله كان بما تعملون خبيراً. لايستوى القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرروالمجاهدون فى سبيل الله باموالهم وانفسهم فضل الله المجاهدين باموالهم وانفسهم على القاعدين درجة وكلاً وعدالله الحسنى وفضل الله المجاهدين على القاعدين اجر عظيماً. اى كسانيكه ايمان آورده ايد وقتى در راه خدا قدم برميداريد چشم بگشايد دوست و دشمن را نيك بشناسيد راه و چاه را ازهم تشخيص دهيد... كسانى كه بدون عذر ساكت نشسته اند با كسانى كه از مال و جان دريغ نداشته در راه حق و حقيقت مجاهده مينمايند يكسان نيستند. خداوند با درجه ممتازى مجاهدين بمال و جان را بر عزلت گزيردگان برترى و بزرگى داده وعده پاداش داده است» مسلماً افراد آلوده سست عنصر و بد سابقه را در اين جمعيت راهى نيست ولى از هموطنان مومن و غيرو خواستارم مراقبت نمايند دستهاى ناپاك و دودل در آن رخنه نمايند و هر تصميمى با مشورت انجام پذيرد و احدى را حق تحميل نظر شخصى (كه نتيجه آن بى نظمى و بروز اشكال در نيل بمنظورهاى پاك ملي خواهد بود) نباشد. خداوند متعال به چنين جمع كه در طريق خدمت مردم و تحقق آمال ملت مى كوشند وعده رستگارى فرموده است. اميدوارم برادران دينى و هموطنان عزيز با آمادگى و خلوص نيت به وظيف خيبر خود در اين مرحله از تاريخ ايران در كمال اميد و همت عمل نمايند.

سيد محمود طالقانى

نهضت
آزادی
ایران
چه
گفت
و چه
کرد؟

نهضت آزادی ایران چه گفت و چه کرد؟

بسمه تعالی

س - اردیبهشت ماه امسال بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران اعلام شده است. سوابق فعالیت های نهضت آزادی ایران چیست و چه کارها کرده است؟

ج - تأسیس نهضت آزادی ایران بعنوان یک تشکل سیاسی اسلامی در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ رسماً اعلام گردید. از جمله مؤسین آن مرحوم طالقانی و رحیم عطائی و آقایان مهندس بازرگان و دکتر سبحانی هستند. اما نهضت آزادی تنها یک تشکل سیاسی - اسلامی نیست. بلکه نهضت آزادی یک جریان سیاسی - اسلامی اصیل است که از شهریور ۱۳۲۰ به بعد در ایران بوجود آمد. در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، قسمت اعظم کوشش ها و تلاشها در زمینه تبیین مسائل ایدئولوژیک و روشن کردن خط اصیل اسلامی از گرایشات انحرافی و خرافات و ضمناً تربیت عناصر مسلمان و متعهد و با ایمان متمرکز بوده است.

باید توجه داشت که جنگ جهانی دوم تغییرات زیادی در جغرافیای سیاسی جهان از جمله در ایران بوجود آورد. با حمله نیروهای نظامی متفقین به ایران و اشغال نظامی ایران، و فرار رضاخان پالانی از ایران، آزادی های نسبی نصیب ملت ایران گردید.

حرکتهای سیاسی و اجتماعی پدیدار شدند افشار مختلف ملت به حرکت درآمدند. در اوائل برخی از این حرکتها فاقد جهت گیری های مشخص بودند و تکیه گاههای ایدئولوژیکی نداشتند و بیشتر احساسی و سطحی بودند لذا ریشه و پایه ای پیدا نکردند. اما مجموعه حرکتهای سیاسی در این دوره که بتدریج رشد کردند، و ریشه دوانیدند و باقی ماندند و در سرنوشت میهن ما اثراتی (هم به جهات مثبت و هم به جهات منفی) باقی گذاشتند و دارای جهت گیری های سیاسی مشخص و یا هویت ایدئولوژیک متمایز از همدیگر بودند سه حرکت عمده میباشند. سه حرکتی که هر کدام دارای ویژه گی های خاص خود بوده و هر کدام از یک سوابق تاریخی مشخص و معینی برخوردار بوده اند و هر یک سیر تحول

مشخصی را گذرانیده‌اند. این سه حرکت متمایز که از شهر یور ۱۳۲۰ در جامعه ما پدیدار گشته عبارتند از:

۱- حرکت مارکسیستی

۲- حرکت ملی

۳- حرکت اسلامی

بنا به ملاحظات و علل متعددی، حرکت مارکسیستی زودتر از سایر حرکات متشکل شد و بروز و ظهور نمود. بعد از آن حرکت ملی بود و سپس حرکت اسلامی.

هر یک از این سه حرکت طی سالیان دراز مرحله‌ای را گذرانیده و دچار زیرویم و تغییرات فراوان شده‌اند. سازمانها و تشکل‌های متعددی که هر کدام معرف جناح خاص و روند و گرایش‌های خاصی در هر یک از این حرکات بوده‌اند و می‌باشند بوجود آمدند، رشد کردند یا از بین رفتند.

در اینجا ما فرصت بحث و بررسی هر یک از این سه حرکت و سازمانها و تشکل‌های سیاسی و فکری وابسته آنها و عملکردشان را نداریم. آنچه در رابطه با مجموعه این حرکات باید عنوان کنیم و به پاسخ آن پردازیم موقف و موضع نهضت آزادی در این مجموعه و در رابطه با حرکت اسلامی می‌باشد. نمودار شماره یک وضعیت کلی هر یک از سه حرکت و سازمانها وابسته و سرنوشت آنها از بدو شروع تا به زمان حال را نشان می‌دهد. * (۱)

حرکت نوین اسلامی:

حرکت اسلامی ایران که شهر یور ۱۳۲۰ سرآغاز فصل جدیدی برای آن می‌باشد ریشه‌های عمیق و ستبری در تاریخ گذشته ملت ایران، خصوصاً در یک قرن گذشته دارد و اینطور نیست که صرفاً از شهر یور ۲۰ شروع شده باشد. اما شهر یور ۲۰ نقطه آغاز جدیدی است از حرکت اسلامی. از شهر یور ۱۳۲۰ به بعد در این حرکت، که در واقع حرکت نوین اسلامی است، دو جریان عمده و اساسی مشخص دیده می‌شود. که از همان سالهای بعد از شهر یور ۱۳۲۰ در جامعه ایرانی اسلامی، بوجود آمدند و عبارت بودند از:

جریان اول حرکتی است که در میان دانشجویان، دانشگاهیان، تحصیل کرده‌های مسلمان بروز کرد. و ویژگی‌های خاص خود را داشت. و با انگیزه‌ها و دستاوردها و پایگاه اجتماعی معین، عمدتاً در میان تحصیل کرده‌ها.

* (۱) به نمودار ضمیمه توجه شود

دوران آگاهی نسبی و آریایی‌ها نسبی — دوران آگاهی نسبی و آریایی‌ها نسبی — دوران آگاهی نسبی و آریایی‌ها نسبی

دوران مبارزه به شهرستانها
گسترش مبارزه به شهرستانها
دوران مبارزه به شهرستانها
دوران مبارزه به شهرستانها

۱۳۴۳
۱۳۴۱
۱۳۴۱
۱۳۴۱

- ۶/۱۱ - بیانه مطبوعه که در آن روشنگران مناسبت روز جهانی بزرگراه (۱۹۶۲)
- ۲ - نامه سرگنده به هیئت امیر کل مایه‌ها علی محمد (مستطاب مطبوعه در ایران)
- ۹ - آفر ماه (مخبریه) ۱ به ۱ و بیگانه نهفت آزادی بود همه و بیهم بیات حاکمه قرار گرفته است؟
- ۲ - اعلامیه ای در رابطه با حرکت روحانیون و مبارزه، و همکاری با آنان در فراموشی نیتها و همکاری، رژیم.
- ۲/۱۶ - اعلامیه کمیته دانشجویان برای تشکیل بازاری، دانشجویان روحانی در جهت ایجاد
- ۲ - اعلامیه در مورد حرکت انقلابی دانشجویان مردم نو و در چهره ۱۵ خرداد
- ۱/۲۲ - نوبت به تبلیغ از کشتار ۱۵ خرداد و اگر آن در مطبوعات عاریس
- ۲ - اعلامیه مسلمانان های فقه نهفت دومین خبر و مطبوعات و ارتباط و تکلیفات پس از تمام
- ۲/۱۶ - تحلیل از نهفت عیسی و روحانیت (اعلامیه تهیه افسر دیکتاتور عیسی بود)
- ۲/۱۶ - هشدار به مردم در مورد کودتای احتمالی آفر پهلوی
- ۲ - نوبت به تبلیغ شیوه‌های پاسی اختلال، صداکام، دستگیری و پاره
- ۲ - گفتار آفر نیریک کمیته دانشجویان نهفت به اصغر، عارف و صلاح الدین بهار (برای تشکیل کمیته مسالک مری)
- ۲ - تبلیغی در ارتاز راه حل های تازه برای شرایط جدید اختلال
- ۱۲/۱۵ - انتشار اعلامیه نهفت در خارج کشور (تظاهرات جهانی - تشکیل کنگره‌ها و ...)
- ۱۲/۲۴ - تبلیغ برنامه‌ها و راه‌ها (پس از دستگیری و پاره نهفت)
- ۱۱/۲ - بیانه شورای مرکزی (برای فرستادن یک انقلاب بزرگ و برگرداندن تاریخ خود) ۱۵ صفحه
- ۲ - تبلیغی درباره هدف روحانیون از مبارزه اخیر
- ۹ - اعتراض به همه پاس به محضه جنبه نو
- ۲ - نوبت حرکت عسای اعلام و مراجع نظام و تبلیغ اعلامیه های آنان
- ۲ - مهندسی در برابر نیتها اختلالات انجمن های دانش و تلاش و فریب حق رای به پهلوی
- ۱/۱۲ - هشدار به مردم در مورد تشکیل مجلس مؤسسان برای قانونی کردن اصلاحات و اصلاحات
- ۱/۱۲ - اعلامیه در باره استقلال دانشگاه اساسی استقلال کشور است
- ۱ - اعلامیه خارج کشور
- ۱ - تحلیل مفصلی از اوضاع دانشگاه و مبارزات دانشجویی در گذشته و حال با ارتز راه حل ها و پیشنهادات
- ۱/۱۵ - اعلامیه دومین همه گانه جهانی خبر باز نویسی در اول بهمن به دانشگاه تهران
- ۱ - بیان اعلامیه شورای مرکزی در باره فرمان ۲۴ آبان شاه (تبلیغ اصلاحات و اصلاح فرافینی دولت)
- ۲ - برپا نهادن انجمنات سیاسی ایران و زمین فوایدی و تلاش برای راهی ملی
- ۲/۲۱ - اعتراض به تشکیل سبتر دانشک سواد دانشگاه شوز (مهندسی همه آفر پهلوی)
- ۲/۲۲ - بیانه های آریا... انقلابی و روحانی
- ۲/۲۵ - اعلامیه پاسی

نمودار فعالیت های نهفت
در دوره «فعالیت نیمه عالی»

این جریان بدلیل خصوصیات خود اجباراً برای پاسخگویی به سئوالات جوانان تشنه علم و دانش در مورد مسائل و مقررات اسلامی به استدلال علمی منطقی تکیه میکرده است و از دستاوردهای علمی دنیای روز مدد می گرفته است. و این هیچ تبیینی با نگرش قرآن و جهان بینی توحیدی نداشته و ندارد. این جریان اسلامی بدلیل همین ماهیت خاص به تولیدات فرهنگی اسلامی جدیدی که جواب گوی نیازمندی های نسل جوان تحصیل کرده است همت گماشت. مهندس بازرگان و دکتر سبحانی پرچمدار این جریان در حرکت اسلامی بوده اند. استعمار و امپریالیسم برای تثبیت سلطه خود بر ملت ما از طریق نظام فرهنگی، نسل جوان و تحصیل کرده را نسبت به مذهب بیگانه، یا بیدین و مخالف مذهب و یا بی بند و بار ساخته بود. اولین قدم در راه مبارزه با استعمار نو و سلطه امپریالیسم معرفی اسلام واقعی و اصال به جوانان و آشنا ساختن تحصیل کرده ها با اسلام بوده است. هم این جریان در حرکت اسلامی است که دین را به دانشگاه برد و نسلی متعهد و مسلمان و متخصص تربیت کرد. و همین جریان است که دین را به دانشگاه سیاست را به مسجد برد.

بروز و ظهور سازمان یافته این جریان اسلامی، ولو بصورت پراکنده عبارت از: «انجمن های اسلامی دانشجویان و بعدها، انجمن های اسلامی مهندسی و پزشکان و معلمین و غیره، نهضت خداپرستان سوسیالیست، کانون اسلام و انجمن تبلیغات اسلامی و... نشریاتی از قبیل فروغ علم، حکمت، گنج شایگان، مهد علم و هفته نامه دانش جوان و دانش آموزان فارس»...

رشد این جریان اگر چه بطئی بود اما بتدریج در تمام نهادها و بخصوص در بافت درونی حرکت سیاسی - اجتماعی نهضت ملی ایران رخنه و نفوذ نمود و عناصر اسلامی نهضت ملی را در بین روشنفکران تقویت و تعمیق نمود. بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تأسیس نهضت مقاومت ملی، این جریان بسرعت گسترش یافت. مبارزات ملت که تا آن زمان یا در بعد مبارزات سیاسی - و یا در بعد مبارزات ایدئولوژیک صورت میگرفت. درهم ادغام شدند و حرکت مردم دو بعدی شد. یعنی مبارزه سیاسی ایدئولوژیک، یعنی مبارزه بر اساس انگیزه های مذهبی و با شناخت ایدئولوژیک. نهضت آزادی ایران یکی از تشکلهای سیاسی وابسته به این جریان اسلامی ریشه دار تاریخی است.

جریان دوم که در حرکت نوین اسلامی بعد از شهریور ۲۰ بوجود آمد یا

بهرتر بگوئیم موجودیت خود را ظاهر ساخت حرکتی بود که از حوزه علمیه قم و در میان برخی از مدرسین و طلبه‌های جوان حوزه‌های علمیه ظاهر شد و پایگاهش در میان گروه‌هایی از طبقات پائین شهری و کسبه و بازاریان بود. پیروان این جریان اسلامی، به مقولات مذهبی از موضع ایمان خالص اعتقاد داشتند و هرگز نیازی به توجیه علمی مقولات و مفاهیم مذهبی احساس نمی‌کردند و در این زمینه هم کاری انجام ندادند. این جریان بدلیل برخورداری از احساس یا عاطفه شدید مذهبی، تحرک فوق‌العاده زیادی داشت. خیلی بیشتر از تحرک در جریان اول. نمونه وسبیل سازمان یافته این جریان در حرکت اسلامی، فدائیان اسلام و رهبر و مؤسس آن مرحوم شادروان شهید نواب صفوی و یارانش میباشد.

جریان اول در دوران جنبش ملی شدن نفت اگر چه حضور داشت اما نقش چندان فعال و موثر و وسیعی نداشت. افرادی از انجمن‌های اسلامی آنهم بیشتر به صفت فردی در مبارزات ملی شدن نفت شرکت داشتند. محور اصلی فعالیت‌های این جریان مبارزات ایدئولوژیک بمعنای تبیین (روشن کردن) موازین اسلامی و تربیت کادرهای معتقد و مؤمن بوده است. اما جریان دوم، به همان دلالی که ذکر شد در دوران ملی شدن صنایع نفت و قبل از آن با تحرک شدید در متن اصلی مبارزات سیاسی و بعضاً مسلحانه بوده است.

هر دو جریان، در مجموع، حرکتی مستقل، بدون وابستگی به اجانب و هر دو با انگیزه‌های مذهبی و در پی انجام تکلیف و وظیفه الهی و شرعی بوده است. بعبارت دیگر محرک اولیه و اساسی و با انگیزه‌ی هر دو جریان در فعالیت‌های اسلامی «انگیزه مذهبی» بوده است نه انگیزه «سیاسی». هر دو جریان به میزان زیادی حاصل «عکس العمل» و بازتاب مسائل روز بوده است. جریان اول، عکس‌العمل دانشجویان و جوانان مسلمان و متعهد در برابر فعالیت شدید توده‌ای‌ها و بهائی‌ها در محیط‌های دانشگاهی و دبیرستانی بوده است. بعلاوه و شاید مهم‌تر مقاومت نسل جوان تحصیل کرده در برابر سلطه فرهنگی استعمار و استبداد و تلاش برای حفظ «هویت خویش» بوده است. و اینکه دانشجویان مسلمان نمی‌توانستند هویت فرهنگی یعنی اسلامیت خود را در برابر تهاجمات گسترده دو فرهنگ بیگانه، یعنی فرهنگ منحن غربی نظام حاکم و فرهنگ متهاجم مارکسیستی، بصورت «انفرادی» حفظ کنند. و می‌بایستی برای حفظ «خویش» خود، هویت گروهی و جمعی ایجاد نمایند. و لذا دست به تشکیل انجمن‌های اسلامی و یا نهضت خدایرستان سوسیالیست، که سازمانی مخفی بود، زدند. بدلیل نوع درگیری‌هایی که در محیط‌های دانشگاهی با این دو

فرهنگ بیگانه از اسلام وجود داشت و هم چنین اصول شیوه‌های مبارزه ایدئولوژیک (با دو فرهنگ بیگانه) این جریان اسلامی توانست فرهنگ و ادبیات اسلامی خاصی را بوجود آورد که جوایگوی نیازهای خاص قشر وابسته بآن باشد. این جریان کلیه دستاوردهای علمی بشر را در خدمت مبارزه ایدئولوژیک خود و برای اثبات و تفهیم مقولات و مفاهیم اسلامی اعتقادی‌اش مورد بهره‌برداری قرار داد اگر چه بعضی‌ها این روزها حتی چنین روشی را ایراد می‌گیرند اما استفاده از ره‌آوردهای علمی برای اثبات حقایق مفاهیم اسلامی امری است که در تاریخ اسلام سوابق بسیار طولانی دارد.

جریان دوم نیز عکس‌العملی در برابر نوع دیگری از نه‌اجمات فرهنگ غیر اسلامی و انحرافی بود. همانطور که میدانید در سالهای بعد از شهر یور ۱۳۲۰ انواع و اقسام گرایش‌ات انحرافی، در جامعه بوجود آمده بود و سیاست‌های خارجی هم از این گرایش‌ات، برای بجان هم انداختن مسلمانها استفاده می‌کردند در مواردی سیاست‌های خارجی خود موجد این گرایش‌ات انحرافی بودند. یکی از صاحبان گرایش‌ات انحرافی، کسروی بود و حرکت فدائیان اسلام عکس‌العمل احساس نگرانی آنها در برابر خطر انحرافات کسروی بود.

هر یک از این دو جریان اصیل اسلامی، در ابتدای فعالیت خود با مشکلات و موانع فراوانی نه تنها از جانب دشمنان بلکه از جانب مسلمانها روبرو دست به گریبان بودند. دانشجویان و جوانان و متفکرین اسلامی در جریان اول همان اندازه در محیط‌های دانشگاهی تحت فشار بودند که فدائیان اسلام در حوزة علمیه قم. نماز خواندن در دانشگاه همان اندازه موجب بروز فشار علیه مسلمانها می‌شد که بحث و گفتگوی سیاسی در مساجد، هستند کسانی که کتک خوردن فدائیان اسلام در مدرسه فیضیه را بخاطر مخالفت و اعتراض به طواف جنازه رضا خان پالانی بیاد دارند.

هر یک از این دو جریان در روند رو بردش و توسعه و تکامل خود چه در بعد سیاسی و چه در بعد تشکیلاتی دچار نوسانات فراوان شدند. انشعابات و انحرافات در هر کدام بوجود آمد. ضرباتی از داخل و خارج بسر آنها وارد شد. گرفتاری‌ها و محدودیت‌ها و حبس‌ها دیدند و شهدائی دادند.

جریان اول بعد از کودتای ۲۸ مرداد، با تاسیس نهضت مقاومت ملی در مرکز فعالیت‌های سیاسی قرار گرفت که بعد از ۸ سال مبارزه در شرایط اختناق سیاه در سال ۴۰ شیوه مبارزات علنی را انتخاب کرد و نهضت آزادی را بوجود آورد. تشکل‌های اسلامی از قبیل حزب مردم ایران جاما و جنبش مسلمانان مبارز...

از همین جریان اسلامی نشأت گرفته‌اند.

مجاهدین خلق نیز مولود همین جریان اسلامی هستند. اولین گروه مؤسسين مجاهدین خلق، مجاهدین شهید و بزرگی چون حنیف نژادها و سعید محسن‌ها و ناصر صادق‌ها و رضائی‌ها اعضای فعال نهضت آزادی ایران بودند.

جریان دوم حرکت اسلامی، بعد از ۲۸ مرداد مورد سخت‌ترین تهاجمات قرار گرفت و با دستگیری و شهادت نواب صفوی و یارانش، ظاهراً کل جریان آرام گرفت و ساکت شد. اما با ورود فعال روحانیت برهبری امام در سالهای ۴۰ و ۴۱ در صحنه مبارزات سیاسی - اسلامی، این جریان از نو، با شتاب و تحرک خیلی بیشتری به صحنه عمل وارد شد. هیئت‌های مؤتلفه اسلامی حزب ملل اسلام، روحانیت مبارز و ... نمودهای سازمان یافته این جریان اسلامی میباشند که هر کدام با تأخیر و تقدم کمی به صحنه مبارزات کشانیده شدند.

نکته جالب توجه این است که در مجموعه حرکت نوین اسلامی، رشد و توسعه این دو جریان عمده و اساسی و هماهنگی و همکاری این دو باهم بوده است که بالاخره به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ منجر گردید. اینکه این دو جریان باید باهم رابطه داشته باشند باهم همکاری و همگامی کنند از همان سالهای اولیه کاملاً احساس میشده است.

و این یک احساس مشترک و دوجانبه بوده است. بطوری که دو طرف

کوشش و تلاش و رغبت و تمایل نشان میدادند و عملاً بر برهه‌هایی از زمان چه قبل از کودتای ۲۸ مرداد و چه بعد از آن تماس‌ها و ملاقاتها و همکاری‌های مشترک، ولو بسیار محدود بین این دو جریان وجود داشته است.

میان رهبران و اعضای فدائیان اسلام از قبیل شهید نواب صفوی، با رهبران و فعالین جریان اول، نظیر مهندس بازرگان و مهندس سبحانی، دکتر یزدی، دکتر چمران تماس‌ها و ملاقاتها برقرار بوده است. مرحوم طالقانی از عناصر اصلی ایجاد این پیوند و ارتباط بوده است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد روابط منظم و هدف‌دارتری میان نهضت مقاومت ملی با مراجعی در حوزه علمیه قم که مرکز و همنشأ اصلی و واقعی جریان دوم می‌باشد بوجود آمد. زمینه همکاری‌های وسیع‌تری فراهم شد. انتقال مرحوم شهید مطهری به تهران و همکاری وی با جریان اول مؤثر و مفید بوده است. در سالهای ۳۹ و ۴۰ این روابط گسترش یافت. وحدت عملی و واقعی میان فیضیه دانشگاه بوجود آمد. نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی - اسلامی وابسته به جریان اول از مبارزات روحانیت برهبری

خمینی قاطعانه پشتیبانی کردند و روحانیت برهبری امام هم از مبارزات نهضت آزادی حمایت و پشتیبانی نمود.

بنابراین وقتی صحبت از «نهضت آزادی» می‌شود، صرفاً سخن از یک سازمان که در سال ۴۰ تأسیس یافته است نمی‌باشد بلکه نهضت سمبل و تجلی یک جریان اصیل ریشه دار و عمیق اسلامی است.

تأسیس نهضت مقاومت ملی:

همانطور که گفته شد، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت ایران است.

نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت در سرتاسر کشور به سلطه استعمار خشن و سایه انگلیس در میهن ما خاتمه داد و موفق شد موجی از مبارزات ضد استعماری را در ایران و خاورمیانه و دنیای اسلام بوجود آورد. امپریالیسم تازه نفس آمریکا، که در بسیاری از نقاط جهان کوشش و تلاش می‌نمود تا جای امپریالیسم شکست خورده انگلیس (یا فرانسه و آلمان ...) را پرکند، کوشش بسیاری نمود تا بتواند جای انگلیس را در ایران بگیرد و کمپانیهای نفتی آمریکائی وارد صحنه شوند. مقاومت دکتر مصدق و تسلیم ناپذیری وی در برابر فشارهای ابرقدرتها، بالاخره کار رابجائی رسانید که ابرقدرتهای شرقی و غربی برای از بین بردن مصدق و خاموش کردن نهضت ضد استعماری مردم ما متحد و همگام شدند. بعد از آنکه کودتاها و توطئه‌های متعدد شکست خورد بالاخره در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتای نظامی مشترک آمریکا و انگلیس با سکوت رضایت‌مندانه روسها به نتیجه رسید و حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق ساقط و شاه که از ایران فرار کرده بود توسط «سیا»ی آمریکا به ایران برگشت و دوران جدیدی از اختناق و فشار آغاز شد.

بعد از استقرار حکومت کودتا سرکوبی آزادی خواهان و احزاب و دستجات مخالف رژیم آغاز شد.

در شهریور ۱۳۳۲، یعنی درست چند هفته بعد از استقرار کودتا، جمعی از شخصیت‌های متدین و علاقمند به وطن و مخالف استبداد و سلطه استعمار بدور هم جمع شدند و برای حفظ دستاوردهای نهضت و بسیج مردم جهت مقابله و مقاومت در برابر نظام کودتائی دست به تشکیل سازمانی بنام «نهضت مقاومت ملی ایران» زدند با تشکیل نهضت مقاومت ملی رهبری مبارزات سیاسی بدست مبارزان مسلمان و متعهد و اصیلی، که با انگیزه مذهبی وارد عمل شده بودند افتاد. و دو حرکت اسلامی و ملی، به میزان قابل توجهی درهم ادغام شدند. محور اصلی

رهبری نهضت مقاومت ملی و بدنه اصلی مبارزین را در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ و ۴۰ کسانی تشکیل میدادند که با انگیزه دینی و انجام تکلیف و وظیفه الهی قدم به میدان مبارزه گذاشته بودند ضمن آنکه مبارزه با استبداد و استعمار را با انگیزه‌های ملی و میهنی و سیاسی مغایر با اسلام ندانسته و با کسانی که با این انگیزه‌ها در مبارزه شرکت داشتند روابط دوستانه و همکاری نزدیک داشته‌اند.

سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ و ۴۰ پرچم مبارزه و مقاومت را برافراشته نگه داشت اگر چه گاهی اوقات فعالیت‌ها فروکش کرده و تا حد فعالیت‌های محفلی محدود می‌گشت. همین مقاومت‌ها نتایج پربراری را بهمراه داشت. صدها بیانیه و نشریات مختلف نهضت مقاومت ملی در مدت هشت سال، معرف موضع‌گیری‌های نهضت در این دوره می‌باشد.

کودتای ۲۸ مرداد دارای دودسته از هدفهای کوتاه‌مدت و هدفهای درازمدت بود. کودتاگران در هدفهای کوتاه‌مدت خود، که از بین بردن حکومت ملی و مردمی دکتر مصدق، استقرار مجدد سلطه شاه بازگشت استعمار و امپریالیسم و دست‌یابی به منابع نفتی ایران و سرکوب حرکت مردم بود موفق گردیدند. اما در هدفها و برنامه‌های درازمدتش ناموفق شد. یکی از دلایل عدم موفقیت کودتاگران در برنامه‌های درازمدت مقاومت مردم در برابر تهاجمات استبداد و استعمار بود. و همین مقاومت‌ها بود که منجر به حوادث و وقایع سالهای ۳۹ و ۴۰ گردید که بدنبال آن با ورود امام خمینی به صحنه مبارزات به اوج‌گیری این حرکت‌های مردمی در ۱۵ خرداد ۴۲ انجامید.

تذکر این مطالب از آن رولازم و ضروری است تا نشان داده شود که رهبران و فعالین و مبارزین نهضت مقاومت ملی همان کسانی بودند که بعدها در اردیبهشت ۴۰ نهضت آزادی را تأسیس نمودند. در واقع نهضت آزادی ایران ادامه همان نهضت مقاومت ملی بود که در شهریور ۱۳۳۲ برای مقابله با کودتای ۲۸ مرداد بوجود آمد. بدین ترتیب روشن می‌شود که اگر چه نهضت آزادی در ۲۵ اردیبهشت ۴۰ بهمت جمعی از مسلمانان مبارز و مردان حق، از جمله مرحوم آیت‌اله حاج سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتریداله سبحانی پابعرضه وجود گذاشت، اما این بدان معنا نیست که حرکت نهضت از اردیبهشت ۱۳۴۰ آغاز شده باشد. بلکه حرکت نهضت آزادی ایران، در جهت تکامل و گسترش فعالیت و کار و عمل همان نهضت مقاومت ملی ایران است که در شهریور ۱۳۳۲، یعنی درست یک ماه بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ بدست همین رادمردان تأسیس گردید.

* * *

استمرار حرکت :

این مسئله، یعنی رابطه نهضت آزادی ایران و نهضت مقاومت ملی، توسط مؤسسن خود نهضت بارها اعلام شده است. مثلاً مهندس بازرگان در نامه‌ای که در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۰ به نمایندگی از طرف هیئت مؤسسن نهضت بدکتر مصدق نوشته است چنین میگوید:

«... با توجه به تحولات اخیر جهانی عده‌ای از افراد مومن مبارز که در طول هشت سال اختناق از ادامه راه پیشوای محبوب و تعقیب خواسته‌های مردم آرام ننشسته بودند درصدد برآمدند با توکل بعنايات خداوند و بسرمایه شرف و غیرت و همت مردم آزاده ایران جمعیتی بنام نهضت آزادی ایران تشکیل دهند»

مرحوم طالقانی نیز در بیانیه خود بمناسبت تأسیس نهضت، رابطه نهضت آزادی را با نهضت مقاومت ملی چنین بیان کرده‌اند:

«بحمدالله جمعی که طی سالهای سخت ثبات قدم و پاکی نیت خود را ابراز داشته در برابر تهدید و محرومیت و زجر و زندان خود را نباخته در تعقیب هدفهای ملی برای نجات مملکت کوشیده‌اند و در این هنگام خطیر به تشکیل (نهضت آزادی ایران) قیام و اقدام نموده‌اند.

همین معنا را یکی دیگر از فعالین نهضت مقاومت ملی و از مؤسسن نهضت آزادی در سخنرانی خود در جریان اعلام تأسیس نهضت این چنین میگوید:

«هیئت مؤسس نهضت آزادی ایران مرکب از آنکسانی میباشد که در هشت سال گذشته (منظور از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ است) علی‌رغم فشار و اختناق شدید ایمان و معتقدات سیاسی خود را از گزند (ترس) و (یأس) و (بدبینی) مصون داشته و پیوسته از پیشوای رادمردان پیشرو طریق حق و جهاد - حضرت علی (ع) الهام گرفته‌اند».

اما جریان تأسیس نهضت مقاومت ملی را مهندس بازرگان در سخنرانی خود به مناسبت تأسیس نهضت در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ چنین شرح میدهد:

«افراد با ایمان و با شهامتی از بقایای حکومت ملی یا از میان طبقات روشنفکران و روحانی و بازاری و کارمند که شهرت قبلی نداشتند از هر طرف و در هر فرصت به اعتراض و ابراز وجود پرداختند. با وجود صدمات و خطرات شدید نگذاشتند صدای ایرانی خفه و شمع نهضت ملی خاموش گردد. نام آن افراد و افکار و تظاهراتشان نهضت مقاومت ملی گذارده شد. نهضت مقاومت ملی خطوط اولیه مبارزه و امید را روشن ساخت و بسایرین جرأت حرکت داد. سپس بعضی از همکاران قدیمی آقای دکتر مصدق و احزاب ملی با احتیاط وارد میدان شدند.»

سرهنک فخرمدرس، دادستان نظامی بیدادگاه شاه در ادعاینامه خود علیه سران و فعالین نهضت آزادی، نه تنها از فعالیت‌های گذشته این افراد در نهضت مقاومت ملی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ اشاره کرده و میگوید:

«پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و انهدام حزب منحل شده، احزاب و دستجاتی که تحت عناوین مختلف فعالیت می نمودند دست از فعالیت برداشته و... ولی بعد از مدتی مجدداً جمعی از آنان بطور مخفیانه گرد هم جمع شده و دست به تشکیل سازمانی بنام نهضت مقاومت ملی زدند... از جمله افرادی که در نهضت مقاومت ملی فعالیت شدید و حاد داشتند جناحی بودند که بوسیله آقای مهندس بازرگان اداره میگردید و مخصوصاً رده‌های پائین تشکیلات نهضت مقاومت ملی را بیشتر این افراد به عهده داشتند.»

نهضت مقاومت ملی طی هشت سال مبارزات خود چه گفت و چه کرد نیاز به بحث و بررسی جداگانه‌ای دارد متأسفانه اسناد نهضت مقاومت ملی نشریاتی از قبیل راه مصدق و مکتب مصدق و بیانیه‌های نهضت تماماً در دسترس نیستند. اما بهرحال ما به کوشش و تلاش خود جهت جمع‌آوری این اسناد و انتشار آنها ادامه می‌دهیم.

نهضت مقاومت ملی ایران فعالیت خود را بصورت مخفی و نیمه مخفی و

محدود تا سال ۱۳۳۹ ادامه داد. در اواخر سال ۱۳۳۸ نهضت مقاومت ملی بدنبال بررسی و تحلیل شرایط اجتماعی ایران در آن زمان و جو سیاسی خاصی که در ایران هم به لحاظ مسائل درونی و هم به لحاظ مسائل بین المللی بوجود آمده بود باین جمع بندی رسید که امپریالیست ها و به تبعیت از آنها رژیم شاه درصدد ایجاد یک سلسله تغییراتی به نفع خود در روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی هستند و در نظر دارند طی برنامه ای حساب شده در سطح مسائل سیاسی با دادن یک سری آزادی های محدود و تحت کنترل از بن بست سیاسی بیرون آمده و خطر انفجار انقلابی را که بالقوه در ایران وجود داشت از بین ببرند و یا حداقل، آنرا تقلیل دهند. و در سطح اقتصادی بشیوه جدیدی بغارت اموال و منافع ملت ما ادامه دهند.

نهضت مقاومت ملی در نامه ۱۳۳۹/۸/۲۴ خود خطاب به اعضای شورای جبهه ملی و به تحلیل وضع ایران و برنامه های دشمن پرداخته است و در یکجا مینویسد:

«... اگر دنیا همان دنیای سابق بود، سیاست خارجی که خر خود را سوار بود و اقتصاد و نیروی اجتماعی ایران را در بست زیر اختیار داشت. از این بابت نه ناراحتی بخود راه میداد و نه بفکر تغییر وضع می افتاد ولی خوشبختانه مقتضیات دنیا با تغییرات و تحولاتی که در وضع اجتماعیات کشورهای عقب افتاده پیش آمده فرق بسیار کرده و... این است زمزمه آزادی انتخابات که با جبار از دهان شاه بلند شد بدنبال این احساس خطر و بدنبال برنامه ای بود که سیاست خارجی برای نجات خود از عواقب این قهر و بی اعتنائی مرد تنظیم کرده بود...»

« سیاست خارجی ضمن تنظیم این برنامه کوشش کرده تا با از دست دادن حداقل امتیاز حداکثر مزایائی را که در ایران داشته برای خود محفوظ نگاهدارد...»

نهضت مقاومت ملی در بررسی های خود باین جمع بندی رسیده بود که:

۱ - امپریالیست ها، مشخصاً آمریکائی ها بدنبال اجرای این برنامه ها هستند و رژیم دست به تدارکاتی در این زمینه زده است.

۲ - دشمن خواهد کوشید که برای رفع خطر بالقوه انقلاب و باز کردن دریچه اطمینان به نیروهای مخالف نیز امکان فعالیت را بدهد. اما از «مصدقی‌ها» سخت نگران است. یکبار در فروردین ۱۳۳۴، شاه خطاب به نمایندگان به اصطلاح مجلسین گفته بود که: مصدقی‌ها خطرناک‌تر از توده‌ای‌ها برای ما هستند» و بعداً در سال ۱۳۳۹ نخست‌وزیر شاه دکر اقبال نیز اعلام کرد که:

«برفردام چی‌ها (منظور همان مصدقی‌هاست) - اجازه انتخاب کردن و انتخاب شدن نمیدهیم». در عوض سعی دشمن بر آن بود که بدست خود یک نیروی مخالف وفادار بوجود بیاورد.

۳ - دشمن میخواهد با ایجاد تغییراتی در روابط مالک و رعیت راه را برای توسعه و بسط نفوذ اقتصادی باز نماید.

۴ - نهضت مقاومت ملی و همه نیروهای اصیل ملی و اسلامی میتوانند با بسیج همه امکانات:

اولاً - یک حرکت سیاسی اصیل وسیعی را به دشمن تحمیل کنند.

ثانیاً با ایجاد چنان حرکتی و تحمیل شیوه مبارزات علنی بر دشمن جنبش را گسترش و توسعه دهند، و آنرا از بن بست مبارزات مخفی که بعلت هشت سال خفقان شدید بعد از کودتای ۲۸ مرداد بالضروره، محدود بوده است بدر آورند.

ثالثاً - با تحقق دو هدف بالا مانع از اجرای برنامه موفقیت‌آمیز سیاسی و اقتصادی دشمن و در نتیجه مانع فرار و خروج دشمن از بن بست بشوند.

(به جزوه «تأسیس جبهه ملی دوم و نقش نهضت مقاومت ملی و هم چنین مجموعه‌ی اسناد نهضت آزادی ایران و نشریه داخلی شماره ۵ - نهضت آزادی ایران - شهریور ۱۳۴۰» رجوع کنید).

نهضت مقاومت ملی (و سپس نهضت آزادی) با علم باین که رژیم شاه و اربابان خارجی‌اش بهیچوجه درصدد اعطای آزادی‌های واقعی بخلق ما نیستند و اینکه برنامه انتخابات آزاد و دادن برخی آزادی‌های ظاهری صرفاً در رابطه با اهداف دشمن و برای گول زدن و انحراف خلق است باستقبال شرایط خاص آنزمان رفتند. تا علیرغم همه برنامه‌های سیاسی و اقتصادی دشمن، نیروهای مبارزو مقاوم را بسیج کرده و حداکثر استفاده را به نفع توسعه جنبش بنمایند و رژیم شاه و امپریالیسم را ناکام سازند. البته بودند اشخاص و احزاب و گروههایی که در همانزمان هم قادر به فهم برنامه‌های دشمن نبودند و وقایع آن زمان برای آنها ظاهراً پیچیده و معماآمیز جلوه مینمود. و به همین علت و باضافه علل دیگر نتوانستند در

برابر آن موضع قاطعی اتخاذ نمایند و در نتیجه در دام بازیهای سیاسی رژیم گرفتار شدند... و از خلق بریدند. اما نهضت آزادی به برکت برخورداری از جهان بینی توحیدی و با استفاده از تجارب گذشته رهبران و فعالینش توانست در همان زمان این طرحها و نقشه ها را بشناسد و طی اعلامیه های مکرر آنها را به مردم معرفی نمایند و سپس با اتکاء به شرافت و صداقت ملت ایران با قاطعیت به سازماندهی طرحهای جدید پرداخت که نتیجه آن تاسیس نهضت آزادی در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ بود. باین ترتیب نهضت آزادی بمنظور ادامه مبارزات علیه استبداد داخلی و استیلای خارجی اما بشیوه مبارزات علنی و بمنظور بسط و گسترش هر چه بیشتر مبارزه بوجود آمد.

فعالتهای نهضت آزادی ایران از این پس به دو بخش عمده تقسیم می شود. بخش اول فعالیت نهضت در داخل ایران و بخش دوم فعالیتهای نهضت در خارج از کشور.

فعالتهای نهضت در داخل ایران مراحل متعددی را گذرانید. نمودار شماره ۲ این فعالیتها را نشان میدهد. * (۱)

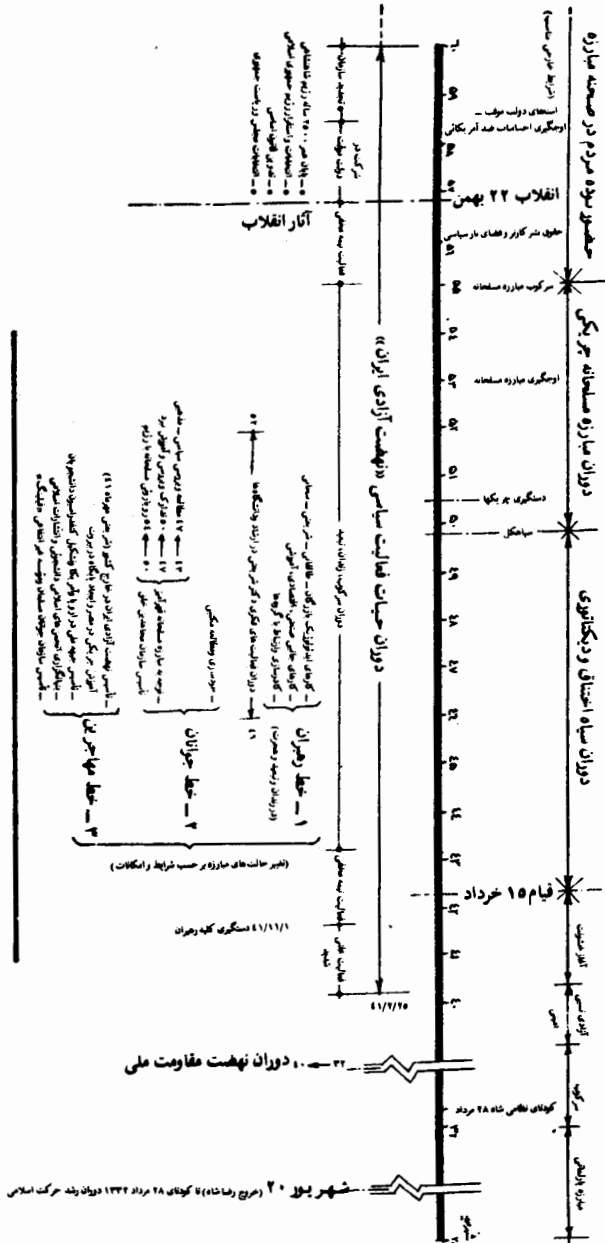
اولین قسمت از بیانیه تاسیس نهضت جوهر و عصاره تفکر و اندیشه اسلامی چگونه شدن انسان و بازگشت به خویشتن خویش و عروج به مقام خلیفه الهی انسانرا منعکس ساخته است از قسمتی از بیانیه تاسیس نهضت آزادی ایران مورخه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰ می خوانیم:

هموطن:

«اقتضای اطاعت از خدا مبارزه با بندگی غیر او و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای بکار بستن آن از طریق حق و عدالت و خدمت است. ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا برستگاری و پیروزی نائل شویم.»

«مردم نگران امنیت هستند. خسته از استبداد و اختناق هشت ساله - رنجور از سختی و معیشت و شرمسار از ننگ و دزدی و خیانت هیئت حاکمه ای که متاسفانه نام ایران و

* (۱) به نمودار ضمیمه مراجعه شود



«بیمنااسیمت بیستمین سال تأسیس»
 اردیبهشت ۱۳۴۰ تا اردیبهشت ۱۳۶۰
 نمودار فعالیت‌های نهضت آزادی ایران
 واعضای آن

شهر یزد ۲۰ (مروج رفاه‌نامه) ۵ کویته ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوران رشد حرکت اسلامی

ایرانی را آلوده ساخته است خواهان سرنوشت بهتر، رهائی
از ننگ و نکبت و استقرار یک حکومت اسلامی و ملی
سازنده ایرانی پاک و آباد و آزاد است.»
امر مسلم این است که:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینقروا ما بانفسهم
باقضای شرایط حاضر

در این پیچ مهم تاریخ ایران
با استعانت از پروردگار جهان

با امید بمردانگی و همکاری هموطنان
تاسیس نهضت آزادی ایران اعلام میگردد.

باین ترتیب نهضت آزادی بنابر وظیفه اسلامی اش در تأمین استقلال مملکت
و حاکمیت و سیادت مردم و بعنوان یکی از بزرگترین مسئولیت های خویش در برابر
پروردگار متعال و خلق ایران در میدان مبارزات رهائی بخش گام جدیدی را
برداشت.

مرحوم مجاهد نستوه آیت الله طالقانی در بیانیه ای که در ۲۷ اردیبهشت
۴۰ بمناسبت تاسیس نهضت آزادی صادر کردند چنین مرقوم داشتند:

«اینجانب اگر چه از کوتاهی در انجام وظیفه خود نزد
خدا و اولیاء اسلام و نیاکان بزرگوار شرمسارم ولی پیوسته در
صف مبارزه با فساد و مفسدین باقی مانده و باین سبب
دعوت همکاری با بنیانگذاران نهضت آزادی را پذیرفتم.
مسئلاً افراد آلوده سست عنصر و بد سابقه را در این
جمعیت راهی نیست. ولی از هموطنان مؤمن و غیور
خواستارم مراقب باشند تا دستهای ناپاک و دودل در آن
رخنه ننمایند...»

نهضت آزادی ایران بر مبنای ضرورت و نیازی که در جنبش اسلامی از چند
سال قبل بوجود آمده و بشدت احساس میشد تاسیس گردید. آقای مهندس
بازرگان در نطقی که بمناسبت تاسیس نهضت ایراد نمود، چنین گفت:

«تصدیق میکنم خیلی دیر شده است. ولی دیر آمدن به
از نیامدن است. ضمناً اگر ما دیر باین صرافت افتاده‌ایم
تنها گناهکار نیستیم. اکثریت ایرانیها از حزب و جمعیت
اکراه و امتناع دارند»...

نهضت آزادی در همان جلسه افتتاحیه اش اعلام کرد که:

«ما مسلمانیم و ایرانی و مصدقی

مسلمانیم، نه باین معنا که وظیفه خود را فقط روزه و
نماز بدانیم بلکه اسلام را بعنوان یک مکتب مبارز و پیشرو و
مترقی که جوابگوی احتیاجات و خواسته‌های مادی و
معنوی یک جامعه می‌باشد و همچنین بعنوان یک نظام
اصولی جامعه میشناسیم. مبارزه در راه خوشبختی توده‌های
رنجبر و مظلوم و استعمارزده میهنمان را، جهادی مقدّس
تلقی میکنیم و آنرا فریضه‌ای از فرائض اسلامی میدانیم.

ایرانی هستیم، ولی نمیگوئیم که هنرنزد ایرانیان است و
بس. ایران دوستی و ملی بودن ما ملازم با تعصب نژادی
نیست بلکه بالعکس مبتنی بر قبول نواقص و معایب خود و
احترام به فضائل و حقوق دیگران است. نسبت بحیثیت و
شرافت ملی و استقلال و تعالی کشورمان خود را متعهد
میدانیم و بخاطر کسب استقلال و درهم کوبیدن بساط
استعمار و امپریالیسم، بمبارزه بی‌امان خود ادامه میدهیم.

مصدقی هستیم، و مصدق را از خادمین بزرگ و
افتخارات ایران و شرق میدانیم. ما مصدق را از اینجهت
تجلیل میکنیم که یگانه رئیس دولتی بوده که در طول تاریخ
ایران محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بوده و قدم در
راه خواسته‌های ملت برداشته و توانسته پیوند بین دولت و
ملت را برقرار سازد و مفهوم واقعی دولت را بفهماند و به
بزرگترین موفقیت تاریخ اخیر ایران یعنی شکست استعمار

نائل آید. و باین سبب از «تز» و «راه مصدق» پیروی
میکنیم.

نهضت آزادی، تاکتیک تحمیل «مبارزات علنی» بردشمن را پذیرفت و آنرا اساس
کار خود قرار داد. اما اعلام کرد که:

«بنظر ما فعالیت علنی معنی اش این نیست که ما نباید
بنابه ملاحظاتی از ترس، حقایق و گفتنی ها را نگوئیم و از
قدرت مقاومت و اعتراض و اعتصاب و اجتماع مردم
استفاده نکنیم. ما باید قانونی وزنده حرف بزیم، ما در
مقابل اتهاماتی که شاه بما وارد میسازد و ما را خائن و
وطن فروش میخواند میگوئیم که قانون کسی را خائن
میداند که بحقوق مردم که در قانون اساسی تعیین شده
تجاوز کرده و مردم را از داشتن حق انتخاب و کیل و مجلس
و دولت ملی و مورد اعتماد مردم محروم بدارد و عواید ملی
را طبق تمایل سیاست خارجی تفریط کند...»

«بیان حقایق بالا دلیل بر آن نیست که ما از مبارزه
مسالمت جویانه قدمی فراتر نخواهیم گذاشت و برای
رسیدن بهدفاها از همه نیروهای مردم و وسایل ممکن استفاده
نخواهیم کرد.»

نهضت آزادی، مبارزات سیاسی و تظاهرات عمومی قانونی، مقاومتی
منفی و فعالیت‌های ملی علیه خلفا و خیانتها و... اقدامات مثبت و حرکت های
تعرضی را مقدمه ای برای کاری بزرگتر و اساسی تر میدانست. در همان زمان نوشت
که:

«بدیهی است که باید در مقابل زور و سرنیزه دولت، از
زور و اعتراض و اعتصاب و میتینگ و تظاهرات مردم
استفاده کرد و اگر دولت موفق شد جای اعتصابات و
میتینگها را بگیرد، باید راههای با جرأت و جسارت تری را
که هم اکنون قابل پیش بینی است در پیش گرفت.»

علاوه بر آن نهضت، در عین حال که شدیداً بکار مبارزات سیاسی پرداخته بود، بر اساس این اصل اسلامی که «خداوند، سرنوشت هیچ ملتی را عوض نمیکند مگر آنکه افراد جامعه خودشان سرنوشت خود را تغییر دهند» مبارزات سیاسی را در خدمت ایجاد تغییرات بنیادی افراد جامعه، مورد توجه قرار داد و بر اساس همین اصل «توده‌ای کردن» و وسعت دادن به مبارزه، ایمانی قاطع داشت.

جهت‌گیری و موضع‌گیری‌های نهضت در مبارزات سیاسی، از همان ابتدا کاملاً روشن بود. نهضت، سیاست «صبر و انتظار» و مماسات با دشمن را قاطعانه رد کرد و با روشن‌بینی و قاطعیت، دربار شاه پهلوی را بعنوان پایگاه استعمار خارجی و مرکز توطئه علیه ملت، مورد حمله مستقیم قرار داد. در ۲/۱/۱۸ ۴ نوشت:

«خواست ملت ایران یک کلمه است که از روحانی عالیقدر و کاسب سرگذر، از دانشجو و کارگر و دهقان همه در آن شریک‌اند آنهم «آزادی است» ملت ایران میگوید یک فرد حق ندارد بهر طریقی که دلخواه اوست و با اعمال هر گونه زور و قدرت، بر یک ملت حکومت کند. این سخن فارسی است و قابل فهم. این سخن عبری نیست که برای فهم آن احتیاج با استخدام مستشار و مشیر و مشاور از کشور اسرائیل باشد. متوجه میشوید یا نه... ما آزادی میخواهیم. ما میگوئیم شخص شاه حق ندارد قانون وضع کند، دولت بیاورد، دولت ببرد و هر کاری از کوچک و بزرگ با نظر و اراده او انجام گیرد و در عین حال معصوم، غیر مسئول و دارای مقام مقدس و حتی لایزال باشد. اینرا میگویند ارتجاع میگویند استبداد... میگویند دیکتاتوری....»

مبارزه با دربار شاه پهلوی، در زمانی محور اصلی فعالیتهای سیاسی نهضت قرار گرفت که طرح کنندگان سیاست رژیم ایران با تهیه مقدماتی درصدد آن بودند که با ایجاد «نهضت کاذب» یا «نهضت ملی منهای مصدق» در موضعگیری جنبش ملی ایران علیه دربار - بعنوان مرکز توطئه‌های ضد ملی و پایگاه امپریالیسم - انحرافات ایجاد نمایند. موضع‌گیری واقع‌بینانه نهضت نه تنها

برنامه دشمن را فاش ساخت بلکه آنرا عقیم گذاشت. در این مبارزات، نهضت با ارزیابی عینی از ظرفیت عظیم روحانیت در تقویت زیربنای فکری جنبش وتوسعه توده‌ای آن، بهمکاری و همگامی با روحانیت اصیل و مترقی پرداخت. نهضت از این روحانیت ورهبری آن حضرت آیت الله خمینی، با کمال قدرت پشتیبانی کرد. متقابلاً از پشتیبانی روحانیت مترقی وضداستعماری وضداستبدادی برخوردار گردید. در سایه همین حسن سیاست و صداقت نهضت، پیوندی مقدس و ناگسستنی میان روحانیت اصیل با نیروهای مبارز بوجود آمد که از برکت آن بزودی در ظرف مدت کوتاهی قشرهای وسیعی از زحمتکشان ملت ما بمیدان مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی کشانده شدند و یکبار دیگر سنن ارزنده انقلابات گذشته ایران زنده گردید. فریادهای اعتراض ملت ما با مشت‌های گره کرده، قیام خونین ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) را بوجود آورد که اساس دیکتاتوری شاه پهلوی را بلرزه درآورد.

نهضت آزادی ایران از همان ابتدا لبه تیز حمله خود را متوجه شاه نمود و با استفاده از امکانات و شرایط مبارزات علنی در نهایت آگاهی و دقت طی اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و نامه‌های سرگشاده بتدریج خطوط جهره منحوس شاه را که در پشت قیافه نخست وزیر غلام خانه‌زاد و چاکر جان‌نثار پنهان بود بر روی صحنه سیاست ترسیم نمود. این جهت‌گیری صحیح در بیداری و آگاهی مردم ما و جهت‌گیری سایر نیروهای مبارز تأثیر بسیار گذاشت و کل نهضت ملی را از دام بزرگ سازشکاری که سیاست آمریکا و شاه در سر راه آن گسترده بودند نجات داد. عملاً از آبان‌ماه ۱۳۴۱ مبارزات نهضت آزادی و روحانیت بهم پیوسته و یکپارچه گردید.

این سمت‌گیری و حملات، همزمان با طرح انقلاب سفید شاه و فراندم مسخره‌اش شدت بیشتری یافت و در اعلامیه ۴ بهمن ۱۳۴۱ که بمناسبت فراندم صادر شده بود چنین نوشت:

«ملت شرافتمند - کارگران - کشاورزان عزیز ایرانی

دولت و شاه بنام شما و ظاهراً بخاطر شما میخواهند فراندم بنمایند. فراندم یعنی مراجعه به آراء عمومی ملت یعنی اخذ نظر ملت درباره امر معینی.

برای چه فراندم میکنند؟

نهضت آزادی بار دیگر به کشاورزان و کارگران، روحانیون و اصناف و روشنفکران و همه طالبان سعادت و سربلندی

ملت ایران نسبت به خواب بزرگی که برای اسارت آنها و پایدار کردن بساط خودسری و دیکتاتوری و فرعون‌منشی دیده‌اند هشدار میدهد.

«وقتی قرار است انقلاب!! و تحول!! بدست مظاهر اختلاف طبقات و منبع و منشاء فساد و بدبختی و سرشکستگی یک ملت انجام گیرد بهتر از این اجراء نمیشود.»

در اعلامیه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۱ نوشت که:

«ماجرای رفراندم شاهانه!! ظاهراً پایان یافت. کار افتضاح و رسوائی در این رفراندم بحدی بود که حتی دستگاه وقیح و بی‌باک، هیئت حاکمه که در ادعای موهوم و دروغ‌پردازی ید طولانی دارد از پیروز معرفی کردن خود در این رفراندم شرم دارد.... همه این عقب‌نشینی‌ها عوام‌فریبی‌ها و خشونت‌ها برای جلوگیری از شکست و جبران ضربه غیر منتظره‌ایست که هیئت حاکمه و حکومت علنی شاه در اولین مرحله تأثیر انقلاب سفید بر پیکر خود احساس نموده است.»

در اعلامیه دانشجویان نهضت آزادی ایران تحت عنوان «مبارزه صحیح و مناسب روزه، نقشه و برنامه و فداکاری لازم دارد» بخوبی نشان میدهد که بحرکت تکاملی جنبش توجه و آگاهی داشته درصدد است که این آگاهی را بنام مبارزین انتقال دهد. در این اعلامیه چنین آمده است:

دانشجویان عزیز، سربازان قهرمان ایرانی:

در تاریخ مبارزات هر ملتی فراز و نشیب‌ها و شکست و پیروزی‌هایی پدید آمده نفیاً و اثباتاً آثاری باقی میگذارد بعضی از ملت‌ها در اثر یک پیروزی موقت مغرور شده دست از مبارزه بر میدارند یا بعکس با شکست کوچکی عقب‌نشینی اختیار میکنند. ولی شهادت تاریخ مللی به پیروزی نهائی رسیده‌اند که در برابر این پیروزیها و

شکست‌های زودگذر خود را نباخته هدف و مقصد را
فراموش نکرده با بیداری و هوشیاری پیش رفته‌اند ...
.... هدف. سلاح نوین دشمن، تخریب فکرها، فرهنگ ما،
اخلاق ما و معنویات ملی و مذهبی ما است. »

سپس نهضت در اعلامیه دیگری که بعد از حمله بمدارس علمیه قم صادر شده
است چنین می‌گوید:

«فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرأ عظیما»

مردم شرافتمند ایران:

هیئت حاکمه فعلی در مدت یکسال فرصتی را که از
اربابان خارجی خود گرفته است شوم‌ترین بدبختی‌ها را
برای ملت ایران تدارک دیده است و اکنون که پایان این
فرصت نزدیک میشود به مذبحخانه‌ترین تلاشها متوسل
گردیده است. رفرا ند م قلابی براه می‌اندازد.... وقتی در
این راه با تمام ظاهرسازیها که میکند با بی‌اعتنائی وسیع
مردم روبرو میشود زخمی شده بفکر انتقام میافتد و اوباش
حرفه‌ای خود را بجان مردم می‌اندازد. هر گونه مقاومت
منطقی و استواری را که در مقابل خود احساس میکند اعم
از دانشگاه و مسجد و بازار مرکز و شهرستانها و قراء و آبادیها
را طعمه آتش میکند. پهلو میدرد، دندان میشکند، تیرباران
میکند...

در شیراز با بمب و در تبریز با رگبار مسلسل و در قم با دشنه
و اسلحه کمری. در اصفهان و مشهد و کاشان و ... هر کجا
بنحوی بفکر جبران شکست و مرمت بنای پی در رفته
حکومت میباشد....

.... اکنون حربه هیئت حاکمه متوجه روحانیت است.
شکل یورش و غارت و قتل عام کم و بیش شبیه آنچه در
دانشگاه تهران گذشت میباشد. منتها با وسعت و درندگی
بیشتر و کاملتر. یکبار شکست آشکارا از روحانیت آنهم در

آستانه حکومت علنی شاه که منجر به پس گرفتن تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی گردید گرچه روحانیت را قانع نساخت و حضرت آیت الله خمینی و سایر علمای اعلام در اعلامیه های خود کراراً متذکر شدند که هیئت حاکمه باید از تجاوز بقانون اساسی و قوانین شرع اسلام ممنوع گردد ولی همین عقب نشینی برای هیئت حاکمه گران تمام شد و درصدد جبران آن بود...
.... ما بایستی هیئت حاکمه را رسوا سازیم و بهمین جهت باید برای درهم کوبیدن این قبیل اراذل و اوباش آماده بشویم ...»

این اعلامیه ها با شعارهای زیر پایان می پذیرد:

«سلام به روحانیون مجاهد و عالیقدری که در رهبری مسلمانان بدفاع و جهاد از حریم مقدس اسلام و قانون اساسی به نجات از یوغ اسارت و بندگی لحظه ای از پای

ننشسته اند و بوظائف خود عمل مینمایند. پیروز باد همبستگی خلل ناپذیر مجاهدین راه حق و آزادی.

نهضت آزادی ایران

نهضت در اعلامیه ای که روز ۱۶ خرداد ۴۲ صادر نمود ابتدا به شرح وقایع قیام پرداخته، همچنان بمردم و انقلابیون جهت صحیح را نشان داده، وقایع و حوادثی را هم که احتمال دارد در اثر این قیام بوقوع بیوندد و تغییراتی در شکل ظاهری رژیم بوجود آورد پیش بینی نموده همگان را آگاهی میدهد:

بسمه تعالی

خون سراپای وطن تب آلود و اسیر ما را پوشانده است.
سربازان گمنام راه آزادی و ایمان در برابر سپاه چنگیزی

دژخیم بزرگ بخاک و خون می غلطند و... آری در «مذهب جان دادن و تسلیم ناشدن» پرورش یافته اند و از شکوه قدرت دربار نمی هراسند. کسانی که امروز کوچه ها و خیابانها و کوهستانهای ایران را با خون خویش رنگین ساخته اند از مکتب بزرگترین شهید راه حق، آزادی و انسانیت حسین (ع) درس جانبازی و شجاعت آموخته و در روز قیام او قیام کرده اند...

.... هموطنان: آتش و خون همه جا را فرا گرفته شاه در معرض فنا و نابودی است. رژیم پوسیده او دیگر نمیتواند در برابر اراده شما قوام و دوام بگیرد. اورفتنی است. هشیار باشید چون ممکن است استعمار وقتی کار را باین صورت ببیند بایک کودتارژیم شاه را برانداخته برای اینکه مردم را بفریبد کاری تند و انقلابی راه بیاندازد. این نقشه دیرینه استعمار است. او میداند شاه شناخته شده و دیگر کاری از دست او ساخته نیست. حتی نوکری هم نمی تواند بکند... .. شما میدانید که در مملکت ما نان آور خانواده مرد است. اما صدها نان آور بخاطر سعادت شما و استقلال و آزادی ایران عزیز قطعه قطعه شدند. شاه آنها را قطعه قطعه کرده است. بخانواده های آنها کمک کنید. هر طور و بهر اندازه که میتوانید کمک کنید آنها را تسلیت بدهید. تسلیت آنان گرفتن انتقام از شاه آدم کش است. صندوق شهدا و زندانیان درست کنید....

سرنگون باد رژیم منفور شاه مرگ بر اسرائیل ارباب پلید شاه درود بروان پاک شهدای خونین کفن ملت ایران سلام به مصدق عزیز رهبر نهضت ملی ایران درود بر روحانیون دلاوریکه با قیام مردانه خود قیافه یزیدی شاه را بجهانیان نمایانند.

سلام بزندانیان، رهبران و اعضای جبهه ملی که در زندان استبداد بسر میبرند.

سلام بمادران، پدران، خواهران، فرزندان، برادران داغ دیده و عزیز گم کرده ایران.

نهضت آزادی ایران.

و سپس در تاریخ ۴۲/۳/۱۹ اعلامیه دیگری تحت عنوان دیکتاتور خون
میر یزد « صادر و بخش نموده است که قسمتهائی از آن بشرح زیر است:

مردم مسلمان ایران

در طول تاریخ ایران، نخستین بار است که بمقام منبع نیابت
عظیم امام علی علیه السلام جسارت میشود و مرجع تقلید
حضرت آیت الله خمینی دزدیده و زندانی میشود و...
رقم کشته ها و زخمی ها در کشور از ده هزار نفر متجاوز
است. مردم عریان و بجان رسیده این مملکت سینه های
لخت خود را بر گیاره های مسلسل های شاه دیکتاتور سپردند.
مردند و تسلیم حکومت جبار نشدند. دانشجویان دلیر،
بیاری مردم مسلمان بخوابانها ریختند و...
ایرانی مسلمان:

بحکم آیت الله میلانی (در اعلامیه ای که در تکذیب
اعلامیه جعلی از قول ایشان صادر فرمودند) هر کس در این
شرایط دست از مقاومت بردارد به اسلام، به قرآن، به آزادی
خیانت کرده است.

هیئات: که تو مسلمان با شرف خیانت کنی، هیئات که تو
تو که با فریاد الله اکبر (اسلام و خمینی پیرو است) جان
میدهی اندیشه تسلیم و خیانت بدهماغ راه دهی. مسلمانان
... افراد نهضت آزادی ایران، یاران وفادار قرآن و شاگردان
مکتب آزادی بخش حسین بن علی علیه السلام با ایمان
راسخ و قاطعیت و بدون تزلزل با قیام عمومی مردم ایران
همگامی نموده و بیاری خدا ملت ستمزیده ایران را تا
پیروزی معاونت خواهند کرد. با استعانت از خداوند قهار.

نهضت آزادی ایران

در تاریخ ۴۲/۴/۲۲ در اعلامیه ای تحت عنوان «چهل روز از شهادت فرزندان
رشید ملت میگردد» چنین نوشت:

«امسال اربعین مصادف با روزهای است که ملت

مسلمان ایران بعزت چهلیمین روز قتل عام وحشیانه هزاران نفر از خواهران و برادران خود داغدار میباشد ... اکنون چهل روز از شهادت عزیزان ما میگذرد. خانواده‌های بیشماری از کشتارنان آوران و نورچشمان خود داغدار و عزا دارند، چه بسا افرادی که بوسیله دستگاه سیاه دیکتاتور زنده بگور شدند. چقدر زنان و اطفال بی گناه از بین رفتند. چه سینه‌هائی که هدف گلوله قرار گرفت!!! ...

... آیا ملت ایران که برای احقاق حق خود قیام کرده و دلیرانه در مقابل زور و قلدری ایستادگی نمود شکست خورد و یا حکومت دیکتاتوری خونخوار که خود را در مهلکه‌ای انداخته است که از آن خلاصی ندارد؟ آسوده بخواهید ای شهیدان ملت ایران، ای آزادگان و ای مسلمانان دلسوخته ... آسوده بخواهید و مطمئن باشید ملت ایران نخواهد گذارد خون شما فرزندان اسلام پایمال گردد و راه شما یعنی راه مدرسه‌ها و خمینی‌ها را دنبال خواهد نمود.

سلام و درود و تحیت خالصانه ما بر شما ای شهیدان راه آزادی - شما گناهی نداشتید جز اینکه خدا را به خدائی قبول داشتید و در مقابل هر صاحب قدرتی و هر پست و رذلی سر تعظیم خم نکردید. فریاد شما را ظاهراً با گلوله خاموش کردند و غافل از آنکه بانگ حق طلبی شما تا پیروزی نهائی در سراسر گیتی طنین انداز است.

درود و رحمت ایزدی بر شما باد. «نهضت آزادی ایران»

و بالاخره نهضت آزادی ایران پس از صدور اعلامیه‌های متعدد دیگر بمناسبت معاکمه سران و فعالین خود در دادگاه نظامی دست به صدور اعلامیه‌ای زده و در آن به تحلیل و نشان دادن وحدت و یکپارچگی نهضت با روحانیت و مراجع عالیقدر بخصوص حضرت آیت الله خمینی پرداخت.

ما برای اطلاع هموطنان عزیز متن کامل این اعلامیه را در اینجا نقل

میکنیم:

پیوند مقدسی که ناگسستی است

نهضت آزادی ایران، ستون فقرات نهضت مقاومت ملی و نیروی اجتماعی اصیل و مقام نهضت ملی ایران است. خصلت اساسی این نیروی عظیم و جاودانی در اینستکه از قدرت خلافت ایمان مذهبی مردم سرچشمه گرفته و از درون قلوبشان فوران کرده است. ما همان زمان که در نهضت ضد استعماری به پیشوائی قهرمان بزرگ میهنمان دکتر محمد مصدق برای رهائی ملت و استقرار حاکمیت و استقلال ملی مبارزه میکردیم منتهای سعیمان این بود که مبارزه بعنوان جهادی مقدس تلقی شود و توده‌های مسلمان با شعور و اخلاصی ثمربخش در سازمانش متشکل گردند و ضامن ادامه پیروزی باشند.

پس از آن در نهضت مقاومت ملی و نافرمانی ضد استعماری کوشش بسیار کردیم تا مبارزه ملی جنبه نیروی اعتقادی پیدا کند. و بسیج همگانی مسلمانان بر ضد هیئت حاکمه دست نشانده اجنبی گردد. دادستانی ارتش در ادعای نامش جلوه‌ای از این مساعی خستگی ناپذیر را منعکس نموده است آنجا که میگوید آنان در سالهای ۳۳ - ۳۴ فعالیت‌های سیاسی حادی در نهضت مقاومت ملی داشتند و انجمنهای اسلامی را برای جلوگیری از تشتت خود تأسیس کردند.»

آری ما همواره بنابر وظیفه مذهبی بمیدان مبارزه آزادیبخش ملی گام نهاده و تأمین استقلال و حاکمیت و سعادت مردم را یکی از بزرگترین مسئولیت‌های خویش در برابر پروردگار متعال دانسته‌ایم و در طریقش بجان کوشیده‌ایم.

در نطق‌های افتتاحیه نهضت آزادی ایران نیز در صدر گفتار بهمگان اعلام داشته‌ایم که «ما مسلمانیم» و مبارزه در راه خوشبختی توده‌های رنجبر مظلوم و استعمارزده میهنمان را

جهادی مقدس تلقی میکنیم و آنرا فریضه ای از فرائض اسلامی میدانیم و در اقامه اش کوشا خواهیم بود. در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری ایمان اسلامی را بمثابة کوبنده ترین سلاح ایدئولوژیک توده های کارگران و دهقانان به مثابه آرمان امیدبخش تهیدستان جامعه بکار برده ایم. عملاً نیز شیوه مبارزه ما معطوف به بسیج مردان مجاهد و پاکدلی بوده است که ایمان و اراده پولادینشان را وقف توده ها کردند. از این رهگذر طبقاتی را که برای بهبود شرائط زندگانی در تلاشند با اهل فداکاری و ایثار و مردانگی همدوش و همگام ساخته ایم و جنبش ملی را به پیش رانده ایم.

در نیمه دوم سال ۴۱ الهامات مراجع عظام تقلید و علمای مبارز و آزادیخواه بمیان توده های روشنفکر و ستمدیده جامعه راه یافت و مجاهدت جمیلۀ آن بزرگواران هر چه موثرتر و نافذتر گشت.

اسلام عزیز روح حزب ماست و مسلمانان طبیعی ترین همزمان ما هستند. ما بنیانی مرصوص و قطعه پولادی تجزیه ناپذیر هستیم که در مسیر مبارزه پیوسته تر و محکمتر میشویم و هیچ عاملی جز در جهت استحکام هر چه بیشتر ما موثر نخواهد بود. همه بیاد دارند که در جنبش خونین ضد دیکتاتوری نیمه خرداد ۴۲ ما چون سربازانی پاکباز در راه روحانیت شیعه که مظهر دین و آزادی ملی ماست سر نهادیم و خونمانرا با خونهای پاک شهدایا میختمیم، پیکار تاریخی و هیجان انگیز نیمه خرداد ۴۲ تجسم درخشان آرمانی بود که طی سالها مبارزه زیر پرچم مقدس نهضت ایران دردل میپروراندیم و در راه تحققش تلاشی سخت میکردیم. اینک از لحاظ زمان به پشت سر مینگریم از اینکه دیر است وحدت مبارزه در سایه اسلامی شدن نهضت ملی

ایران تحقق پذیرفته است غرق شادی و امید میشویم و پیروزی قطعی ملت را بر نیروهای تبهکار استعمار دیکتاتوری برای العین میبینیم. مدتی است که بیاری قادر متعال بازوان پر قدرت مسلمانان از کرانه‌های ارس تا خلیج فارس و از خراسان مردخیز تا آذربایجان قهرمان، در نهضت آزادیبخش و ضد استعماری ایران گره خورده و بهم پیچیده است. نیروی هنگفت و پیروزمندی که امروز میدان مبارزه رهایی بخش ملی متمرکز گردیده است با پیوند مقدس ایمان اسلامی وحدت و یکپارچگی یافته است و ما بر آن سر هستیم که در مسیر این پیکار سهمگین و امیدبخش نظم اسلامی را که عادلانه‌ترین نظم اجتماعی سراسر تاریخ است بر ویرانه نظام دست‌نشانده گی پی‌ریزیم و کاخ آمال مسلمانان را در سر انجام خوش شگون نهضت ضد استعماری در میهن گرامی خودمان ایران، برافرازیم، وحدت کامل و بی نظیر نیروهای ملی، و پشتیبانی مصرانه روحانیت گرامی ما از نهضت ضد استعماری ایران، دشمنان و هیئت حاکمه را بنحو عجیبی بهراس افکنده است. اکنون بیش از هر وقت دیگر از این وحدت مقدس و ناگسستنی هراسناک و خائف است. وحدت کامل و پایدار نهضت آزادی ایران بعنوان پیش‌قراول نیروهای انقلابی جبهه ملی ایران با روحانیت عالیقدر شیعه و مبارزه مشترک تمامی ملت برهبری پیشوایان مذهبی ارکان دستگاه حاکمه جابر را بلرزه در آورده است.

نهضت آزادی ایران — که همواره مورد تأیید حضرات آیات عظام بوده است و همیشه بر رهبران زندانش به عنوان وفادارترین و با اخلاص‌ترین سربازان دین نگریسته‌اند بار دیگر از الطاف مبارکشان سپاسگذاری مینماید و همبستگی کامل و وحدت خلل‌ناپذیر خود را با

آن پیشوایان بزرگ مؤکداً اعلام میدارد. همچنین بعموم مسلمانان ایران یادآور میشود که هرگونه نشریه یا اعلامیه یا مضمونی مخالف این رویه و مقصد عالی منتشر گردد مسلماً از طرف دستگاههای جاسوسی استعمار است و جز بهترین دلیل پر ترس باطنی استعمارگران و آبادی حاکمه آنها از وحدت صفوف ما نیست.

نهیضت آزادی ایران

رژیم طاغوتی وابسته ایران که بعد از ۲۸ مرداد از فعالیتهای مستمر فعالین نهیضت دل پر خونی داشت و در طی سالهای سیاه بعد از ۲۸ مرداد، بکرات سازمانهای نهیضت مقاومت حمله برده و گروههای کثیری از فعالین نهیضت مقاومت را دستگیر و بزدان روانه ساخته بود، اینبار تصمیم گرفت که با وارد ساختن ضربات نهائی بر پیکر نهیضت آزادی کار را با اصطلاح خودشان یکسره کنند. دشمن ابتدا کوشید تا با بازیهای سیاسی و ایجاد اختلاف و دسته بندی و شایعه سازی علیه نهیضت، و فعالین و رهبران آن، مبارزات متوقف و یا جهت آنرا منحرف سازد. اما وقتی هوشیاری و آگاهی رهبران نهیضت مجال چنین بهره برداری را بآنها نداد و دشمن نتوانست فعالیتهای نهیضت را از مسیر ضد استبدادی اش منحرف سازد. تغییر برنامه داده و ناگهان بحملات همه جانبه علیه سازمانهای نهیضت پرداخت. سران و فعالین نهیضت آزادی، دانشجویان، کارگران و بازاریان و روحانیون عضو و یا طرفدار نهیضت را در تهران و شهرها بزدان و حبس و محاکمه کشیدند و بسیاری را تحت شکنجه های ضد انسانی قرار دادند که هنوز هم ادامه دارد. اما نه زندان نه شکنجه و نه تبعید، اراده آهنین این فرزندان برومند ملت مسلمان ما را متزلزل ساخت، بلکه آنها را آبدیده و مصمم تر ساخت. دادگاه نظامی عشرت آباد، بصحنه محاکمه هیئت حاکمه و شاه تبدیل گردید. ترس رژیم بحدی بالا گرفت که نه تنها از انتشار اخبار محاکمه سران نهیضت جلوگیری کرد بلکه حتی با انتشار علنی ادعای نامه دادستان نظامی علیه نهیضت نیز حاضر نشد.

محاکمه نظامی سران نهیضت آزادی نه تنها از نظر نوع اتهامات و محتوی ادعای نامه دادستان نظامی — که سند محکومیت رژیم است — در نوع خود بینظیر است، بلکه برای اولین بار در تاریخ قضائی ایران (و شاید جهان) وکلای مدافع متهمین را بجرم دفاع از موکلین خود، بمحاکمه کشیده و محکوم ساختند. حملات و یورشهای رژیم به نهیضت آزادی، اگر چه از نظر سازمان به

نهضت لطماتی وارد ساخت. اما نهضت بعنوان یک جریان آبدیده تر گردید خصوصاً که این تجربه نشان داد که تا زمانی که مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری بر پایه یک ایدئولوژی انقلابی و با الهام از یک طرز تفکر جهانی توحیدی استوار شده باشد دشمن ممکن است سازمانهای نهضت را درهم بکوبد اما هرگز قادر نخواهد بود طرز تفکر نهضت را از بین ببرد و درهم بکوبد و نهضت را بعنوان یک سازمان می توان تعطیل و متوقف ساخت ولی اندیشه پویای توحیدی راه رگز. در این دوره یعنی سالهای ۴۰ تا ۴۳ همانطور که در ابتدای بحث گفته شد سیاست خارجی بخصوص امپریالیسم امریکا طرح جدیدی را می خواست در ایران پیاده کند این طرح از یکطرف می خواست برای رفع خطر بالقوه انقلاب و باز کردن در بجه اطمینان بمنظور جلوگیری از انفجار انقلابی، برخی از آزادی های باصطلاح دموکراتیک و کاملاً کنترل شده را بدهد و بدست خود یک نیروی مخالف وفادار بوجود بیاورد. و از طرف دیگر و مهمتر از اولی با پیاده کردن طرح «انقلاب سفید» شاه و بر هم زدن روابط مالک و رعیت راه را برای نفوذ و بسط اقتصادی خود باز نماید.

نهضت آزادی ایران همراه با سایر نیروهای مقاوم و رزمنده توانست این نقشه ها را بر ملا ساخته و آنها را خنثی سازد. دشمن در برنامه های سیاسی خود شکست خورد و جنبش در ابعاد نوینی گسترش یافت.

این رسالتی بود که نهضت آزادی ایران توانست آنرا، در آن مرحله، به بهترین وجهی انجام دهد. و این تنها ادعای نهضت آزادی نیست حتی آن معاندینی که جنبش اسلامی و نهضت آزادی را زیر رگبار سخت ترین فحش ها و اتهامات بی اساس گرفته اند نیز قبول دارند و معترفند که امپریالیسم در اجرای برنامه های خود شکست خورد و حرکت انقلابی اسلامی و از جمله نهضت آزادی، عامل اصلی آن شکست بوده اند. مهندس بازرگان هم در مدافعات خود در بیدادگاه رژیم همین مطلب را یادآور می شود که چگونه مبارزات خلق ما باعث انصراف امپریالیسم از اجرای برنامه هایش گردید.

نکته جالب توجه این است که در جریان مبارزات در سالهای ۳۹ تا ۴۳ مارکسیست ها نه تنها هیچ گروه متشکل یا ارگان رهبری کننده از خود نداشته بلکه خودشان بعدها اعتراف کردند که:

... ما در جریان جنبش ۱۵ خرداد تقریباً به هیچ

عنصر سوسیالیستی ای برخورد نمی کنیم. نه سازمان

مارکسیست لنینیستی موجود است و نه حتی یک شعار ما هیتاً

سوسیالیستی بچشم میخورد. در واقع این شعارهای ضد امپریالیستی - ضد سلطنتی خورده بورژوازی است که میتواند بسیاری از قشرهای مختلف اجتماعی را بدنبال خود بکشاند. بدین ترتیب کارگران و حتی عناصر منفردی از روشنفکران انقلابی و مارکسیست - لنینیست هائی که در جنبش شرکت کرده بودند عملاً تحت رهبری خورده بورژوازی قرار گرفتند. این چنین شرایطی خود ناشی از یک دوره خراب کاری های رهبری حزب توده در جنبش انقلابی میهن ما بود. * (۱)

البته منافقین معتقدند که این فلاکت هنوز ادامه دارد و مدعی هستند که:

«... کمونیست های ایران امروز در شرایط بسیار بدی به سر میبرند. بیشتر از این نظر که در بدترین شکل دچار تفرقه و چند دستگی شده اند - گروه پرستی، تعصبات گروهی گرایشات تجزیه طلبان ضد وحدت دیپارتمانالیستی بشدت جنبش کمونیستی ایران را تهدید میکند. در چنین شرایطی باید گفت که کل جنبش کمونیستی ایران در بدترین حالت تجزیه و تلاشی بسر میرد»

باین ترتیب در پایان این دوره در حالیکه امپریالیسم در برنامه خود شکست خورده است و نیروهای اسلامی مورد بدترین و شدیدترین حملات قرار گرفته اند تحولات درونی عمیقی در بطن جامعه و نیروهای رزمنده صورت می گیرد و بدین ترتیب مرحله بعد آغاز میگردد. مرحله بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز شد تا تقریباً اواخر سال ۵۴ ادامه یافت. پانزده خرداد نقطه عطفی است در تاریخ مبارزات ملت ایران. بدین معنا که مبارزه ملت ایران که تا آن زمان در دو بعد سیاسی و ایدئولوژیک گسترش یافته بود بدلیل تجارب بدست آمده از شکست قیام ۱۵ خرداد به مرحله جدید یا بعد جهاد مسلحانه وارد شد.

بدنبال محاکمه و محکومیت سران نهضت آزادی ایران و کشتار وسیع مردم

۱) بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک که توسط مرتدین و منحرفین در سازمان مجاهدین خلق در شهر یور
۱۳۵۴ منتشر شد (صفحه ۳۲۵ و ۳۹)

در ۱۵ خرداد، وحس و تبعید امام خمینی به ترکیه و بعد نجف دوره بظاهر آرامی اما در واقع دوران تدارک توبنی شروع گردید. از این زمان به بعد است که امر تدارک جهاد مسلحانه در دستور کار جدی بسیاری از مبارزین، خصوصاً نیروهای مومن مسلمان قرار می گیرد. که بررسی آنها خود نیاز به وقت و فرصت دیگری دارد. اما آنچه در رابطه با عملکرد نهضت آزادی در این دوره باید گفته شود این است که:

اولاً فعالین نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، پس از یک سلسله مطالعات و بررسی های مقدماتی باین جمع بندی رسیدند که برای درگیری نهائی با رژیم شاه و حامیان امریالیست وی، تنها راه رهائی جنگ مسلحانه است. و تهیه امکانات و تدارکات آنرا در دستور کار خود قرار دادند. بهمین منظور سفرهائی به الجزایر و مصر صورت گرفت. و امکاناتی فراهم گردید.

ثانیاً در داخل ایران بعد از دستگیری سران و فعالین نهضت آزادی، نیروهای جوان و فعال، برای چند صباحی همان شیوه مبارزات سیاسی را تا حدود اواسط سال ۴۳ ادامه دادند. اما فشار اختناق و مسائل جدیدی که در جامعه بوجود آمده بود آنها را نظیر سایر گروهها و دستجات متقاعد ساخت که شیوه مبارزه باید بطور بنیادی تغییر یابد و توسل به جهاد مسلحانه امری اجتناب ناپذیر شده است. و این علیرغم نظر برخی از رهبران نهضت و حتی رهبری روحانیت بود. لذا از اواسط سال ۴۳ بتدریج فعالیت ها بنام نهضت آزادی ایران متوقف گردید. و تدارک برای امر جهاد مسلحانه آغاز شد. هم این فعالیت ها بود که بالاخره به تاسیس سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۴ و آغاز درگیری های مسلحانه از اواخر سال ۴۹ منجر گردید از همین سال بود که مبارزات و فعالیت های شهید شریعتی در پایگاه حسینیہ ارشاد نیز آغاز شد و طی ۴ تا ۵ سال، یعنی از سال ۵۰ تا ۵۴ عملیات نظامی از یک طرف و فعالیت های فرهنگی حسینیہ ارشاد از طرف دیگر ابعاد جدید و گسترده ای را در مبارزات اسلامی بوجود آورد.

بررسی فعالیت های اسلامی این دوره و ارزیابی تأثیرات مفید و موثر آن نیاز به بحث جداگانه ای دارد.

در اواسط سال ۵۴ حوادثی در درون سازمان مجاهدین خلق رخ داد که منجر به تقریباً توقف مبارزات مسلحانه و متلاشی شدن سازمان مجاهدین و تحولات کیفی خاصی در جبهه مبارزات اسلامی گردید.

شرح و تحلیل و فهم این تحولات و نتایجی که بر آن مترتب بود، که حتی دامنه آن به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تا با امروز کشیده شده است از

مهمترین نیازهای کنونی نسل ایران میباشد. قسمتی از این تحولات در مقالات «خیانت و انحراف» (پیام مجاهد - شماره ۳۶ مورخه آذر ۵۴) آمده است. اما مسئله به بررسی بیشتری نیاز دارد.

آنچه در این مرحله ما باید بآن اشاره کنیم و در بحث بعدی مورد بررسی قرار خواهیم داد، تاثیر آن حوادث در روند تکاملی حرکت اسلامی بطور عام و نهضت آزادی بطور خاص میباشد. و بالاخره موجب ضرورت ورود مجدد نهضت آزادی به صحنه مبارزات سیاسی گردید.

این مرحله از فعالیت‌های نهضت، که بعد از یک دوره کوتاه تردید و تزلزل از سال ۱۳۵۶ شروع گردید و تا پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ ادامه داشته است در بحث بعدی دنبال خواهد شد.

مرحله سوم فعالیت سالهای ۵۴ تا ۵۷

در بحث قبلی نشان دادیم که فعالیت های نهضت آزادی از بدو تاسیس به سه دوره تقسیم می شود.

الف- دوره اول از سال ۴۰ تا اوائل ۱۳۴۴:

ضرورت مبارزات علنی در ادامه مبارزات مخفی نهضت مقاومت ملی که از شهر یور سال ۱۳۳۲ شروع شده منجر به تاسیس نهضت آزادی ایران در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ میگردد.

در این دوره بود که نهضت به کمک سایر نیروهای اصیل و مسلمان در آگاه ساختن و متشکل کردن مردم و گسترش مبارزات نقش مهمی را بازی کرد.

در همین دوره بود که مبارزات روحانیت برهبری امام خمینی آغاز میشود. مجموعه این مبارزات موجبات شکست برنامه های دشمن و عقب نشینی وی را فراهم می سازد. اوج گیری مبارزات مردم در این دوره به قیام ۱۵ خرداد ۴۲ (۱۲ محرم) منجر میگردد. قیام ۱۵ خرداد و سرکوب خونین آن نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم و سرآغاز فصل جدیدی شد.

ب- دوره دوم از اواسط سال ۴۴ شروع میشود و تا شهریور ۵۴

ادامه دارد:

ویژگی این دوره تشکیل سازمانهای سیاسی نظامی، تدارک و آغاز جنگ مسلحانه شهری میباشد. پس از آزادیهای نسبی و موقتی در دوره اول که با گسترش مبارزه و تعمیق آن همراه بود و ادامه آن موجبات تزلزل بیش از پیش رژیم شاه را فراهم ساخته بود. سرکوبی بی رحمانه مردم در قیام ۱۵ خرداد نشانه کامل از بازگشت رژیم به سیاست سرکوب و خشونت بوده تصمیم

می گیرند تا میتوانند مبارزات ملت را متوقف سازند. شاه با تبعید امام خمینی و حمله وحشیانه اش به سران نهضت آزادی و دستگیری و محاکمه و زندانی ساختن آنان به خیال خام خود تصور کرد که نیروی مقاومت ملت را متلاشی نمود و پنداشت که مردم را توانسته است به سازش با دیکتاتور داخلی و قبول سلطه امپریالیسم مجبور سازد. در این دوره که از ۱۵ خرداد به بعد آغاز میشود با اینکه دشمن با پنداری واهی سرمست و سرخوش از قلع و قمع مخالفین خود بود نطفه سازمانهای سیاسی-نظامی از جمله جاما- حزب ملل اسلامی و سپس سازمان مجاهدین خلق (بوسیله فرزندان خلف نهضت آزادی ایران) بسته شد و جهاد مسلحانه بعنوان استراتژی عمده مبارزات انقلابی در ایران انتخاب و شکوفا گردید. در این دوره (۴۴ تا ۵۴) صدیق ترین یاران وفادار انقلاب اسلامی با ایثار خون پاکشان، اسطوره شکست ناپذیری و نفوذ ناپذیری ساواک و سیا را شکستند و جامعه ما را که مرعوب قدرت جهنمی ساواک شده بود (دچار استسباع گردیده بود) یکباره امید جدیدی دادند. خصوصاً وقتی تلاش مجاهدین اولیه همزمان و هم جهت با فعالیت ها و شکوفائی کار عظیم فکری شریعتی در حسینیة ارشاد شده بود. رشد بیسابقه ای در افکار جوانان ما پدیدار شد شاید هیچ متفکر و یا نویسنده ای باندازه شریعتی این معلم آشتی ناپذیر انقلاب در شکل گیری افکار معاصر ایران اثر نگذاشته باشد.

و یژگی اساسی مبارزات این دوره در این است که جنبش در ابعاد سه گانه اش (مبارزات ایدئولوژیک مبارزات سیاسی و جهاد مسلحانه) تکامل یافته است.

دوره سوم از اواسط ۵۴ تا بهمن ۵۷:

تاثیرات جنگ مسلحانه، حماسه آفرینی های بی سابقه مجاهدین، استقبال وسیع و بی سابقه جوانان از افکار شریعتی، نقش فعال امام در حفظ و تداوم روحیه مقاومت خلق آنچنان بود که استبداد داخلی و امپریالیسم سلطه گر بمنظور در هم کوبیدن مراکز قدرت لاجرم توطئه های حساب شده ای را طرح ریزی نموده و به مرحله اجرا در آوردند اولین قسمت از این برنامه طرحی بود که بدست منافقین، منحرفین و مرتدین زیر پوشش مارکسیسم در سازمان مجاهدین خلق به اجرا درآمد در شهر یور ۱۳۵۴ بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک

بنام سازمان مجاهدین خلق انتشار پیدا کرد و رهبریت سازمان رسماً اعلام نمود که ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق از آن پس مارکسیسم لنینیسم می باشد.

این کودتای ناجوانمردانه عناصر مشکوک و منافق و متلاشی شدن کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق آنچنان اثراتی در کل جنبش باقی گذاشت که نیروهای بسیاری صرف درگیری با این مسئله گردید. بیانیه ای که از جانب این مرتدین و منحرفین و کودتاگران داخل سازمان مجاهدین خلق در شهریور ۵۴ انتشار یافت بالاترین و سخت ترین حملات را بعد از نیروهای اصیل مجاهدین نظیر شهید شریف واقفی و صمدیه لباف متوجه نهضت آزادی ایران ساخته بودند. بسیاری از تهمت ها و دروغهائی که این روزها به نهضت آزادی ایران نسبت می دهند، بطور گسترده ای در همان بیانیه آمده است. این تقارب و هم صدائی بسیار پرمعنا و جای بسی تفحص و تفکر و دقت را دارد و می توان ریشه بسیاری از جبهه گیریهای کنونی و حتی ریشه کودتای درون سازمان مجاهدین را در آن سالها نشان داد. در همان زمان (پیام مجاهد اردیبهشت ۵۶) ما در تحلیل اثرات زودرس و دیررس این کودتا و انحراف نوشتیم:

«از آغاز ظهور انقلاب مسلحانه یعنی از سال ۱۳۴۴ به بعد وجود سازمان هائی نظیر جاما واتحاد ملل اسلامی و سپس سازمان مجاهدین خلق ایران که سازمانی با اهداف انقلابی و برنامه های مسلحانه و بر مبنای ایدئولوژی اسلامی بودند، تمام امیدها و آرزوهای ملت مسلمان ما را بخود معطوف داشت بهمین جهت پشتیبانی و کمکهای بیدریغ از تمام اقشار و طبقات نثار سازمان انقلابی اسلامی پشتاز میشود.

اما اینکه ملتی تمام ایده آلهای خود و نجات خویش را در وجود یک سازمان مشخص به بیند و باو دل ببندد از نظر انقلابی ایده آل است. لیکن در عین حال میتواند خطرناک هم باشد. زیرا آن سازمان که فقط بخشی از کل جنبش بوده و منعکس کننده موجودیت و زنده بودن و تحرک جنبش در مقطع زمانی خاص می باشد، اگر شکست بخورد یا س و سرخوردگی شدیدی که بوجود می آورد جنبش رهائی بخش ملت را برای مدتی به تعویق خواهد انداخت.

متاسفانه چنین پیش آمدی برای ملت ما و سازمان انقلابی پیشتاز آن اتفاق افتاد. این پیش آمد در جنبش انقلابی ایران بطور عام و جنبش انقلابی اسلامی بطور خاص تأثیرات کوتاه مدت و درازمدت داشته و دارد. همه ما ناظر و شاهد تأثیرات کوتاه مدت این خیانت و انحراف در کل جنبش بوده و هستیم و برخی از تأثیرات درازمدت آن نیز از هم اکنون محسوس و ملموس میباشد. شدت تأثیرات این خیانت در جنبش داخل ایران و خارج از کشور یکسان نبوده است. در داخل ایران بعد از اعلام تاسیس سازمان مجاهدین خلق، نیروها و گروه‌های اسلامی با استقبال از سازمان هرگونه امکانات خود را در اختیار سازمان گذاشتند. در خارج از کشور نهضت آزادی ایران ضمن آنکه تمامی امکانات خود را در خدمت جنبش مسلحانه ایران و سازمان اسلامی آن مجاهدین خلق قرار داد استقلال خود را بعنوان یک سازمان سیاسی اسلامی حفظ نمود. همین امر باعث شد که نهضت بتواند بدرستی و بسرعت در برابر خیانت عظیم منافقین و طرح عناصر شیطانی و مشکوک موضع گرفته و نتایج منفی آنرا تقلیل دهد.

از جانب دیگر از زمانیکه این خیانت و انحراف کل جنبش اسلامی ما را مورد حمله قرار داده است، وظایف و رسالت خاصی متوجه نهضت آزادی ایران شده است. نهضت آزادی بعنوان سازمانی که موسس و رهبران اصیل سازمان مجاهدین خلق را در دامان خویش پرورش داده و در شرایط زمانی قبل از پانزدهم خرداد رسالت تاریخی خویش را بنحو احسن انجام داده بود و همچنین حمایت بی دریغ نهضت از سازمان مجاهدین و استقامت و افشاگری بموقع و مناسبی که در مورد خیانت و انحراف افراد مشکوک و منافق نمود باعث استحکام و استقرار هرچه بیشتر موقعیت نهضت گردید.

از طرف دیگر بعلت خلاء نسبی که در جنبش اسلامی پیش آمد و نیز بدلیل نبودن یک سازمان واحد انقلابی اسلامی که برای ملت مسلمان ما جای سازمان مجاهدین خلق را بگیرد نهضت آزادی ایران بیش از پیش نظرها را بخود جلب نمود. نهضت در داخل اگرچه از نظر سازمانی تشکیلی مشهود نداشت اما از آنجا که نهضت معرف یک حرکت فکری اصیل انقلابی در جامعه است و بدلیل آنکه این حرکت فکری و اشخاصی که معرف و بنیانگذار این حرکت

فکری هستند حضور دارند طبیعی است که همه چشمها و امیدها بسوی آنان دوخته شود. بنابراین مردم مسلمان ما انتظار دارند که باز نهضت خود آستین‌ها را بالا زده و کاری بکنند، و یا اینکه میخواهند به بینند کدام گروه و سازمان انقلابی خواهد بود که مورد تایید و پشتیبانی رهبران جنبش اسلامی، آیت الله خمینی و سایر علماء اسلام از یک طرف و افراد مؤسس نهضت طالقانی، بازرگان و سبحانی و سایر رهبران آن از طرف دیگر، قرار میگیرد تا مردم هم به تبعیت از آنها از آن سازمان حمایت نمایند.

همراه و همزمان انتظارات و توقعات از جانب مردم بود که نهضت آزادی بار دیگر رسالت سنگینی را بر دوشهای ناتوان خود احساس می نمود که لاجرم می بایستی خود را برای پاسخگویی بدان آماده سازد. از اوایل سال ۵۵ مسئله تجدید حیات و فعالیت مجدد نهضت آزادی ایران بطور جدی مطرح گردید. مسائل در داخل و در خارج کشوری گیری شد، ارتباط منظم و توسعه تری با امام در نجف برقرار گردید.

برنامه هجرت معلم شهید شریعتی به خارج از کشور در ارتباط با همین مسئله از اوایل سال ۵۵ مطرح شده بود که گزارش این فعالیت‌ها در جای دیگری آمده است. پس از خروج موفقیت آمیز شریعتی از ایران در خرداد ۵۶ ساواک که ضربه شدیدی خورده بود دست بکار شد و در نتیجه شریعتی در اردیبهشت همان سال شهید شد. شهادت شریعتی در هجرت بار دیگر ضرورت گسترش فعالیت‌ها را تایید نمود.

در همان موقع نهضت آزادی ایران ضمن تحلیل رویدادهای یاد شده در بالا نشان داد که سیاست‌های استعماری نقشه‌های جدیدی را برای ایران طرح ریزی نموده‌اند. در همان زمان ما نوشتیم که اجرای این طرح‌ها تنها وقتی برای امپریالیسم امکان پذیر است که ابتدا مراکز اصلی مقاومت و مسبین آنرا از بین ببرند. در همان تحلیل‌ها ما نشان دادیم که این توطئه‌ها تنها به کودتا درون سازمان مجاهدین و شهادت شریعتی منحصر و محدود نخواهد بود بلکه برنامه دیگری نیز بدنبال آن داشتند و اگر فرصت پیدا می کردند همه آنها را با اجرای کامل در می آوردند. در همانروزها چندین نوبت علائمی از چنین توطئه‌ها مشاهده گردید. همه این مسائل لاجرم مسئولیت نهضت آزادی را

بعنوان یک سازمان متعهد اسلامی برخوردار از تجارب سالیان دراز مبارزات علیه استبداد و استعمار سنگین ترمی ساخت.

در این دوره (که از شهر یور ۵۴ مقدمات آن شروع شده بود) محور اصلی فعالیت حتی الامکان گسترش مبارزه سیاسی از طریق تحمیل شیوه های علنی بر دشمن بوده است.

فعالیت های نهضت آزادی در این دوره به چند بخش تقسیم میشود.

بخش اول: شرکت فعال در برنامه های دفاعی شامل دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی آنان. این بخش از فعالیت بطور عمده در «جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر» متمرکز گردیده بود. در جمعیت علاوه بر شخصیت های نهضتی از سایر گروه های موجه ضد رژیم نیز بودند و مشارکت داشتند و واضح است که شرکت عناصر نهضتی در جمعیت بمعنای قبول تمامی مواضع جمعیت از جانب نهضت محسوب نمیگردد. قبل از آنهم نهضت آزادی در خارج از کشور از زندانیان سیاسی را در برنامه کار خود قرار داده بود و بطور فعال پی گیری می نمود تشکیل این جمعیت در تهران به امر دفاع از زندانیان سیاسی وتقلیل فشارهای شدید بآنان در زندانها کمک موثری نمود. بررسی اسناد ومدارک این جمعیت نشان میدهد که چگونه تمام اقدار مردم و تمامی گروه های سیاسی اعم از اسلامی و یا غیر اسلامی از این ابتکار استقبال کردند. خانواده های صدها زندانی سیاسی که کمترین اطلاعی از وضعیت زندانی خود نداشتند به این جمعیت مراجعه میکردند. این جمعیت بطور جدی وقانونی قضیه را پیگیری می نمود. نامه ها و اسناد مربوط به این زندانیان به دفاتر این جمعیت در خارج از ایران فرستاده میشد و توسط آنها ترجمه و در اختیار تمامی محافل انقلابی و مترقی و بشردوست دنیا گذاشته میشد. انتشار این اوراق رسوایی های جدیدی برای رژیم شاه در سطح جهانی بوجود آورد. برخلاف اعتراض و انتقادات بعضی ها که این روزها به فعالیت های جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر می نمایند. آنروزها بسیاری از همین معترضین امروزی مراجعه کنندگان و متقاضیان کمک از این جمعیت بودند نامه های خطی بسیاری از این

حضرات موجود است که از زندانها و یا تبعیدگاههایشان برای جمعیت نوشته‌اند و ضمن آن ابتکار و اقدام جمعیت را ستوده‌اند. شک نیست که نمی‌توان ادعا کرد که فعالیت‌های این جمعیت باعث پیروزی انقلاب شد!! خیر. نه جمعیت چنین ادعائی داشته است و نه چنین ادعائی مقبول است. در کنار سایر عوامل موثر در پیروزی ملت فعالیت این جمعیت در زمینه دفاع از حقوق بشر و آزادی در ایران نیز موثر و مفید بوده است.

بخش دوم: انتشار نشریات به اسامی مستعار از قبیل: دانشجویان آگاه، دانشجویان...، «جنبش مسلمانان ایران» و نشریه مرتب «اخبار جنبش اسلامی». این نشریات توسط عده‌ای از اعضای نهضت آزادی با همکاری برخی از مبارزان مسلمان و متعهد منتشر می‌گردید. این نوع از فعالیتها تا مدتها ادامه داشت و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت و موثر واقع گردید.

بخش سوم: فعالیت‌های افراد و اعضای وابسته به نهضت آزادی در کنار و به‌مراه سایر نیروها. از حدود دو سال قبل از پیروزی انقلاب به تدریج جمعی از روحانیون به تبعیت از رهنمودهای امام مبارزات خود را شدت دادند که بعدها بنام «روحانیون مبارز» معروف شدند.

در این دوره نهضت آزادی ایران با روحانیون مبارز در تماس مرتب بوده و فعالیت‌های مشترک وسیعی داشتند. نهضت آزادی ایران در تظاهرات حضرت عبدالعظیم و در تدارکات نماز عید فطر قیطره، راه‌پیمائی‌های تاسوعا و عاشورا و برگزاری اربعین‌ها و استقبال از امام نقش مستقیم و فعالی داشته است.

بخش چهارم: فعالیت به نام نهضت آزادی ایران. همانطور که گفته شد بررسی امکانات فعالیت مجدد نهضت آزادی از سال ۵۵ آغاز شده بود، اما فعالیت‌هایی که راسا به نام نهضت آزادی صورت گرفته است از اوائل سال ۵۷ می‌باشد. یکی از دلایل تاخیر شروع فعالیت‌ها به نام نهضت فشار شدید ایادی رژیم شاه و ساواک بر رهبران و فعالین شناخته شده نهضت آزادی ایران بوده است که همزمان با برخی فعالیت‌ها شدت مییابد، از قبیل تشدید فشار بر مرحوم طالقانی و محاکمه مجدد ایشان و محکوم کردنشان به ۱۰ سال زندان در سال

۵۶، فشار برد کتر شریعتی و بالاخره هجرت و شهادت او در اردیبهشت و خرداد ۵۶، محاکمه غیابی برخی از فعالین نهضت آزادی در خارج از کشور و صدور حکم دستگیری آنها (نظیر دکتر یزدی)، انفجار بمب در برابر محل مسکونی مهندس بازرگان در سال ۵۷، حملات وسیع به نهضت آزادی و رهبران آن در نشریات باصطلاح چپ کودتاگران درون سازمان مجاهدین و سازمانهای وابسته به این جریان نظیر کنفدراسیون دانشجویان (ایرانی) معروف به خط میانه که بعدها با همین گروه منحرفین «سازمان پیکار برای آزادی طبقه کارگر» را تشکیل دادند. مقالات موهن نشریه «مسائل انقلاب و سوسیالیسم» و مجله «مانیفست کمونیزم» نمونه‌ای از این حملات بود. این حملات با سفر امام به پاریس و نقش عمده و اصلی برادران نهضتی در این هجرت و همراهی آنان با امام بطور گسترده‌ای تشدید شد که بعد از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت و هنوز هم ادامه دارد.

نشریات نهضت آزادی در این دوره نظیر ماهنامه «پیام مجاهد» و بیانیه‌های مختلف نهضت بدرستی مواضع نهضت آزادی را در مسائل مختلف از جمله سلطنت و شاه، استبداد، استعمار و امپریالیسم، حکومت اسلامی و شیوه‌های مبارزه نشان میدهد.

نهضت آزادی ایران که سابقه بس طولانی در مبارزه با استبداد شاهنشاهی داشته است اولین سازمانی است که به اسم و امضاء رسماً استعفا و کناره‌گیری شاه را مطرح ساخت. (مهندس بازرگان اولین شخصیتی در داخل ایران بود که در اردیبهشت ۵۷ گفت: تنها راه آزادی ایران رفتن شاه است).

نهضت آزادی اولین سازمانی در داخل ایران بود که شعار «شاه باید برود» را با صراحت مطرح نمود. موضع‌گیری‌های نهضت نه تنها هماهنگ با مواضع رهبری انقلاب بود بلکه مورد تایید امام نیز قرار گرفته است.

نهضت آزادی ایران هرگز ادعا نمی‌کند که تنها نیروی مقاوم و موثر در جامعه و در دوران انقلاب بوده است. ما می‌گوئیم که قطره‌ای از اقیانوس بیکران مبارزات ملت قهرمان و شهیدپرور ایران بوده‌ایم و هستیم و نهضت آزادی ایران افتخار می‌کند که تا حد توانائی و امکانات خود بر سر پیمانی که با خدای خود بسته ایستاده است.

ما در اردیبهشت ۵۶ نوشتیم:

شرایط جدیدی که هم اکنون علائم بروز آن در ایران مشهود است بدون شک تحت تاثیر عوامل چندی است. نهضت آزادی معتقد است که در رأس تمامی این عوامل نیروی مقاوم خلق مسلمان ایران و استمرار در مبارزه جهاد و شهادت و خونهای عزیزان بسیاری که ریخته شده است و تحمل انواع شکنجه های قرون وسطائی هزاران فرزند برومند خلق که در زندانها بسر میبرند، همه تظاهر نیروی مقاومی است که در ایران و در تمامی کشورهای دنیای سوم از طرف مردم استعمار زده و مستضعف در پیدایش شرایط کنونی در سطح ایران و جهان نقش تعیین کننده داشته است.

عامل دیگری که واجد اهمیت است و باید دقیقاً بدان توجه داشت شرایط کنونی جهان و تغییراتی است که در سالهای اخیر در روابط کشورهای سرمایه داری و دولت های باصطلاح سوسیالیستی رخ داده است. و با در نظر گرفتن سیاست دموکراتها بعد از روی کار آمدن کارتر در آمریکا و بعبارت دیگر این مسئله که در انتخابات رئیس جمهور آمریکای موضوع «حقوق بشر» یکی از «شعارهای انتخاباتی» تعیین شود خود معرف آگاهی استعمارگران جهانی از جو انقلابی و قابل انفجار در تمامی کشورهای دنیای سوم است.

بنابراین استعمار جدید (در تمامی اشکال و رنگهایش) همیشه، و اکنون بیش از پیش، درصدد است که برای از بین بردن یا آرام ساختن جو انقلابی، دست به تغییراتی در شکل ظاهری رژیم ایران از نوع یونان یا پرتقال و اسپانیا زده و زیر پوشش های ظاهر فریب «ملی» یا «مارکسیستی» و یا حتی «مذهبی» به مخدوش ساختن ارزشهای جنبش اسلامی انقلابی یا انحراف آن و یا خنثی ساختن آن پردازد تا شاید بتواند برای چند سالی سرنوشت محتوم و اجتناب ناپذیر خود را به تاخیر اندازد.

نهضت آزادی ایران همچنان بر سر پیمانی که با خدای خویش و ملت مسلمان ایران بسته است ایستاده و تا زمانی که مردم مسلمان ما قادر به زدن ضربه نهائی و بدست گرفتن زمام حکومت نباشند در مقابل هر سازشکاری توسط افراد و نیروهای باصطلاح ملی، از هر دسته و گروهی که باشند، به افشاگری پرداخته و مشت فرصت طلبان را باز و آنها را رسوا خواهد ساخت.

نهضت آزادی ایران افتخار می کند که بر سر پیمان خود استوار بوده است.

سیاست های خارجی عموماً و امپریالیسم آمریکا خصوصاً کوشش و تلاش داشتند تا بار دیگر با مانورهای سیاسی خود و اجرای یک سلسله تغییرات روبنائی رژیم شاه را نجات بدهند و سلطه استبداد را از بن بست خارج سازند. در شرایطی که هنوز بعضی از اشخاص و گروهها، صحبت از این میکردند که شاه دست از حکومت بردارد و بماند و سلطنت کند، مهندس بازرگان در اردیبهشت ماه ۵۷ در مصاحبه با خبرنگار بلژیکی گفت: «تا هنگامیکه اعلیحضرت در این مملکت هست، ایران روی آزادی را نخواهد دید.»

امام در سخنرانی خود به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد که در نجف اشرف، مسجد شیخ انصاری ایراد کردند این بیان و موضع گیری مهندس بازرگان را تایید کرده و گفتند:

«همانطوری که یکی از بزرگان سیاسیون گفته است مسلمین، ایرانیها یکی از دوراه را دارند، یا آزادی یا بودن این شخص. یا باید این شخص را اختیار کنند و همین طور تا آخر تحت فشار بمانند یا آزادی را اختیار کنند و این شخص را بیرون کنند. و چون آزادی را حتماً اختیار خواهند کرد پس این را حتماً انشاء الله بیرون خواهند کرد.»

اما همانطور که گفته شد، سیاستهای خارجی برنامه داشتند که نگذارند ملت موفق به اخراج شاه گردد و شعارهای انحرافی میدادند، بطوری که امام در بند اول از پیام مورخ ۲۱ شعبان ۹۸ خود که به مناسبت فاجعه اصفهان صادر کرده بودند چنین گفتند:

«.... و آنانکه اخیراً برای جلب منافع شخصی به جنب و جوش افتاده و می خواهند نهضت اسلامی را آلوده کنند و یا آنرا متکی به بعضی جناحها یا دنباله رو معرفی نمایند حتماً سوء قصد دارند یا احیاناً با ساختن بعضی از آنان با دستگاه جبار می خواهند نهضت را متوقف و شاه را مصون نگه

دارند. ملت ایران باید با هوشیاری تمام و تردید به آنان نگاه کند و اگر خدای نخواستہ انحراف آنان معلوم شد از آنان اجتناب کنند و صریحاً اعلام می‌دارم در صورتی که این جمعیت معدود مطالب خود را که لازمه اش دور نگه داشتن مجرم اصلی است تکرار کنند روحانیت تکلیف خود را در باره آنان روشن خواهد نمود».

بعد از انتشار این بیانیہ، آنها که قلبهایشان بیمار است و آنها که وحدت یکپارچه تمامی اقشار ملت مسلمان را بنفع خود نمی‌بینند و آنها که آزادی را مانع پیشرفت برنامه‌های خودشان می‌بینند، دست به انتشار شایعات بی اساس زدند و چنین منتشر کردند که گویا منظور امام در این بیانیہ «نہضت آزادی ایران است» و برسر این مسئلہ جنجال جدیدی علیہ نہضت براه انداختند.

نہضت آزادی ایران برای روشن کردن اذهان ملت و مقابله با این توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی و دوستان نادان و بیمارگونه، در تاریخ ۵ رمضان ۹۸ برابر ۱۹ مرداد ۵۷ طی پیامی این مسئلہ را مستقیماً با امام امت در میان گذاشت و نظر امام را جو یا شد. امام بعد از دریافت این پیام و اطلاع از توطئه نابخردان و دشمنان اسلام در پاسخ به پیام نہضت آزادی ایران، ضمن تشکر و قدردانی از زحمات اعضای نہضت آزادی ایران بعنوان «فرزندان اسلام» در داخل و خارج کشور مسئلہ را توضیح دادند و روشن ساختند کہ مورد نظر امام در بند اول از اعلامیہ ۲۱ شعبان ۱۳۹۸ ایشان، نہضت آزادی ایران نمی‌باشد.

متن کامل نامہ نہضت کہ در ۵ رمضان ۹۸ برابر با ۱۹ مرداد ۵۷ ارسال شده است و پاسخ امام مورخہ ۱۶ رمضان ۹۸ در صفحات ۸۹ - ۹۱ - ۹۳ این مجموعه آمده است.

مبارزات نہضت آزادی و موسسین و رہبران آن باشاہ و سلطنت پهلوی امر جدیدی نبوده است بسیاری از موسسین و رہبران نہضت سالیان دراز بخاطر همین ضدیت و مبارزہ به زندان و تبعید محکوم شده بودند بدنبال همان

خط مشی و همچنین بمنظور مقابله با هرگونه توطئه‌ای جهت انحراف مبارزات ملت از مسیر اصلی آن نهضت آزادی ایران در بیانیه مورخه ۵۷/۶/۶ خود ضمن تحلیل مسائل و وقایع جاری خاطر نشان ساخت که:

«در شرایط آشتی ناپذیر حاکم، برای خروج از بن‌بست وحشتناک حاضر منطقاً دوره‌حل بیشتر قابل تصور نیست: ۱- ملت تا آخرین فرد ارزنده‌اش در زیر ساطور سلطنت نابود شود. ۲- شاه برود...»

و در پایان همین بیانیه آمده است که:

«با ماندن شاه هیچ کاری چاره نخواهد شد و راه‌حل مفیدی نخواهد یافت اما با استعفا و رفتن او مملکت از بن‌بست بیرون آمده چاره‌جویی‌ها امکان‌پذیر خواهد شد...».

نهضت آزادی در بیانیه دیگری در ۱۴ آبان ماه ۵۷ تحت عنوان: «آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم واقع بین باشد؟» این حقیقت را خاطر نشان ساخت که:

۱- اکثریت قاطع ملت ایران شاه و رژیم او را نمی‌خواهد و خواستار حکومت اسلامی می‌باشند.

۲- اکثریت قاطع ملت ایران آیت‌الله العظمی خمینی را به رهبری برگزیده است.

و در پایان همین اعلامیه نهضت با صراحت و قاطعیت اعلام کرده است که:

۱- شاه باید کنار برود.

۲- دولت‌های خارجی باید این واقعیت را دریابند و از این پس تنها به شورا یا هیئتی که مورد اعتماد ملت ایران و رهبری روحانی و سیاسی آن باشد مراجعه کنند.

۳- بعضی از افسران سرسپرده بدانند که برای حمایت از نظام حاکم دست‌زدن به هر عمل کشتار و تخریب و غارت بی نتیجه خواهد بود و مردم را منجزتر و مصمم‌تر خواهند کرد.

و بدین ترتیب بود که بالاخره مبارزات متحد و یکپارچه ملت به ثمر رسید و در ۲۶ دیماه ۵۷ شاه از ایران رفت، ظاهراً سیاست خارجی، که نقش

فعال آن در دست امپریالیسم آمریکا بود در برابر قدرت یکپارچه ملت عقب نشینی کرد، اما این عقب نشینی فقط برای آن بود که با روی کار آوردن یک دولت جدید نظیر بختیار بتواند قبل از آنکه تمامی پایگاه‌هایشان و آخرین آنها را در طوفان کوبنده انقلاب اسلامی از دست بدهند از بالای سرانقلاب پلی بزنند. هجرت امام به پاریس که ابعاد جهانی جدیدی به انقلاب اسلامی داده بود، هوشیاری امام و یاران و مشاورین نزدیک امام در این دوره مانع اجرای این توطئه‌ها گردید.

در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ با فرار شاهپور بدنبال شاه و بازگشت موفقیت آمیز امام به ایران و شکست رژیم شاهنشاهی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی بزرگی نائل آمد.

در آن شرایط حساس و تاریخی و سرنوشت ساز امام از مهندس بازرگان خواست تا دولت موقت را تشکیل دهد. اگر چه دولت موقت کابینه نهضت آزادی ایران نبود اما یاران نهضت آزادی، بدون کمترین تردیدی، بدون کمترین چشم‌داشتی، این مسئولیت سنگین را پذیرفتند.

دولت موقت توانست منشأ خدمات بزرگی در این مرحله از تاریخ شود. متأسفانه نیروهای ضدانقلاب و دوستان مغرض و خودمحمور بین و نادان نگذاشتند تا ملت بدرستی از آنچه عمل شد مطلع گردد و زمینه برای گسترش جنگ سیاسی- روانی علیه دولت موقت و نهضت آزادی و صادق‌ترین یاران انقلاب فراهم گردید. تنها با گذشت زمان است که بتدریج ملت ما از آنچه شده است مطلع میگردد و قدر و منزلت آنها را می‌فهمد و پی می‌برد، و ترس دشمنان ماهم از همین است. و تمامی حملات به دولت موقت و نهضت آزادی نیز از همین ترس ناشی می‌شود. اما آنها باید بدانند که این نقشه‌ها خشت بر آب زدن است. اگر آنها حيله می‌کنند مگر خداوند از آنها بالا تر و بیشتر و نافذتر است و دیر و یا زود مردم پی به حقایق خواهند برد.

اما نهضت آزادی ایران پس از پیروزی انقلاب چه کرد؟ و رابطه‌اش با دولت موقت چه بود؟ چرا نهضت آزادی بعد از انقلاب به سازماندهی نپرداخت؟ و خط مشی و برنامه‌های کنونی نهضت آزادی ایران برای این مرحله از انقلاب چیست؟

اینها سئوالاتی هستند که در بررسی های بعدی بآن خواهیم پرداخت.

محا کمه

سران

و فعالین

نهضت

آزادی

ایران



محاكمه سران و فعالین نهضت آزادی ایران

رژیم شاه که نمی توانست ناظر بر فعالیت های پی گیر نهضت آزادی ایران باشد و آنرا تحمل کند و هم چنین نتوانسته بود با باز یهای سیاسی نهضت را به دام سازش و مدافعت بکشاند بدنبال فرصتی بود تا نهضت را متلاشی سازد و سران و فعالین آنرا نیز گوشمالی دهد.

خشم و کینه رژیم شاه خصوصاً وقتی تشدید شد که با ورود روحانیت به صحنه مبارزات ضد رژیمی برهبری خمینی و سایر مراجع نهضت آزادی در کنار روحانیت قرار گرفت و با تمام قوا از آن پشتیبانی نمود. این بهانه در بهمن ۴۱ بدست رژیم افتاد.

در سوم بهمن ۴۱ شورای مرکزی نهضت آزادی ایران طی بیانیه مسوطی پرده از اسرار انقلاب سفید شاه برداشت و ماهیت ضد مردمی آنرا، که در خدمت امپریالیسم آمریکا بود، برملا ساخت. متن کامل این بیانیه در همین جزوه آمده است.

روز بعد از انتشار این بیانیه، یعنی در چهارم بهمن ۴۱، دو روز قبل از اعلام انقلاب سفید ۶ بهمن شاه، سران و فعالین نهضت آزادی دستگیر شدند. و بعد از یک محاکمه طولانی در بیدادگاه نظامی شاه در عشرت آباد به حبس های طویل المدت محکوم شدند.

دستگیری و محاکمه سران نهضت آزادی موجی از خشم و نفرت در میان مردم، بر انگیخت و تمامی اقشار مردم را به حمایت همه جانبه از نهضت بسیج نمود.

جرم این فرزندان برومند و صدیق ملت ما چه بود که به محاکمه کشیده شدند؟ سرهنگ فخر مدرس، دادستان دادگاه نظامی شاه در ادعاینامه بسیار مفصل خود، بعد از بررسی فعالیت های موسسین و سران و فعالین نهضت آزادی از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تاسیس نهضت مقاومت ملی و انجمن های اسلامی دانشجویان، مهندسين و معلمين و پزشكان جرم نهضت آزادی را بشرح زیر خلاصه و جمع بندی نمود:

ادعانه دادستان نظامی علیه

رهبران نهضت آزادی ایران

موضوع اتهام: اقدام بر ضد امنیت کشور

«نوع بزه و انطباق با قانون عمل سه نفر متهمین شماره ۱ و ۲ و ۳ جزو موسسین جمعیت نهضت آزادی میباشد و این جمعیت مرام و رویه آن ضدیت سلطنت مشروطه ایران میباشد و هم چنین عمل متهمین ردیفهای ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ از جهت عضویت مزبور جنائی منطبق با بندیک از ماده یک قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت و از جهت اها انتهای مکرر و گستاخانه نسبت به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی میباشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده ۲ الحاقیه باصول محاکمات جزائی مورد تقاضا است و تاریخ و محل وقوع جرم تهران ماه اردیبهشت ۱۳۴۰ از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی، ضمنا پرونده بنام افرادی که پرونده آنان تا کنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده اند مفتوح است»

دادستان نظامی — سرهنگ فخر مدرس

برادران نهضتی در بیدادگاه شاه، با مدافعات خود دادگاه را به صحنه محاکمه رژیم شاه تبدیل نمودند. شجاعانه ایستادگی کردند مقاومت نمودند و علیه رژیم حاکم و اربابانش به نیابت از طرف ملت ایران ادعانه صادر کردند. مدافعات مهندس بازرگان در این بیدادگاه از مهمترین بخش این محاکمات میباشد. مدافعات بازرگان در ۲ بخش است، بخش اول تحت عنوان «دفاع از نهضت آزادی ایران» و بخش دوم، تحت عنوان «چرا با سلطنت

استبدادی مخالفیم». در دادگاه تنها بخش اول عنوان شد اما دادگاه اجازه ادامه دفاعیات را به بازرگان نداد. این مدافعات تا بحال چندین بار چاپ شده است. در مقدمه چاپ سوم این مدافعات که توسط نهضت آزادی ایران خارج از کشور، در ۱۴ اسفند ۱۳۵۶ صورت گرفته است چنین می خوانیم:

بسمه تعالی

مقدمه چاپ سوم

من تبینت له الحکمة عرف العبرة و من عرف العبرة کانما کان من الاولین آنرا که شناخت استوار حاصل شد روش عبرت گیری و تحلیل قضایا حاصل شود. و آنرا که عبرت و جمع بندی تجربیات حاصل آید چنان ماند که همراه گذشتگان زندگی کرده است.

(علی - نهج البلاغه فصل ۶ پند ۳۰)

بیاری خداوند متعال کتاب حاضر پس از شش سال که از چاپ اول میگذرد مجددا در اختیار رهروان راستی و عدالت قرار می گیرد. باشد که جنبش نوین اسلامی را فایده تی حاصل آید و در مسیر پر فراز و نشیب و سنگلاخی که فرا راه خویش دارد چراغی روشنگر باشد.

شاید این تصور به ذهن خطور کرده باشد که با گذشت قریب به ۱۵ سال این مدافعات در پاسخ به چه نیازی است؟ و در حالیکه امروز جنبش انقلابی خلق مسلمان جهت قاطع تری یافته و شهدای بخون خفته اش منطلق و دفاعیات ارزنده ای بیادگار گذاشته اند چه فایده ای بر آن مترتب است؟

آنچه مسلم است پیکره و حیات جنبش اسلامی مانند هر پدیده زنده روبه رشد مراحل و مراتب تکاملی دارد. اما این رشد و تطور بر خلاف سایر پدیده های طبیعت الزامی و اتوماتیک و خود بخودی نبوده مستلزم خود آگاهی و تکیه بر دستاوردها و اکتسابات قبلی میباشد. بنابراین شناخت دقیق هویت و شخصیت جنبش و نشیب و فرازهای آن بخصوص برای نسل جوان تازه بیدان آمده که در شرایط اختناق فرهنگی موجود الزاما دیدی محدود پیدا کرده است و تنها آگاهی اش از جنبش انقلابی مسلحانه میباشد بسیار فوری و ضروری است.

صرف نظر از اینکه جنبش انقلابی اخیر روند طبیعی و تکاملی مبارزات قبلی بوده، نفی دستاوردهای مبارزین گذشته به همان اندازه انحرافی و خطرناک است که تقلید و ادامه ایستای آن.

بر اساس چنین نیازی کتاب حاضر نه بعنوان مدافعان شخصی یک مسلمان مبارز و نه حتی دفاع محدود از یک جمعیت سیاسی مشخص بلکه بعنوان تاریخچه‌ای از ثلث قرن حیات پر تحرک ملت ما تهیه میشود. آنهم نه بقلم یک مورخ حاشیه‌نشین ذهن پرداز، بلکه به زبان و قلم کسی که در متن جریان بوده و نقش عمده و تعیین کننده‌ای در منزلگاههای حرکت داشته است و این بخصوص در شرایطی مورد نیاز است که منافقین فرصت طلب برای اطفای آتش قدرت طلبی خویش در حمله و انتقاد تنگ نظرانه به رهبران نهضت نه عداوت و کینه شخصی بلکه لوٹ کردن حرکت اصیل اسلامی جنبش را منظور دارند و در این راه از وارد کردن هیچ گونه ضربه‌ای به ریشه‌های اصیل این درخت تنومند و پر بار فروگذار نمیکند.

مهندس بازرگان و سایر رهبران و فعالین نهضت آزادی را در دادگاههای سر بسته نظامی محاکمه کردند. مدافعان آنان ابتدا بصورت دست نویس کسانیکه در دادگاه توانسته بودند شرکت کنند تهیه شده بود سپس متن کامل آن که توسط متهمین تهیه شده بود بدست آمد و ... منتشر گردید.»

فرازهایی از مدافعان مهندس بازرگان بقرار زیر است:

پایه‌های استبداد:

«پایه استبداد ناگزیر روی دروغ گذارده میشود. زیرا چه پادشاه و چه درباریان و دولتیان برای آنکه سلطه غیر طبیعی و غیر الهی و غیر انتخابی یک فرد را که در حالت کلی هیچگونه مزیت و فضیلت و حقی بر سایرین ندارد بحق و بجا جلوه دهند و ابهت و جبروت او را در چشم و دل مردم بزرگ کنند ناچارند بانواع تملقها و تظاهرها و تصنعها فضایل و کمالات باو نسبت دهند و بیش و قدرت برای او بتراشند: ظل الله‌اش بنامند، قبله عالمش خطاب کنند، قدر قدرتش بگویند عدالت گسترش بخوانند، تمثالش را بيمثال، سایه‌اش را همایون، خاک پایش را سرمه چشمها و شپشش را منیژه خانم بدانند. از نقص و خطا مبرایش بشمارند، کرسی فلک را زیر پایش بگذارند، بعرض اعلی

علیین و بمقام ربوبیتش برسانند تا رعایا از ترس یا طمع او
سراطاعت و عبودیت به آستانش بسایند.
و او و آنها با خیال راحت بعیش و عشرت پردازند.»

مقاومت‌ها و مبارزات مردم:

اقدامات و مقاومتهای فداکارانه مبارزین در این مدت و
نشریات و اجتماعات ارزنده آنها از یکطرف و خیانتها و
جسارتهای انقلابی دستگاه استبدادی از طرف دیگر چشم و
گوش همه را باز کرده بعد از روشنفکران و ملیون، طبقات
بازاری و کاسب و دهاتی را نیز برهبری روحانیون همدرد و
همصدا به تکان و هیجان آورد.

شجاعتها کردند و زندانیها و قربانیها دادند. در
اجتماعات و مراسم سوگواری محرم ۱۳۸۳ صدای
اعتراض مردم از مظالم و مفاصد هیات حاکمه از هر مسجد
و منبر از هر گوشه و کنار پایتخت و شهرها و دهات بلند
گردید و با ناله‌های مظلومیت و شهادت حسین بن علی و
نفرین‌های بریزیدن معاویه مخلوط شد. قیام بی سابقه
وسیعی به پشتیبانی از مرجع بزرگ زندانی حضرت آیت الله
خمینی و با اعتراض علنی علیه دولت و شاه در مملکت پیا
گردید. قیامی که برای استبداد بهیچوجه قابل هضم و
گذشت نبود و در روز ۱۲ محرم (۱۵ خرداد ۱۳۴۲)
مواجه با آن کشتار بیرحمانه چند هزار نفری بدست ارتش
شاهنشاهی گردید...

استبداد بار دیگر با ضربتهای سنگینی فائق و براوضاع
حاکم شد ولی در سراسر مملکت در زمینه دلها و فکرها از نو
و برای همیشه نهالهای برومند حق طلبی و حکومت ملی و
آزادیخواهی روئیده و با خونهای هزاران قربانی آبیاری شد.

زبانها بیش از پیش بصدا و قلم‌ها به تحریر درآمد. اعلامیه‌های قاطع آبدار از طرف علماء و نهضت آزادی ایران و جوانان بازار و خطابه‌ها از طرف وعاظ و گویندگان شجاع انشاء و انشاد می‌گردد. شهامت و شهادت گفتارها و پندارها را پاکتر و بارورتر مینماید. خداوند در نهال حقیقت و حقانیت و دیعه برکت و موفقیت قرار داده است (این نهال‌ها یقیناً بزودی برومند گردیده ثمرات خود را خواهد داد.) ضرب الله مثلا کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها....

ترازنامه استبداد:

ترازنامه چهل و اندی سال استبداد متلاطم بعد از مشروطیت به رسوائی و لرزانی منتهی شده است. اکثریت مردم زیر فشار ظلم و فقر و ننگ به تنگ آمده راه نجات و رهبر و برنامه می‌جویند.

رسوائی استبداد:

در برابر هر تیری که استبداد بر سینه ملت میزند و هر گزری که به سرها میکوبد سینه‌ها فراختر و سرها بلندتر میشود. ضربات وارده سوزناکتر و شدیدتر بخودش برمیگردد. سران و فرزندان نهضت آزادی را در دادگاههای در بسته نظامی محاکمه و محکوم میکند کوس رسوائیش را در روزنامه‌ها و رادیوهای اروپا و آمریکا میشوند و سزایش را از دانشجویان ایرانی و غیر ایرانی متحده، آلمان و اطریش و ایتالیا میگیرد.

تلاش بیفایده:

برای ما هر کدام بنحوی بساط تهدید یا تطمیع درست میکردند و میگفتند اگر میخواهی برای شب عید آزاد شوی،

نامه بنویس - استعفا کن، استعفا نمیدهی، تعهد کن، بنویس و بعد برو هرکاری میخواهی بکن. ولی باور بفرمائید، اینجا است که آدم زنده می شود و به نسل ایران و به آینده ایران امیدوار میگردد. حتی یکنفر آنها هم، حتی آن کارگر پیراهندوز حاضر نشدند پا روی شرافت و غیرت و عقیده بگذارند....

به جناب سروان بازجو حرفی زدم. ایشان اصرار داشتند و با ملاحظت و مناصحت با اصرارشان توام بود که شما چندتا اسم اینجا بگوئید که چه اشخاصی چه کارهائی میکردند، من شما را خلاص خواهم کرد.

بنده از لطف ایشان تشکر کردم، اما گفتم جناب سروان چرا اصرار دارید که فرمانداری نظامی یا ارتش ایران، دستگاه بیسرفسازي شود؟ اشخاص با شرف و انسانیت اینجا بیایند و بعد با متهم کردن مقصر ساختن دیگران یا لودادن اشخاص اگر بفرض چنین مورد باشد از اینجا سرافکنده و شرف فروخته بروند؟

* * *

در کیفرخواست ذیل عنوان نتیجه تحقیقات و دلایل اتهام را مینویسد «... لکن با استدعای عفو از پیشگاه مبارک ملوکانه و عذر تقصیرات از زندان آزاد شده...» این عبارت خیلی مرا تکان داد، ما مقصر نبودیم، گناهی و کار بدی نکرده بودیم که عذر تقصیر را بخواهیم و استدعای عفو بنمائیم. ما مورد ظلم و حق کشی قرار گرفتیم. دیگران میبایستی از ما معذرت بخواهند.

افتخارات خدمات:

«بنده ابدا نمیخواهم افتخار و حق آن خدمات و عملیات را بنام خود ثبت و عرض نمایم. بنده نه مرد اقتصاد

و سیاست بودم و نه مهندس نفت. افتخار و دلخوشی من فقط بیک چیز است، چیزیکه میتوانید آنرا در عین حال بسیار کوچک تلقی کنید و هم بسیار بزرگ، عمل مدیریت. اما نه مدیریتی استبدادوار و نه انحصارطلب همه چیز را در قبضه و اختیار و دستور دلخواه خود قرار داده باشد. وظیفه و عمل بنده که آنرا میتوان هم بیعرضگی و ناتوانی دانست و هم عرضه و توانائی، این بود که خواستم و گذاشتم هرکس کار خود را بکند. مانع از این نشدم (با باعث این شدم) که هر کارگر و کارمند و متخصص ایرانی با حداکثر علاقه و علم خود در پستی که قرار دارد، لیاقت و امکاناتش را بروز دهد و احترام و حقش رعایت شود. تمام آن کارهای بزرگ و مهم را آنها کردند نه بنده.»

نهضت ملی کردن نفت:

ملی کردن نفت و آن نهضت عجیبی که مملکت ما و مخصوصاً مردم خوزستان را یکپارچه بحرکت درآورد، صرفنظر از جنبه‌های سیاسی یا فنی و اداری آن از جهت روانشناسی و اجتماعی نیز از حوادث بزرگ تاریخ ایران بشمار میرود.

حزب توده:

حزب توده درختی بود که بذر آن در سلطنت پهلوی کاشته و روئیده شد.

در دهساله بعد از شهریور، پیوند کاری و آبیاری و پروراندن شد. میوه‌اش را در حکومت مصدق بیار آورد. میوه آن اولاً انواع کارشکنیها و مزاحمتها در جریان ملی شدن نفت و در فعالیتهای ملی و دولتی زمان مصدق، ورود

درصفوف ملیون بمصداق «حاجی انا شریک» آن عرب
بیابانی بمنظور ارعاب مردم ایران و بالاخره ساقط کردن
حکومت مصدق بود.

دادگاه نظامی عشرت آباد. نهضتی ها را به حبس های طویل المدت
(جمعاً حدود ۶۰ سال) بشرح زیر محکوم کرد:

ده سال	مهندس بازرگان
ده سال	آیت الله طالقانی
شش سال	دکتر شیبانی
شش سال	احمد علیابائی
پنج سال	مفیدی
چهارسال	دکتر یدالله سبحانی
چهارسال	مهندس عزت الله سبحانی
چهارسال	ابوالفضل حکیمی
چهارسال	مهدی جعفری
چهارسال	بسته نگار
دو سال	رادنیا

علاوه بر سران و فعالین نهضت آزادی، دادگاه نظامی، وکلای نهضت را
نیز بجرم دفاع از موکلین بعداً محاکمه و آنها را نیز محکوم ساخت. و این شاید تنها
موردی در دنیا باشد که وکلای مدافع متهمین را بجرم دفاع از موکلین محاکمه و
محکوم نمودند.

پس از اعلام رأی دادگاه، وقتی عده ای از دانشجویان نهضت آزادی ایران
بدیدار امام درقم رفتند امام خطاب بآنان چنین گفت:

منتخبی از نامه امام خمینی به سران
نهضت آزادی ایران پس از صدور رأی
بیدادگاه نظامی

۱۳۴۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون
من خوف داشتم که اگر در موضوع
بیدادگری نسبت بحجة الاسلام آقای طالقانی و
جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان
کلمه ای بنویسم موجب تشدید امر آنها شود و
ده سال زندان بپانزده سال تبدیل گردد اینکه
حکم جابرانه دادگاه تجدید نظر صادر شد
ناچارم از اظهار تأسف از اوضاع ایران عموماً
و از اوضاع دادگاه خصوصاً.

بقدری خلاف قوانین و مقررات در
دادگاهها جریان دارد که موجب تأسف و
تعجب است: محاکمات سری، حبسهای قبل
از ثبوت جرم: بی اعتنائی بدفاع مظلومین.

اینجانب و اشخاص با وجدان و دیانت
متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که بجرم
دفاع از اسلام و قانون اساسی محکوم بحبسهای
طویل المدت شده و باید با حال پیری و نقاهت
در زندان برای اطفاء شهوات دیگران بسربرند.

اما نهضتی ها در زندان آرام نه نشستند. زندان را به مدرسه جدیدی مبدل
ساختند. از آن پس زندانها دچار ناآرامی های پی در پی شد. تا آنجا که متولیان
رژیم تنها چاره را در تبعید زندانیان نهضتی به سایر نقاط مملکت یافتند. بهمین
دلیل زندانیان نهضت را در تابستان، درحالیکه دست بند بدست آنان زده بودند، با

اتوبوس از تهران به زندان برازجان منتقل ساختند بعضی از نهضتی ها را بعداً به زندانهای دیگری منتقل نمودند از جمله آقای جعفری (وکیل فعلی برازجان) را که اصلاً اهل برازجان بود به زندان یزد منتقل نمودند.

برخی از این زندانیان بعد از پایان محکومیت آزاد شدند. اما بعد از چند صبحی مجدداً بجرم ادامه فعالیت های ضد رژیم دستگیر و زندانی و یا تبعید شدند. شرح جزئیات مبارزات و زجرها و شکنجه هائی که مؤسسين و فعالين نهضت متحمل شدند نیاز به تدوین نشریه جداگانه ای دارد که به بعد موكول میگردد. و تنها بدکر و ارائه یک نمونه و یک سند که حاکی از استمرار مقاومت و ادامه فشار و اختناق بود، اکتفا می نمایم. در سال ۵۶، مرحوم آیت الله طالقانی را به جرم مقاومت سرسختانه اش و بدنبال خیانت منحرفین و مرتدان درون سازمان مجاهدین، نظیر وحید افراخته و افشای بسیاری از روابط آن مرحوم با انقلابیون مجدداً در دادگاههای نظامی محاکمه و به دهسال زندان محکوم ساختند. مهندس بازرگان در نامه ای خطاب به مراجع عظام از این توطئه پرده بر میدارد. متن نامه مهندس بازرگان بقرار زیر است:

بسمه تعالی

سوم شعبان ۱۳۹۷

محضر انور علمای اعلام و مراجع عظام دامت
برکاتهم

در این مملکت بی پناه و پایه که امر و قضا و قانون در یک جا جمع شده، نه میتوان تظلم بنزد ظالم برد و نه قبول ظلم کرد و ساکت نشست شکوه و درد دل بحضور پیشوایان دین و مامورین دفاع از حق و عدل می آورم. بدینوسیله ندائی و دعائی میطلبم. شاید بگوش دنیا و اجابت خدا برسد.

حضرات عظام بخوبی آقای حاجی سید محمود طالقانی را میشناسند. از فضل و زهد و از مجاهدات دیرینه ایشان در اشاعه قرآن و ارشاد جوانان نیز استحضار دارند.

این سید جلیل القدر را سازمان مدعی امنیت دردو سال قبل معلوم نیست بچه اتهام واهی همراه با عده دیگری

از افاضل و علمای روحانیت دستگیر نمود. سپس بدون ملاحظه کبر سن و کسالت‌های عدیده مدت مدیدی معظم له را بدون محاکمه در زندانهای طاقت فرسا اسیر کرده است، در حالیکه اظهار میشد زندانیان سیاسی ایران تماما مارکسیست هستند.

اخیرا نیز علیرغم ادعای دیگرشان که محاکمات ما قانونی و علنی است آیه الله طالقانی را بدون اطلاع و حضور افراد خانواده در دادگاههای نظامی (شاید بطور غیابی) به ده سال محکوم نموده‌اند.

آیا آیه الله طالقانی کمونیست بیدین بود یا جانی خرابکار؟

آیا کسانی که این مجتهد را بازداشت و محکوم کرده‌اند کوچکترین صلاحیت قضائی داشته‌اند؟
آیا در سایه حکومت بقول خودشان دموکراتیک مدافع حقوق بشر و مسلمان نباید کمترین حق دفاع و آزادی حیات برای افراد کشور خصوصا زبندگان روحانیت وجود داشته باشد؟

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله

مهدی بازرگان

نامه مهندس بازرگان به مراجع عظام بمناسبت محکومیت آیه ۱... طالقانی

برسالت
شماره ۱۲۷

مخبر از عدول بهم در هیچ مقام هست بجا تمام

مطلبی نگفتیم تا آنجا که هر قضا و تقاضی در یکجا جمع شده و نه حقوق
بزرگ علم بود نه قبول علم بود و نکست نشو. و بعد از کفایت میزبان درین و امرین
دفع از حق بر می آید. به بریده نه ای و بانی مصلحت بشاید که شرف دنیا چو استعدایه
مخلوق عظام بخوبی آنگاه می رسد محرومان طالقانی را مناسبت. که فضل دین
در می طاعت درین پشانی در نهانه فلان در ایشاد حوائج تر استصار طاعت
این سینه صلیب الله با سنان حق نیست در در حال مبعوض صومیت بر تمام
میوه. آینه. در آنرا ناسخ طاعتها و مناسبت بیشترند. سپردن طاعت بگریز و
کشته میوه. دست مبر صفر در دایره علامه در وقت طاعت است. با بر گرد است. نه
مالکله انداخته بر میان ترس آریان تا آنجا که گیسب بسته آینه تر میزوم آرد و گویان
که محکوم است با قانون و من است آیه طالقانی را درین طبق حضور نشی افه و اولاد. نه
طرقه مایه نظامی (رشد لکویا) به سوال حکم نموده اند

آی آیه طالقانی که منیت برین در عین جوانی
آیا که که این نموده تا آنکه نیست بلکه گدازه که درین وقت قضا و برنی نوشته اند؟
آیا در سایه حکومت فعلی در میان در آنجا که در این حق و شرف میسای نباید که درین
این آرا در وقت را از آنکه در حضور و در میان مناسبت در هر نوشته باشد؟
انهم انما یوفونکم فی حقه که در تفرقه اولاد طالع در این واقع آمده

سه
۱۲۷

اعضای نهضت آزادی ایران در فاصله جلسات بیدادگاه شاه مدو م - ۲۳۴۴



گزارشی
از
فعالیت‌های
نهضت
آزادی
ایران
خارج
از
کشور



گزارشی از فعالیتهای نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

در طی دوران سیاه استبداد، چه در دوران مبارزات مشروطیت و چه در دوران رضاخان و سپس در دوران اختناق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مبارزات ایرانیان مقیم خارج از کشور، مهاجرین، تبعیدیان و دانشجویان ایرانی که برای ادامه تحصیل به خارج رفته‌اند از عوامل موثر در پیروزی مبارزات مردم ایران بوده است و گاه نقش عمده و اساسی را بر عهده داشته است. بررسی تاریخ مبارزات ملت ایران بدون بحث و بررسی و گزارش فعالیت‌های خارج از کشور ناقص خواهد بود.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، و دورانی که مردم ما در زیر پرچم نهضت مقاومت ملی مبارزه می‌کردند، ایرانیان خارج از کشور نیز بطور پراکنده به حمایت از مبارزین داخل اقداماتی انجام میدادند که البته بسیار محدود و منحصر بود به توزیع اخبار ایران و نشریات نهضت از قبیل «راه مصدق» و غیره. این فعالیت‌ها عموماً توسط کسانی انجام میگرفت که سابقاً عضوانجمن‌های اسلامی دانشجویان در تهران و شهرستانها و یا اعضای خود نهضت مقاومت ملی بودند که برای ادامه تحصیل یا صرفاً مهاجرت به خارج رفته بودند.

از اواسط سال ۱۳۳۹ که تغییرات جدیدی در ایران بطور محسوس در شرف وقوع بود در خارج از کشور نیز فعالیت‌های جدید و گسترده‌ای آغاز شد، اعضای سابق نهضت مقاومت ملی، انجمن‌های اسلامی در ایران، عناصر ملی و وطن خواه و دانشجویان ایرانی که تعدادشان روز بروز هم بیشتر می‌شد بدور هم جمع شدند و اولین هسته‌های مبارزاتی خارج از کشور را بوجود آوردند. این فعالیت‌ها بزودی، حدود اوائل سال ۴۰ به تأسیس جبهه ملی ایران در آمریکا و اروپا و کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و انتشار نشریاتی نظیر ایران آزاد، ۱۶ آذر، اندیشه جبهه و... منجر گردید. — با تأسیس نهضت آزادی در ایران، در اردی بهشت ۴۰ مقدمات تأسیس نهضت در خارج نیز فراهم گردید. با این تفاوت که تأسیس

نهضت بطور علنی اعلام نگردید. از این تاریخ، بین حدود سال ۴۰ تا زمان پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷، نهضت آزادی در خارج از کشور نقش فعال و موثری را در رهبری و هدایت مبارزات دانشجویان و ایرانیان خارج از کشور داشته است. این فعالیت‌ها بطور خلاصه در دو بخش عمده قابل بررسی هستند.

بخش اول: فعالیت‌هایی که مستقیماً بنام «نهضت آزادی ایران - خارج از کشور» انجام گرفته است.

نهضت آزادی ایران در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) بعد از مذاکرات مقدماتی میان نهضتی‌ها، بدنبال دعوت شریعتی، آغاز به فعالیت کرد. فعالیت‌های نهضت عبارت بودند از انتشار بیانیه‌ها، تحلیل‌های سیاسی افشاگرانه، انتشار مرتب ماهنامه «پیام مجاهد» که از سال ۵۱ شروع شد و تا یک ماه قبل از پیروزی انقلاب ادامه داشته است. پیام مجاهد بعنوان بهترین نشریه خارج از کشور که در تیراژ وسیعی در سرتاسر جهان پخش و توزیع می‌شده است اخبار مبارزات ملت ایران را در وسیع‌ترین حد ممکن منعکس می‌کرده است. صفحات پیام مجاهد شاهد این مدعا می‌باشد. علاوه بر انتشار مرتب پیام مجاهد، تکثیر نشریات مبارزین داخل کشور، از جمله مدافعات و زندگینامه‌های مجاهدین و شهدای انقلاب و ترجمه مطالب آنان است. نهضت آزادی در خارج از کشور تنها سازمانی بود که پیامهای امام را به زبانهای خارجی، بطور مرتب ترجمه و برای صدها سازمان اسلامی و انقلابی در سرتاسر جهان می‌فرستاد.

قسمت دیگری از فعالیت‌های نهضت شامل انتقال دانش انقلابی به ایران بود که با ترجمه آثار و تجارب انقلابی صورت گرفته است (نظیر مبارزات مردم ایرلند، فیلیپین، آریتره، چاد، ویتنام، کوبا و غیره....) برای شناخت و معرفی ماهیت و عملکرد واقعی دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا، نهضت آزادی ایران علاوه بر تحلیل‌های متعدد سیاسی درباره عملکرد آمریکا، که در ماهنامه پیام مجاهد آمده است چندین کتاب و نشریه در این مورد تهیه و در هزاران نسخه توزیع نموده است از قبیل «شورشگری و ضد شورشگری»، و «جنگ بی پایان - آمریکا در تدارک ویتنامهای دیگر در سه جلد». این نشریات و هم چنین ماهنامه پیام مجاهد با چاپ مخصوص روی کاغذهای مناسب تهیه و جهت مبارزین داخل ایران ارسال می‌شده است.

بخش دوم: فعالیت‌های نهضت در خارج از کشور، شامل آن دسته از وظایفی

است که بدلیل ضرورت حفظ امنیت اشخاص لزوماً بام نهضت انجام نگرفته است بلکه در چهارچوب سازمانها و انجمن های اسلامی و در کنار سایر برادران مسلمان که عضو نهضت نبوده اند انجام گرفته است از قبیل تشکیل جبهه ملی در آمریکا و اروپا (۱۳۴۰ تا ۴۳) و انتشار روزنامه ایران آزاد (که از زمان تاسیس در ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ مسئول آن برادر مجاهد شهید دکتر علی شریعتی بوده است. مقالات دکتر شریعتی در این دوره عموماً بنام مستعار شمع آمده است). و «مجله «اندیشه جبهه»، ماهنامه ۱۶ آذر تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا-اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا انتشار مجله مکتب مبارز و تاسیس سازمان جوانان مسلمان دفتر پخش کتاب (مسئول توزیع کتب اسلامی و نوارهای اسلامی و هم چنین ترجمه و توزیع بسیاری از آثار شریعتی، بازرگان و مطهری را انجام داده است).

نهضت آزادی ایران در خارج از کشور از همان سالهای ۱۳۴۱، از زمانی که مرحوم دکتر شریعتی با مجاهدین الجزایری و نشریه «المجاهد» مربوط شده بود، بدنیاال تهیه امکانات و تدارکات جهاد مسلحانه در ایران بوده است. و بدنبال چنین برنامه ای بود که برخی از اعضای نهضت ماموریت یافتند و به الجزایر و مصر سفر کردند. مرحوم آیت الله طالقانی و رحیم عطائی و برخی دیگر از اعضای شورای مرکزی نهضت در ایران نیز در جریان این مذاکرات و تماسها و تدارکات قرار داشتند.

این فعالیت ها بالاخره منجر به تهیه امکانات جدیدی در خاورمیانه و استقرار شبکه های نهضت در عراق و لبنان گردید. با شروع کار مجاهدین در ایران این امکانات مستقل متوقف گردید. بسیاری از دستاوردها در اختیار آنان گذاشته شد. از جمله اولین و کاملترین نشریه آموزش مواد انفجاری و اصول سازماندهی مخفی، استراتژی و تاکتیک در جنگ های چریکی و «اصول رمز نویسی» و... توسط نهضت تهیه و در سطح محدودی توزیع گردید.

اعضاء و طرفداران نهضت آزادی در خارج از کشور در تظاهرات ضد رژیم از سال ۱۳۴۰ به بعد مرتب شرکت و حضور داشته اند. وسیع ترین این تظاهرات یکبار در خرداد ۱۳۴۴، بمناسبت سفر شاه بآمریکا، که مصادف بود با

سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد صورت گرفت و با افشای وسیع جنایات شاه همراه بود.

باردومی که تظاهرات وسیع و گسترده بود، بمناسبت آخرین سفرشاه در نوامبر ۷۸ به آمریکا بود که زد و خورد و درگیری با پلیس آمریکا رخ داد. مسئول این تظاهرات سازمان جوانان مسلمان بود و به تبعیت از رهنمودهای امام که مسلمانها حتی برای سقوط شاه هم حاضر نیستند با مارکسیست‌ها همکاری کنند، تظاهرات سازمان جوانان مسلمان مستقل از تظاهرات گروههای وابسته به کمونیست‌ها صورت گرفت. و برای اولین بار فریادهای الله اکبر جوانان مسلمان در خیابانهای دشمن هویت انقلاب اسلامی ما را بدینا نشان داد.

رهبران و فعالین نهضت آزادی ایران در خارج از کشور با امام امت در تماس دائم و مستقیم بوده‌اند و مرتباً از رهنمودهای ایشان استفاده میکرده‌اند.

متن نامه‌ای که نمایندگان نهضت آزادی ایران در خارج از کشور در آبان ۱۳۴۴ در ملاقات حضوری خود به حضرت آیت الله خمینی تسلیم نمودند

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی دامه برکاته

اعضاء و اصحاب نهضت آزادی ایران که هم چون سربازانی آماده و هشیار همیشه در صفوف مقدم جنبش بزرگ فکری مردم مسلمان مین ما علیه استبداد و استعمار می‌جنگند، انتقال حضرت آیت الله را از تبعیدگاه ترکیه به جوار ائمه اطهار تبریک میگویند.

ما نمی‌توانیم این انتقال را بعنوان آزادی آن رهبر عالیقدر بپذیریم چه هم تبعید و هم انتقال برخلاف اراده و تمایل آن حضرت صورت پذیرفته است و نقض آشکار کلیه اصول و موازین اسلامی و قوانین بین‌المللی و مفاد قانون اساسی ایران می‌باشد.

ما این انتقال را بعنوان عقب نشینی دشمن در برابر قدرت متحد و یکپارچه تمام مردم مسلمان ایران و مبارزین راه آزادی بخصوص علمای مجاهد میدانیم و

معتقدیم پیروزی نسبی در یک مرحله از مبارزات دامنه‌دار ملت ما می‌باشد و این پیروزی ارزش آنرا دارد که از آن درس‌های عملی در مفهوم «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» بگیریم و مورد توجه و رهنمون فعالیت‌های حال و آینده خود قرار بدهیم.

ما معتقدیم پرچم مبارزه‌ای را که روحانیت در ایران برهبری آن زعیم عالیقدر برافراشته است، صفحه جدیدی در تاریخ مبارزات ملت گشوده است. استعمار سیاه برای حفظ سلطه و نفوذ خود همیشه مانع از آن بوده است که نسل جوان ما بدرستی تاریخ واقعی ملت ما را بشناسد و بعمق و عظمت و طرز فکر و آئین اسلامی آشنا شود. بی‌جهت نیست که قیام و جنبش روحانیون و آن حضرت این چنین طوفانی در کشور ما برپا ساخته است و ارکان استبداد و استعمار را بلرزه در آورده است. اکنون جنبش ملت ما بتدریج می‌رود تا با اسلحه عقیده و ایمان مجهز شود و از یک حالت انفعالی و احساساتی بدرآمده و عمق و اصالت بیشتری بگیرد.

دشمن در گرداب سقوط دست و پا می‌زند هر روز گروه جدید و افراد جدید و تعداد بیشتری را توقیف می‌کند. بزندان می‌اندازد زجر می‌دهد — تبعید می‌کند — اما مبارزه هم چنان ادامه دارد...

نهضت آزادی ایران در خارج از کشور در تمام طول مدت تبعید آن حضرت از یک طرف کوشید و توانست تا از طریق تکثیر و ترجمه بیانات آن حضرت و تماس با مقامات بین‌المللی بخصوص کشورهای اسلامی و مصاحبه‌های مطبوعاتی افکار عمومی دنیای اسلام و جهانیان را بحقیقت مبارزات ملت ایران متوجه نموده و دشمن را رسوا سازد و از طرف دیگر کوشید که با کشف محل تبعیدگاه بانجام و وظائفی که در این مورد برعهده خود حس می‌کرد قیام نماید — مناسبانه کوشش‌های مکرر بی نتیجه ماند — تلگرافات ما به تبعیدگاه بدست آن حضرت نرسید. نامه‌ای را که چند ماه قبل تقدیم داشته بودیم بنا بعلل مشهودی نگذاشتند بحضرت آیت الله برسد.

اکنون که از برکت مجاورت با ائمه اطهار (ع) چنین فرصتی نصیب ما شده است و میتوانیم مستقیماً از راهنمایی‌ها و ارائه طریق‌های مدبرانه آن رهبر و مجاهد عالیقدر برخوردار شویم از فرصت استفاده کرده و آمادگی خود را برای ادامه مجاهدت و مبارزات در راه آزادی ملت مسلمان خود باطلاع می‌رسانیم و یقین داریم از پشتیبانی و راهنمایی‌های مغتنم آن پیشوای بزرگ پیوسته برخوردار

خواهیم بود.
والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا

والسلام علی من اتبع الهدی
نهضت آزادی در خارج از کشور
۱۳۴۴/۸/۲۵

پیام نهضت آزادی ایران به امام خمینی در مرداد ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحيم
فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما
پیشگاه مبارک رهبر عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی
دامه برکاته العالیه
پس از عرض سلام و تحیات

خاطر آنمقام عزیز و عظیم مستحضر است که نهضت آزادی ایران از بدو تأسیس و در طول سالیان دراز مبارزه همواره از هواداران قاطع راه و رسم آنحضرت بوده است و تحت زعامت آنمقام از هیچ فداکاری فرو گذار نکرده است و نیز در طول این مدت سعی بر این داشته و با توفیق الهی موفق هم بوده است که خطوط اساسی و راه و رسم اسلامی را در تمامی ابعاد این آئین الهی جهت و هدف مبارزه خود قرار دهد. و بدان نیز عمل کرده است و انشاء الله خواهد کرد. و در طول دوران جدید مبارزه نیز چه در داخل و چه در خارج در خط کلی تعلیمات و رهبری آنحضرت قدم برداشته و بر میدارد.

همچنین خاطر مبارک مستحضر است که اعضاء نهضت آزادی ایران طی سالیان گذشته با مایه گذاشتن تمامی اوقات ربکار گرفتن جمیع امکانات خود در راه اعتلای کلمه حق و احقاق منویات آن وجود عزیز قامت زیر بار استبداد و فاشیسم سلطنتی خم نکرده و مرد و مردانه پرچم پرافتخار تشیع را بردوش پرتوان خود همچنان برافراشته نگاه داشته اند.

نهضت آزادی ایران جلسه فوق العاده ای با شرکت اعضاء شورای

مرکزی خود در اروپا و آمریکا تشکیل و به بررسی اوضاع ایران عموماً و بیانیه‌ها و سخنرانی‌های آن قائد بزرگ خصوصاً پرداخت و جلسات مذکور تا سه روز ادامه یافت. آنچه از همه چشمگیرتر می‌نمود دعوت آن رهبر بزرگ در تمامی اعلامیه‌ها و سخنیرانیها به وحدت کلمه روحانی با دانشگاهی و روحانیون با سیاسیون و هر دو با سایر اقشار مردم چه در داخل و چه در خارج و برابری و برادری در مبارزات همگانی و بی‌امان ملت ایران است و نیز هشدارهای مکرر در تمامی نطقها و بیانیه‌ها به شیطنت شیطانهای مذهبی و سیاسی یعنی وعاظ السلاطین مداحین ظلمه «وجل جلاله گوها» و معدودی از سیاسیون که برخلاف مسیر اصلی مبارزات مردم ستم‌دیده ایران دست در دست اول گذاشته و به حفظ شاه پرداخته‌اند و هرچند صباحی یکباردم از مسائلی می‌زنند که هیچ سودی جز نگهداری شاه از هجوم بحق مردم ایران ندارد. پیش کشیدن قانون اساسی، انتخابات آزاد، آزادی قلم و بیان و سایر مسائل عارضی و سطحی و جزئی تنها بعد از سرنگونی شاه و روی کار آمدن نیروهای اصیل اسلامی میسر خواهد شد. بنابراین در شرایط فعلی که ملت در زیر پنجه‌های خون‌آشام شاه بسر می‌برد طرح اینگونه مسائل بمنظور تثبیت حکومت شاه و یا تثبیت نظام سلطنتی از جمله مسائل انحرافی است و باید شدیداً از آن جلوگیری کرد.

چیزی که ما را بر آن داشت تا اقدام به این عریضه نماییم اینست که اجمال بند اول اعلامیه ۲۱ شهر یور شعبان المعظم ۹۸ به این دو دسته مجال سوتعبیر و سواستفاده‌هایی داده است که امید است حضرتعالی به روشن شدن آن اقدام فرمائید.

همان معدود افراد سیاسی با تبلیغات سؤ خود ذهن بقیه برادران مذهبی و فداکار غیر روحانی که شرحشان در ابتدا گذشت مشوب کرده که خدای نخواستہ مورد حمله حضرتعالی واقع شده‌اند و نیز وعاظ السلاطین را تحریک نموده تا در گوشه و کنار مقاصد این معدود را که چیزی جز کند کردن چرخ انقلاب نیست پیاده نمایند.

لذا استدعای شورای عالی نهضت آزادی در اروپا و آمریکا از آن مقام ارجمند آنست که توضیح لازم را در این مورد مرقوم فرمائید تا ما بتوانیم بسهم

خود و با تمامی قدرت و امکانات بسان گذشته رژیم را خلع سلاح کرده و مردم مسلمان و بیدار ایران را از نظریات واقعی و جامع آنحضرت مطلع نمائیم تا از پرتو این روشننگری راه امکان سوءاستفاده بفرصت طلبان مسدود گردد.

نهضت آزادی ایران خارج از کشور

اروپا - آمریکا

۵ رمضان ۹۸ = ۱۹ مرداد ۵۷

امام بعد از دریافت این پیام و اطلاع از این توطئه نابخردان و دشمنان در پیامی به نهضت آزادی ایران، ضمن تشکر و قدردانی از زحمات افراد نهضت آزادی ایران در داخل و خارج کشور مسئله را کاملاً روشن ساختند که مورد نظر امام در بند اول از اعلامیه ۲۱ شعبان ۹۸ نهضت آزادی ایران نمی باشد. متن پیام امام به نهضت بقرار زیر است:

پیام امام خمینی به نهضت آزادی ایران خارج از کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

نهضت آزادی ایران خارج از کشور اروپا - آمریکا

پیام شما فرزندان اسلام ایدکم الله تعالی را مبنی بر وفاداری به اسلام و تذکرات طاق فرسای چندین ساله آنان در راه اهداف عالی اسلام که ضامن استقلال و آزادی ملتهاست دریافت نمودم و موجب کمال تشکر گردید.

از خداوند تعالی توفیق و تأیید گروهها یا اشخاصی را که برای اسلام عزیز و مسلمین ستمدیده فداکاری میکنند و عمر خود را در راه حق و رسیدن به هدف اسلامی و انسانیّت صرف میکنند خواستارم و علاقه خود را بتمام گروههای آنان اعلام میدارم. امروز که ملت‌های ستمدیده در سراسر ایران بخود آمده اند و ملت بزرگ ایران با نهضت عظیم خود مجال بر شاه و دارودسته اش تنگ نموده اند وقت آن نیست که عمر خود را در مناقشات جزئی صرف نموده و گوش به تبلیغات مضره بعضی از منحرفین دهیم. امروز که شاه با آتش سوزی و ویرانگری مبارزات حق طلبانه ملت ما را میخواهد بدنی بد جلوه دهد بر ما و

شماست که بدون فوت وقت نقشه شیطانی او را در جهان فاش کنیم و نگذاریم نهضت اسلامی انسانی را با بوقهای تبلیغاتی لکه دارکنند امروز که ما بحمدالله قدم به قدم به هدف نزدیکتر میشویم باید همه را به اتحاد و برابری و برادری دعوت کرده و نقاط حساسی را که مردم بخاطر آن خود را جلورگبار گلوله شاه قرار میدهند، نشان دهیم. امروز باید افراد محترم نهضت آزادی ایران در داخل و خارج و جمیع جناحهای اسلامی ایده‌م الله تعالی بدون از دست دادن فرصت دست در دست یکدیگر نهاده و در این امر حیاتی که برچیده شدن رژیم پهلوی است، مبارزه و بدون مناقشات ملت را بسوی هدف نهائی که ایجاد حکومت اسلامی است هدایت نمایند. امروز سستی و سردی و سرگرم شدن بمسائل جزئی انتحار است انتحاری فضاحت بار خطر به قدرت رسیدن شاه از اختلاف و سستی گروهها خطری نیست که بتوان همه ابعاد آن را پیش بینی کرد. خطر سقوط یک ملت بزرگ و اسلام عزیز است اینجانب با تمام طاقت در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و میکنم و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم که هستی ملت بدان پیوسته است استمداد مینمایم. مطالعه مبارزات آزادیبخش ملت‌های دربند و کشتارها و شکنجه‌ها و زحمات طاقت فرسای آنان هشدار است به ملت شریف ایران که نتیجه مبارزات دینی و ملی آنان فوری و سریع نیست. نهضت ایران تا پیروزی که مسلماً از آن ملت شجاع است ادامه خواهد داشت و بر شماست که این مطلب را هرچه زودتر به ملت برسانید:

مرقوم شده بود که در بند اول اعلامیه ۲۱ شعبان ابهامی است که آلت دست بعضی از افراد مغرض شده است. باید متوجه باشید که آن بند بدنبال مطالبی بود که نهضت ایران را غیر اسلامی معرفی میکرد و دانسته یا ندانسته ملت را از آن جدا مینمود و زحمات چندین ساله همه را بنفع شاه هدر میداد. در این مورد خطیر من مکلف بودم اشتباه آنان را گوشزد نمایم و پایه‌های اساسی مبارزه ایران را نشان دهم. لذا صریحاً اعلام میدارم که این بند مربوط بکسانی است که نهضت اصیل ایران را به امر سیاسی غیر اسلامی ترسیم مینمایند که نتیجه اش حفظ شاه است نه کسانی که در نوشته‌ها و

مصاحبات ۱۰ خود شاه را محکوم و ایران را بر سر دوراهی «آزادی» یا «شاه» قرار میدهند و نه کسانی که در طول مبارزات در نوشته‌ها و سخنرانیهای خود پیوستگی و همگامی خود را با اسلام و انزجار و تبری خود را از رژیم منحط پهلوی اعلام نموده‌اند چنانچه در اکثر نوشتجات خود بدان تصریح نموده‌ام.

از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین و توفیق همگی را خواستارم

۱۶ شهر صیام ۹۸

روح الله الموسوی الخمینی

* (۱) اشاره به مصاحبه مهندس بازرگان با خبرنگار بلژیکی است در اردی بهشت ۵۷ که آخرین سؤال و جواب در آن مصاحبه بشرح زیر است:

سؤال: بنابراین بنظر شما بین رژیم فعلی و آزادی سازگاری وجود ندارد؟

جواب: کاملاً همین طور است بایستی یکی از ایندو فدای دیگری شود. یکی از این دو باید خود را فدای دیگری کند تا هنگامیکه اعلیحضرت در این مملکت هست ایران روی آزادی را نخواهد دید.

بیاد
طالبانی
عطائی
شریعتی
از
مؤسسین
نہضت
آزادی
ایران

درمیان همان شب دیجور طغیان که استعدادها خفته و پوشیده می شود دل‌هایی می تپد و ناله‌هایی از رنج و آرزو و امید و حرمان بلند است.... از ناله‌های نهانی و آهسته فریاد و آتش برآید و از قطرات خونیکه در راه خیر و حق ریخته شده نهرهای حیات جاری شود و از اشک‌هایی که بردامن زمین ریخته شکوفه‌های زندگی بردمد، چنانکه از درون ظلمت فجر رخ می نماید و در پی سوز زمستان نسیم بهار می وزد و پس از خفتگی و پژمردگی بوته‌ها و سبزه‌ها شکوفان میشوند.

آیت الله طالقانی — تفسیر سوره فجر



بیاد

معلم انقلاب

پدر طالقانی

(۱۲۸۲ - ۱۳۵۸)

طالقانی مبارز نستوه بایاران شجاع و پرتوان خود نهضت آزادی ایران را بنیان گذاشتند و اینک در بیستمین سال نهضت یاد آن رادمرد بزرگ را گرامی میداریم و ضمن فهرستی از مبارزات بی امان او عین نامه مهندس بازرگان را به علما و مراجع عظام درباره محکومیت مجدد ایشان از نظر میگذرانیم* که یادآور زندگی پر رنج و فشار آن مجاهد کبیر باشد که در تمام عمر خود دمی از مبارزه با استبداد پهلوی و استعمار شرق و غرب نیاسوده و برای ایران و ایرانی افتخار آفریده. اینک شرح مختصری از مجاهدات این مجاهد راستین:

سال ۱۳۱۸ - مبارزه با دیکتاتوری رضاخان و گرفتاری و زندان به اتهام

توهین بمقامات عالیه

• به صفحه ۷۵ رجوع کنید

شهر یور ۱۳۲۰ بعد - شروع به تفسیر قرآن و آموزش جوانان و شیفتگان حقیقت در داخل و خارج زندان.

سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ - شرکت در مبارزات ملت ایران علیه استعمار انگلیس در کنار دکتر محمد مصدق رهبر برگزیده ملت.

سال ۱۳۳۲ - تأسیس «نهضت مقاومت ملی» همراه با سایر مبارزین راستین و دستگیری و زندان بخاطر ارتباط با فدائیان اسلام.

سال ۱۳۴۰ - تأسیس «نهضت آزادی ایران» باتفاق برخی از یاران نهضت از جمله آقایان مهندس بازرگان و دکتر سحابی با ایدئولوژی اسلامی و هدف مبارزه مستقیم علیه استبداد و مظهر مزدور استعمار.

سال ۱۳۴۱ - (اول بهمن قبل از فراندوم کذائی) دستگیری و زندان همراه سایر سران نهضت آزادی و جبهه ملی و دانشجویان.

سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ - محکومیت ۱۰ ساله در بیدادگاه شاه

سال ۱۳۵۰ - (در پایان جشنهای ۲۵۰۰ ساله دیکتاتوری) تبعید بمدت

۳ سال در زابل که بعداً به ۱۸ ماه در بافت کرمان تبدیل شد.

سال ۱۳۵۴ - به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و حمایت از سازمان

مجاهدین خلق دستگیر و پس از ۲ سال تحمل انواع ناراحتیها و شکنجه‌ها به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

سال ۱۳۵۷ - آزادی از زندان بر اثر مبارزات پیگیر ملت ایران و فشار افکار

عمومی جهان.

۱۳۵۷ - عضو رئیس شورای انقلاب اسلامی تا شهر یور ۱۳۵۸

۱۳۵۸ - سفر به کردستان برای حل مسالمت آمیز تصفیه کردستان

- انتخاب از طرف مردم تهران برای مجلس خبرگان

- برگزاری نماز وحدت آفرین جمعه در دانشگاه تهران با شرکت میلیونها نفر از

مردم

۱۹ شهر یور ۱۳۵۸ - اجابت دعوت حق - شتاب بسوی لقاء الله.



یادی از رحیم عطائی

تولد ۹۸/۱۲/۲۸
درگذشت ۵۶/۵/۹

رحیم عطائی یکی از دلاور مردانی بود که نقش عمده و تعیین کننده‌ای در یکی از سرفصل‌های تاریخی جنبش ملی ما داشت و در سالهای خونین و خفقان بعد از کودتای ننگین و خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در شرایطی که کلیه مبارزین و احزاب چپ و راست سرکوب و خاموش شده بودند شجاعانه با مبارزین راستین دیگری جمعیت زیرزمینی «نهضت مقاومت ملی» را بنیان گذاشت و بعنوان حلقه‌ای در زنجیره مبارزه حرکت را استمرار بخشید و در این راه تحمل اسارت و محرومیت نمود و با ایمان و عمل خود پرچم استقلال را سرسختانه برافراشته نگه داشت.

نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۹ با ادغام در نهضت آزادی ایران رسالت خود را بشکل تازه‌ای آغاز کرد و بار امانت را با همکاری پیشگامان دیگر بدوش کشید.

رحیم عطائی در نهضت آزادی ایران نیز بعنوان مسئول کادر سیاسی، دانش سیاسی و بینش دقیق از مسائل سیاسی روز را به جوانان تعلیم میداد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. از جمله شاگردان صادق او شهدای بزرگ قرن ما چون محمد

حنیف نژادها، سعید محسن‌ها و بدیع‌زادگان‌ها و ناصرصادق‌ها بودند که بیش سیاسی و راه تحلیل درست وقایع را از او آموخته بودند و همانها بودند که بار امانت را از امثال عطائی‌ها تحویل گرفتند و به منزلگاه رفیعی رساندند.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رحیم عطائی به نهضت مقاومت ملی که در شهر یورهمان سال بدست رادمردان مجاهدی چون علامه طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مرحوم نخشب و... بوجود آمده بود پیوست. و بزودی به عضویت شورای مرکزی و کمیته اجرائی آن درآمد. و مشول کمیته سیاسی نهضت شد. رحیم در این دوران در تعلیم سیاسی بسیاری از کادرهای جوان نهضت نقش عمده را داشته است.

پس از ۲۸ مرداد، رحیم عطائی بجرم پشتیبانی از دکت‌ر مصدق و فعالیت‌های میهنی‌اش از سمت اداری‌اش معزول و منتظر خدمت میگردد.

رحیم عطائی در سال ۱۳۳۶، در زمانیکه نهضت مقاومت ملی مورد یورش و حمله دشمن قرار گرفت، همراه با مهندس بازرگان، سحابی، طالقانی، زنجانی، شبانی، عزت سحابی، شریعتی (محمد تقی) و شهید جاوید علی شریعتی و جمع کثیر دیگری به زندان افتاد. مدت اسارت رحیم در این دوره ۸ ماه بود.

در جریان سالهای ۳۹ و ۴۰ رحیم عطائی، همراه با سایر هم‌زمانش به «تأسیس جبهه ملی دوم» همت می‌گمارد. بطوریکه بالاخره جبهه ملی در ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۹ موجودیت خود را اعلام میکند. اما عناصر ضعیف کج سلیقه و برخی

هم بیمارگونه و برخی هم مشکوک و وابسته به محافل و مقاماتی که رشد و قدرت جبهه ملی به نفع آنان نبود، دست به دست هم داده و مانع شدند که جبهه ملی بتواند رسالت و نقش تاریخی خود را بازی کند. بطوری که در شهریور ۱۳۳۹ جمعی از کادرهای نهضت مقاومت ملی، بدور هم گرد آمدند و بعد از تحلیل و بررسی اوضاع و احوال آن زمان نظریات خود را بصورت نامه سرگشاده‌ای برای «شورای جبهه ملی ایران» فرستادند. این نامه که بسیار مفصل می‌باشد تحلیل روشن و عینی از شرایط آن‌زمان داده است و نیازهای مشخصی را بیان میکند و سپس راه‌حلهای مناسب ارائه میدهد. این نامه بامضای سه نفر منجمله رحیم عطائی برای شورای جبهه فرستاده میشود. ابتکار تهیه این نامه و تحلیل مطالب عمدتاً از رحیم عطائی بوده است. انتشار این نامه هر قدر موجب ناراحتی برخی از عناصر عضو

شورای جبهه می‌گردد، با استقبال بسیار خوب جوانان مبارز در همه جا روبرو میشود. در اردیبهشت ۱۳۴۰ رحیم عطائی همراه با سایر فعالین و رهبران نهضت مقاومت ملی، تأسیس و موجودیت نهضت آزادی ایران را اعلام مینماید. در وقایع قبل از ۱۵ خرداد ۴۲، رحیم عطائی رانظیر سایر فعالین و سران نهضت دستگیر می‌سازند، اما در زندان ناراحتی قلبی رحیم که مدتها اورا زجر میداده است شدت پیدا میکند بطوریکه در تمامی مدت زندان وی در بیمارستان بستری بوده است. و بالاخره بخاطر بیماری و کسالت قلبی اش اورا ازاد می‌سازند پس از قیام تاریخی ۱۲ محرم، ۱۵ خرداد، و قتل عام هزاران مردم بی گناه و بی سلاح ما، ناراحتی های قلبی رحیم شدت می‌یابد و معالجات مکرر سودی نمیدهد بطوری که بالاخره در سال ۱۳۵۰ - حمله قلبی شدیدی بوی دست میدهد. و بدستور پزشکان از شرکت در فعالیتهای هیجان آور سیاسی محروم میگردد و بتدریج دچار ضعف و تحلیل قوای بدنی شده با اینحال تا آنجا که میتواندست وظیفه خود را انجام میداد. معالجات مکرر در داخل ایران و خارج سودی نبخشید بالاخره پس از یک عمل جراحی در راه بازگشت به ایران در شهر کانزاس سیتی - ایالت کانزاس به رحمت ایزدی پیوست.

از رحیم عطائی آثار زیادی چه در کادر «نهضت مقاومت ملی» و چه در کادر «نهضت آزادی ایران» منتشر گردیده است. و همچنین آثار منتشر نشده‌ای از آن مرحوم در دست است که نماینده بینش سیاسی و جهان بینی او می‌باشند.



یادی از
معلم
شهید
دکتر شریعتی

آذر ۱۳۱۲

خرداد ۳۵۶

در دوم آذرماه ۱۳۱۲ در دهکده مزینان، از توابع سبزوار در کنار کویر
بدنیا آمد. اولین معلمش پدرش محمدتقی شریعتی بود، وی از بنیانگذاران جنبش
نوین اسلامی است که در مکتب تربیتی عملی خود صدها «دانشجو» و دهها
مجاهد تربیت کرده است. او از علمای خراسان و اولین مربی علی بود. شریعتی
خود در اینباره میگوید:

«پدرم، نخستین سازنده ابعاد نخستین روحم، کسی که
برای اولین بار، هم فکر کردن را بمن آموخت و هم فن
انسان بودن را، طعم آزادی، شرف، پاکدامنی، مناعت،
عفت روح و استواری و ایمان و استقلال دل را، بیدرنج،
پس از اینکه مادر از شیرم گرفت، بکامم ریخت. نخستین

بار مرا با کتابهایش رفیق کرد. من از کودکی و از سالهای نخستین دبستان با رفقای پدرم، کتابهایش آشنا شدم و مانوس. من در کتابخانه او که همه زندگی و خانواده اوست بزرگ شدم و پروردم. (کوبر—صفحه ۸۸)

شریعتی در محیط فقر، و در تماس با ستم‌دیدگان و استثمارشدگان، و در شرایط سخت زندگی بزرگ شد، و زجر و ستم نظام فاسد را لمس میکرد، و در دردها و غم‌ها و حرمانهای فلک‌زده‌ها و محرومین غوطه میخورد، و تا اعماق استخوان‌هایش از ظلم و ستم میسوخت، و از صاحبان زر و زور نفرت داشت.

در دبیرستان بود که با جنبش نوین اسلامی از طریق «کانون نشر حقایق اسلامی» که مؤسس آن استاد محمدتقی شریعتی بود آشنا شد و بزودی جزو فعالین و بلکه فعال‌ترین اعضای آن درآمد. فعالیت وی در کانون، او را با جوانان و دانشجویان زیادی، که خود جزو آنان بود آشنا ساخت و از همان زمان نوشتن مقالات علمی و فلسفی را آغاز کرد. از طریق فعالیت در کانون با افکار نهضت‌خواه‌پرستان سوسیالیست آشنا شد. و سخت بدانها گرایش پیدا کرد.

همین گروه بود که بعدها با مهندس بازرگان و یارانش در سالهای قبل از ۲۸ مرداد تماس گرفتند (سال ۱۳۳۱) و طرح تأسیس یک حزب بزرگ علنی اسلامی را پیشنهاد دادند.

دوران دانشکده علی مصادف با اوج مبارزات میهنی ملت ایران برهبری دکتر مصدق بود. دکتر مصدق مظهر مبارزه و مقاومت یک ملت محروم و زجر دیده در مقابل همه استعمارگران و استثمارگران عالم بود.

صرف نظر از همه این مشکلات در فرانسه علی‌میدانهای جدیدی از فعالیت یافته بود. روح آزادی‌اندیشه آزاد او که حرکت را عین بقاء و مبارزه و جهاد را عین حیات میدانست سخت به کار و فعالیت مشغول شده بود. او که تعهد اسلامی‌اش را تنها در چارچوب مبارزات اسلامی در ایران نمی‌دیده و روح جهانی و مکتب‌عالمی اسلام را عمیقاً درک کرده بود، بزودی خود را با مردم الجزایر و جبهه آزادی‌بخش آن در رابطه یافت. این رابطه به صورت همکاری وی با جبهه آزادی‌بخش در سطح «المجاهد» ارگان جبهه بود. شریعتی فلم و استعداد خود را در خدمت رهایی مردم الجزایر از استعمار فرانسه قرارداد. بزودی وی بانویسنده‌گان و متفکرینی چون فرانتس فانون و عماراوزگان، در جنبش الجزایر آشنا شد. و با فانون دوستی تازه پیدا کرد.

همکاری شریعتی با جبهه آزادی‌بخش، سروکارش را به پلیس فرانسه کشاند. و بالاخره یکبار شریعتی، وقتی سرقرار و میعاد (درپاریس) که لورفته بود، حاضر می‌شود، مورد حمله شدید و کشنده او باش و اراذل وابسته به پلیس فرانسه قرار می‌گیرد و بعلت ضربات وارده بلافاصله بیهوش می‌شود. و وقتی چشم باز میکند خود را با دست و پاهای شکسته در بیمارستان می‌یابد. شریعتی سه هفته در بیمارستان بود تا بهبودی نسبی یافته و مرخص می‌شود.

شریعتی در طی اقامت‌اش در فرانسه، با نویسندگان بزرگی همچون پرفسور لوئی ماسینیون (استادش) شوارتز، سارتر، هانری لوموز، کوکتو آشنا می‌شود، و فلسفه غربی و علم جامعه‌شناسی می‌آموزد، و از بهترین شاگردان آنها بشمار می‌آید و در تحقیقات علمی بعضی از آنها شرکت می‌کند و از نظر علمی و تحقیقی بین دانشجویان و استادان شهرتی کسب می‌کند، او با جامعه‌شناس معروف، گوروویچ که افکار پیچیده‌اش همه را بغض درآورده بود آشنائی دقیق و کامل داشت و همه او را گوروویچ‌شناس مینامیدند، و از مریدان و خواص گوروویچ و شیفتگان فکری او بحساب می‌آوردند، و برای رفع مشکلات درسی خود در درس این استاد، به علی شریعتی مراجعه می‌کردند.

مصاحبه

با

سخنگوی

نهضت

آزادی

ایران

نهضت آزادی ایران و دولت موقت:

س — آیا دولت موقت یک دولت نهضتی بود؟ اصولاً نقش نهضت آزادی ایران در دولت موقت چه بوده است؟

ج — نهضت آزادی ایران، بعنوان یک سازمان نقشی در دولت موقت نداشته است. و دولت موقت یک دولت نهضتی نبوده است.

س — ولی می گویند که اکثریت اعضای دولت موقت عضو نهضت آزادی ایران بوده اند؟

ج — خیر چنین نیست. اینکه عده‌ای از اعضای دولت موقت از نهضت آزادی بوده اند درست است. اما آنها در اقلیت بوده اند نه اکثریت. بعلاوه آنها به صفت عضو نهضت در دولت شرکت نداشتند. و در تمامی مدتی که در دولت بانجام وظایف مشغول بودند، هیچگونه فعالیت گروهی و نهضتی نداشتند و در برابر نهضت آزادی تعهدی تشکیلاتی هم نداشتند.

اصولاً شما باید بدانید وقتی امام نخست وزیر دولت موقت را به آقای مهندس بازرگان پیشنهاد و تکلیف کردند و ایشان هم آنرا پذیرفتند، چند شرط قائل شدند. شرط اول این بود که دولت صیغه گروهی و حزبی نداشته باشد. یعنی وزرا تنها از نهضت آزادی نباشد. بلکه از همه گروه‌ها و دستجات موجه ملی و اسلامی باشند. توصیه امام، عبارت دیگر، یک دولت ائتلافی بود نه یک دولت یک دست و نهضتی. شرط دوم آن بود که کسانی که به عضویت در دولت (و شورای انقلاب) دعوت می‌شوند در مدت اشتغال به آن سمت‌ها، حق فعالیت حزبی و گروهی را ندارند. اعضای نهضت این شرط را پذیرفتند و شاید تنها گروهی بودند که در مدت اشتغال به کار در دولت موقت هیچگونه فعالیت حزبی نداشتند و ننمودند. بنابراین نه دولت موقت دولتی نهضتی بود و نه اعضای نهضت شاغل در دولت موقت در آن دوره مسئولیت حزبی داشتند و اصولاً شدت کار و گرفتاری‌ها در آن زمان آنقدر بود که دیگر وقت و فرصتی برای کارهای حزبی و گروهی برای کسی باقی نمی‌گذاشت.

س — شما گفتید که در دولت موقت اعضای نهضت آزادی حتی اکثریت را هم نداشتند. اما گفته شده است که: «نهضتی‌ها انحصارطلب هستند. حرفهای امروزشان با مواضع دیروزشان خیلی فرق دارد و دروغ میگویند!» به نهضتی‌ها ایراد گرفته‌اند که: «دولت موقت از اجزاء نهضت آزادی بچه کوچکهای غیرمکلف خود را سرکار می‌گذاشتند؟» و یا اینکه: «نهضت آزادی‌ها هر چه استاندار و وکیل و وزیر داشتند از خود می‌گماردند».

ج — ما نهضتی‌ها قرار نداریم باین گونه حرفها و دروغها جواب بدهیم. و جز اظهار تأسف در مورد گویندگان آن چیزی بر روز نمی‌دهیم. مردم باید قضاوت کنند که چه کسانی دائم موضع عوض میکرده‌اند قبل از انقلاب چه می‌گفتند حالا چه می‌کنند؟ نهضتی‌ها معروفند به صداقت. بهتر است از گویندگان این کلمات خواست که نهضت آزادی کدام بچه غیرمکلف را سرکار گذاشته بود! مشخصات آنرا بدهند با وجود جنجال که نمی‌شود مردم را فریب داد! بجای این نوع شعارهای عامیانه بهتر است اسامی وزراء و استانداران زمان دولت موقت را بنویسید و ببینید که چندانای آنها نهضتی بوده‌اند. بعد لیست وزراء و استانداران کنونی را هم بنویسید و وابستگی‌های سیاسی آنها را معین کنید. نتیجه خود بشما نشان میدهد انحصارگران چه کسانی هستند. یکی از ایرادات خود آقایان به دولت موقت این بود که هماهنگ و یک دست نبوده است. و از افتخارات دولت کنونی را یک دست بودن آن میدانند! چگونه است که بنا بادعای این آقایان در زمان دولت موقت هر چند وزیر و وکیل و استاندار بود همه از نهضت آزادی بودند ولی معذالک باز یک دست نبود! معلوم است که این ادعاهای اینان چقدر بدور از حقیقت است.

ضمناً می‌دانید که در زمان دولت موقت هنوز مجلسی در کار نبود تا وکیلی در کار باشد تا نهضت هر چه وکیل است از خودش بگذارد ضمناً برای اینکه بدانید نهضتی‌ها انحصارطلب و خود محور بین نیستند لیست نامزدهای انتخاباتی گروه همنام در تهران را با لیست «ائتلاف بزرگ» مقایسه کنید.

نهضت آزادی و مبارزه با شاه

س — حزب توده لبه تیز حمله خود را متوجه نهضت آزادی ایران

نموده است. در گزارش هیئت سیاسی به پلنوم (نامه مردم ارگان حزب توده- ۲۲ فروردین ۶۰) حزب توده، نهضت آزادی را جزو جناح «هواداران سلطنت مشروطه و رژیم سلطنتی مشروطه» قلمداد شده است که نمی خواستند شاه برود! نظر نهضت آزادی در این مورد چیست؟

ج - رهبری حزب توده ایران به غوغاسالاری و ایجاد جنجال و هیاهو و تهمت و افتراء عادت دارد. گوئی بودنش ملازمه دارد با جوسازی و اتخاذ روشهای تخریبی. و اینهم تازگی ندارد. همه ما بیاد داریم که حزب توده در حالیکه در پناه تانکهای روسی تظاهرات براه انداخته بود و خواستار واگذاری قرارداد نفت شمال بروسها و نفت کرمان و بلوچستان به آمریکائی ها بود تا «موازنه» برقرار شود با تر ملی شدن نفت مخالفت کرد. زشت ترین و بی اساس ترین تهمت ها را به مصدق وارد می ساخت. او را گاهی منتسب به فراماسون و گاهی آمریکائی معرفی میکرد. دانشجویان مسلمان را پان اسلامیت هائی که از سفارت آمریکا کمک در یافت می کنند قلمداد می نمود هر کس را که با خودشان موافق نمی دیدند لاجرم برجسیبی می زدند! اما نتیجه اش چه شد؟ بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ و بعد از آنکه هزاران جوان پاک باخته را به زندان ها روانه ساختند و یا به مسلخ کودتاگران فرستادند تازه چه کردند؟ تنها به اشتباه و گناهان خود اعتراف نمودند!! آیا کافی است!

رهبران حزب توده حتی در آن روزهای سیاه خفقان بعد از کودتای ۲۸ مرداد نیز دست از این کجروی ها برنداشتند. با وجودی که خیلی اصرار داشتند که با نهضت مقاومت ملی، همکاری کنند و اعلامیه های مشترک بدهند، اما در حالیکه مصدق در سلطنت آباد محاکمه میشد حاضر نشدند شعار بازگشت حکومت دکتر مصدق را به پذیرند و عذر آوردند که حزب توده حزب طبقه کارگر است، مصدق نماینده بورژوازی لیبرال. حزب طبقه کارگر نمی تواند شعار بازگشت حاکمیت بورژوازی لیبرال (ملی) را بدهد و اصل همکاری را برهم زدند بعدها وقتی کودتاگران پایه های قدرت خود را محکم کردند و حضرات سمبه را پرزور دیدند، برخی از آن رهبران توبه نامه برای شاه فرستادند و عتبه را بوسیدند و بوساطت ابراهیم حکیم الملک معروف از مرگ نجات یافتند و برخی هم فرار را برقرار ترجیح دادند و برخی از یاران پابرجای خود را که حاضر به خروج از صحنه نبرد نشده بودند نظیر خسرو روزبه یکه و تنها رها ساختند و امروز هم آنها با انبانی از ادعا به ایران برگشته اند و چه برمدعا برگشته اند تصور نکنید این قبیل تهمت ها را فقط نثار نهضت آزادی می کنند. رهبران حزب توده حتی به همسنگران خود در حزب نیز

همین برجسب‌ها را می‌زنند. حتی به خسرو روزبه. شما لابد نامه سرگشاده دکتر فریدون کشاورز عضو برجسته کمیته مرکزی حزب توده ایران را خوانده‌اید. دکتر کشاورز که خود از رهبران حزب بوده است درباره علل استعفای خود از حزب می‌نویسد:

«در ماه مه ۱۹۵۸ در مهاجرت در مسکو، یعنی بیست سال پیش روز بعد از اعدام رفیق ما خسرو روزبه (۱۱ ماه مه ۱۹۵۸) من از کمیته مرکزی حزب توده ایران استعفا دادم و نوشتم که من از عضویت در این کمیته ننگ دارم. یکی از عللی که مرا به این استعفا وادار کرد و در حقیقت قطره‌ای که کاسه صبرم را لبریز کرد توهین و تهمت‌هایی بود که کام‌بخش و کیانوری در راهروهای پلنوم پنج حزب، هنگامیکه ما خبر توقیف رفیق روزبه را دریافت کردیم نسبت به روزبه ابراز داشتند.»

اما از تهمت‌های حزب توده که بگذریم آیا نهضت آزادی ایران یک سازمان سلطنت‌طلب بوده است؟ هرگز. نهضت آزادی ایران یک سازمان تازه تشکیل یافته نیست که بعد از ۲۲ بهمن انقلابی یا مسلمان شده باشد. نهضت آزادی ایران به لحاظ سازمانی یک سابقه بیست ساله دارد (اردیبهشت ۱۳۴۰) که قبل از آنهم بعنوان نهضت مقاومت ملی در سالهای ۳۲ تا ۴۰ علیه استبداد محمدرضا مبارزه میکرده است و از طرفی به لحاظ حرکت اسلامی نیز یک سابقه تقریباً چهل ساله دارد. یعنی سابقه مبارزات و فعالیت‌های این جریان، موسسین و رهبران نهضت آزادی ایران، نظیر بازرگان و سحابی و مرحوم طالقانی به سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ برمیگردد.

روش‌ها و عملکردها و افکار این افراد در معرض دید و قضاوت همگانی قرار دارد. چنین اتهامی به این افراد نمی‌چسبد. علاوه برای بطلان این نظر کافی است که به اسناد نهضت مقاومت ملی ایران و نهضت آزادی ایران رجوع شود. این اسناد در دسترس هستند. اسناد محاکمات سران و فعالین نهضت آزادی در دادگاه عشرت‌آباد وجود دارد.

سرهنگ فخر مدرس، دادستان دادگاه نظامی عشرت‌آباد در اداغانامه‌ی خود علیه سران و موسسین و فعالین نهضت آزادی ایران نوشت:

«نوع... و انطباق با قانون عمل سه نفر متهمین شماره ۱ و ۲ و ۳ جزو موسسین جمعیت نهضت آزادی میباشد و این جمعیت مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران میباشد و هم چنین عمل متهمین ردیفهای ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ از جهت عضویت مزبور جنائی منطبق با بند یک از ماده یک قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت و از جهت اهانتهای مکرر و گستاخانه نسبت به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی میباشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده ۲ الحاقیه با اصول محاکمات جزائی مورد تقاضا است و تاریخ و محل وقوع جرم تهران، ماه اردی بهشت ۱۳۴۰ از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی ضمناً پرونده بنام افرادی که پرونده آنان تا کنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده اند مفتوح است».

در همین اذعاننامه دادستان، در بخش «گردش کار» پرونده فعالیت های نهضت آزادی را از زمان تاسیس نهضت مقاومت ملی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد بررسی قرار داده است. و می نویسد:

«ولی بعد از مدتی مجدداً جمعی از آنان بطور مخفیانه گردهم جمع شده و دست به تشکیل سازمانی بنام نهضت مقاومت ملی زدند... و از جمله افرادی که در نهضت مقاومت ملی فعالیت شدید و حاد داشتند جناحی بودند که بوسیله آقای مهندس بازرگان اداره میگردید.»

س - آیا از اسناد نهضت مقاومت چیزی در دسترس هست؟ و اگر هست آیا می توانید نمونه هائی در این مورد ذکر کنید.

ج - متأسفانه اسناد نهضت مقاومت ملی بطور کامل جمع آوری نشده اند. اما ما مشغول جمع آوری آنها هستیم. بعضی از اوراق و نشریات جمع آوری شده اند، که من از آنها نمونه هائی را مثال می زنم.

در نشریه «مصدق - شماره ۵ مورخه ۴شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۳» در اعلامیه «کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی مورخه ۳۳/۲/۱۸ می خوانیم که:

«ملت ایران طی نه ماه مبارزه با تحمل حبس و زجر و شکنجه و انواع محرومیت ها نه تنها توانسته است نقش دشمن را خنثی سازد بلکه کوس رسوائی و بی آبرویی این دولت مزدور و حامیان خیانت پیشه آن را در سر هر کوی و بازار دنیا بصدا درآورد، بطوریکه امروز دولت شاه، زاهدی، در بیلان عملیات ۹ ماهه خود جز شکست و رسوائی نزد داخلی و خارجی، تنفر و انزجار شدید ملت ایران چیز دیگری مشاهده نمی کند.»

در حالیکه برخی از دشمنان کنونی نهضت آزادی، سرلشکر زاهدی کودتاچی را «سردار ملی» و کودتا را «قیام ملی» میخواندند و برخی از مقامات تلگرافات تبریک جهت شاه و زاهدی ارسال داشتند، کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی در ۳۳/۲/۱۸ نوشت:

«نهضت مقاومت ملی سرلشکر بازنشسته فضل الله زاهدی را خائن می داند که به دستور بیگانگان و دستکاری در بار وعده ای از دشمنان شناخته شده ملت مأمور از بین بردن نهضت مقدس ملی و هموار ساختن راه سلطه مجدد بیگانگان بر سیاست و اقتصاد ایران می باشد.»

این چنین موضعگیریهایی نسبت به دربار و شاه و حامیان خارجی اش در تمام نشریات نهضت مقاومت ملی و سپس در نشریات نهضت آزادی دیده می شود.

لابد برغم رهبری حزب توده بیدادگاههای نظامی شاه برادران نهضت آزادی ایران را بخاطر «طرفداری از سلطنت» محاکمه کرد و به حبسهای طویل المدت محکوم ساخت!!

س - پس چرا حزب توده این حمله را به نهضت می کند؟

ج - رهبری حزب توده، برای سر بوش گذاشتن به بی عملی خودشان این نهمتها را می زنند. وگرنه شما از رهبری حزب توده بپرسید که شما خودتان علیه شاه

چکار کردید؟

در زمان رژیم گذشته در طی مدت ۲۷ سال، یعنی از سال کودتای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران توانستید به ایران برگردید، شاه خاندان کثیف چندین بار به روسیه و کشورهای اروپای شرقی سفر کردند. شما رهبران حزب توده چه عکس العملی نشان دادید؟ ملت ایران و تمام دنیا می دانند که شاه هر بار که به کشورهای غربی اروپا و آمریکا سفر می کرد، با طوفانی از خشم و غضب و اعتراضات دانشجویان و جوانان ایرانی روبرو می شد. در بسیاری از این تظاهرات و راهپیمائی ها، برادران نهضتی در تبعید ما فعالانه شرکت داشته اند. صفحات روزنامه پیام مجاهد، ارگان نهضت آزادی ایران (خارج از کشور) این موضعگیرها را دقیقاً نشان می دهد اما آیا یکبار هم شد که بعنوان نمونه وقتی که شاه یا خواهرش به مسکویا لهستان یا کشور دیگری در اروپای شرقی رفته باشد و صدای اعتراضی از آن جانب به گوش کسی برسد؟

آیا مگر یادمان رفته است که در آلمان شرقی، وقتی عده ای از دانشجویان ایرانی ما بعنوان اعتراض به کشتارهای شاه در ایران سفارت ایران را اشغال کردند، نیروهای انتظامی آلمان شرقی با آنها چه رفتاری را نمودند؟ و حزب توده در موضعگیری خود این عمل دانشجویان را محکوم ساخت!

نهضت آزادی ایران به دلیل اعتقاد به جهان بینی توحیدی و اسلام اصیل هرگز نمی توانسته است به رژیم سلطنتی معتقد باشد و معتقد هم نبوده است، و در هر مرحله ای در حدود امکانات علیه آن نظام و در جهت سرنگونی رژیم شاه مبارزه و فعالیت داشته است.

س - در یک جایی خواندم که آقای مهندس بازرگان در زندان گفته بودند که از موضع گیریهای ضد شاهی خود پشیمان بودند.

ج - اولاً این را بهتر است از خود آقای مهندس بازرگان سؤال کنید - ثانیاً دروغ بودن این سخن واضح است. گویندگان این حرفها خودشان بعد از چند هفته از زندان آزاد شدند اما مهندس بازرگان همراه با سایر برادران نهضتی محاکمه شدند و به حبس های طویل المدت محکوم شدند. مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه عشرت آباد در ۳۵۰ صفحه چاپ شده است و در دسترس می باشد مراجعه بآن کتاب بی پایه بودن این سخن را کاملاً نشان میدهد.

س - گفته شده است که رهبران نهضت آزادی ایران پیوسته

نسبت به انگلیس و شوروی حساسیت داشتند و استدلال میکردند که ایران در این منطقه نمی تواند روی پای خود بایستد و نیاز بدوستی با یک قدرت خارجی است و چون انگلیس ضعیف است و روسیه ملحد و کمونیست بنابراین نبایستی به آمریکا هجوم برد. همین اشخاص میگویند که در سال ۱۳۵۴ کوشش هائی (از جانب رهبری نهضت آزادی) صورت می گرفت مبنی بر اینکه امام مسئله نفت و آمریکا را در سخنان و اعلامیه های خود مطرح نکنند و یا اینکه در سال ۱۳۵۶ نهضت آزادی شاه و آمریکا را فراموش کرده بودند و داشتند به انتخابات آزاد راضی می شدند.

ج - سیاست نهضت آزادی در مورد همه ی این مسائل روشن بوده است و میباشد.

سه مسئله اساسی آمریکا - نفت - شاه از جمله مسائلی هستند که از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به بعد در نهضت مقاومت ملی و سپس نهضت آزادی، مطرح بوده است و موضع گیری مشخص و روشن داشته است. و یکی از وجوه اختلاف نهضت آزادی با برخی از جناحهای ملی در مورد همین مسائل بوده است. در پاسخ به ایرادات حزب توده نمونه هائی از نهضت مقاومت ملی ذکر شد حالا به چند نمونه از بیانیه های نهضت آزادی اشاره می نمایم.

• بیانیه نهضت آزادی در خرداد ۱۳۴۲

«هموطنان آتش خون همه جا را فرا گرفته، شاه در معرض فنا و نابودی است رژیم پوسیده او دیگر نمی تواند در برابر لرزاده شما قوام و دوام بگیرد.

اورفتنی است. هشیار باشید چون ممکن است استعمار وقتی کار را باین صورت به بیند با یک کودتا رژیم شاه را برانداخته برای اینکه مردم را بفریبد»

در جای دیگر از همین اعلامیه آمده است:

«هموطنان عزیز بخانواده های شهدا و زندانیان کمک کنید. شما می دانید که در وطن ما نان آور خانواده مرد است اما صدها نان آور خانواده بخاطر سعادت شما و استقلال و آزادی ایران عزیز قطعه قطعه شدند.

شاه آنها را قطعه قطعه کرده است. بخانواده‌های آنها کمک کنید. هرطور و بهراندازه که میتوانید کمک کنید. آنها را تسلیت بدهید.

تسلیت آنان گرفتن انتقام از شاه آدم کش است. صندوق شهدا و زندانیان درست کنید.

این اعلامیه با شعارهایی از این قبیل پایان یافته است.

سرنگون باد رژیم منفور شاه

مرگ بر اسرائیل ارباب پلید شاه

درد بر روحانیون دلاوری که با قیام مردانه خود قیافه یزیدی

شاه را بجهانیان نمایاندند»

در مبارزه با آمریکا و مسئله نفت نیز موضع گیری های قاطع و صریح وجود داشته است. بعنوان نمونه بیانیه کمیته نهضت مقاومت ملی - که در حدود دیماه ۳۲- بعد از کشتار دانشگاه صادر شده است عیناً نقل می کنیم:

بیانیه شماره ۴ کمیته اصناف طرفداران مصدق وابسته به نهضت مقاومت ملی

هم وطنان عزیز: کارگران - دانشجویان - اصناف - بازرگانان - کارمندان - افسران و سربازان.

روزی که زاهدی مزدور با پول سفارت آمریکا و دستگیری تنی چند از افسران دزد و رانده شده از محیط ارتش و گروهی اراذل و اوباش و فواحش کرسی نخست وزیری را غصب کرد ما میدانستیم که این سرسپرده مزدور را بیگانگان برای آن بحکومت رسانیدند که بدست او استقلال و آزادی ایران را بسود مقاصد جنگجویانه و مطامع خود از بین ببرند. هنوز چهارماه از استقرار این حکومت ضد ملی نگذشته که آثار نکبت بارش بوضع خطرناکی بروز و ظهور نمود و ملت و مملکت را تا لب پرتگاه نیستی و زوال کشانیده است. راه برای بازگشت جاسوسان و عمال انگلیس همانهاییکه در مدت بیش از یک قرن ملت ما را بخاک سیاه نشاندد و بدون قید و شرط باز شده و مداخله شرکای آمریکائی آنان نیز در تمام شؤون اقتصادی - سیاسی و نظامی ما مرتباً گسترش میابد. شاید زاهدی

مزدور و اربابان خارجی او تصور کنند که میشود این چنین بی پروا
ملت و مملکتی را فدا کرد و با باز کردن رگبار گلوله بروی هر
ذیرواحی که صدایش درآید کار تمام است ولی بزودی از این اشتباه
بیرون خواهند آمد. ملت شجاع و غیرتمند ایران همانطور یکه بارها
نشان داده است میتواند بموقع از استقلال و آزادی خود دفاع نموده و
بیمضایقه جان فدا کند. نه حبس و زجر و تبعید علاقمندان بوطن و
نه کشتار دسته جمعی دانشجویان هیچیک ملت شریف و ارجمند
ما را از راه خود باز نخواهد داشت. ما بدنیا اعلام میکنیم در شرایط
موجود که نفس ها را بزور سرنیزه و رگبار گلوله در سینه ها حبس
کرده اند و حتی امکان کوچترین اظهار عقیده شفاهی درباره
امور مملکتی نیست تجدید رابطه با انگلیس و هر نوع قرارداد مربوط
به نفت و غیره و هر نوع معاهده اقتصادی- سیاسی- و نظامی با
هر کشوری بسته شود از نظر ملت ایران مردود و فاقد اعتبار و اثر
قانونی است. و هر مذاکره ای که نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا
در موضوعات اقتصادی و نظامی با رئیس دولت دست نشانده خود
بکنند کان لم یکن است. ملت ایران برای واژگون ساختن این
حکومت غاصب خائن و نوکریگانه پیکار خواهد کرد و تمام این
تعهدات و قراردادهای اسارت آور و استقلال شکنانه را بدور خواهد
ریخت و ما بخصوص بروان پاک دانشجویان شهیدیکه نهال آزادی
و استقلال ایران را با خون خود آبیاری کردند سوگند یاد میکنیم تا
آخرین نفس راه آنها را ادامه دهیم و برای واژگون ساختن این
اوضاع ننگ آور موحش و استقرار مجدد حکومت ملی مصدق
بجنگیم.

سلام ما به دکتر مصدق رهبر عزیز و ارجمند ملت ایران.
دروود بروان پاک شهیدان دانشگاه شریعت رضوی- قندچی و
بزرگ نیا.

افتخار بردانشجویان شرافتمند دانشگاه این ارزنده ترین
سربازان نهضت مقاومت ملی.
هرگ برسران خائن ارتش که این چنین فرزندان ما را بمسلسل
میبندند.

سرنگون باد حکومت خائن زاهدی.

خط اصلی مبارزات نهضت آزادی علیه استبداد، علیه استعمار بوده و بعد از پیروزی انقلاب، علیه استثمار می‌باشد. این تهمت‌ها به نهضت آزادی نمی‌چسبند!

نهضت آزادی و سرمایه‌داری

س — کمونیست‌ها و هم‌چنین برخی از گروه‌های سیاسی دیگر نهضت آزادی را متهم می‌کنند که طرفدار سرمایه‌داری و مالکیت‌های بزرگ و کارخانجات بزرگ است!

ج — در کدام یک از موضع‌گیری نهضت آزادی چنین امری دیده شده است؟ کدام سرمایه‌دار بزرگ یا کارخانه‌دار بزرگ یا مالک و فئودال بزرگ از نهضت حمایت کرده است؟ کدام جانبداری را عملاً یا حرفاً نهضت آزادی ایران از این طبقات نموده است؟ به صرف اتهام و برچسب که نمی‌شود! مردم برای اینکه بدانند سرمایه‌داری بزرگ وابسته اکنون با چه جناحی زد و بند کرده است به روابط آنها توجه کنند! به بینندگان اصلی و عمده و دست اول کالاهای اساسی از قبیل آهن، کاغذ، و پارچه در دست چه کسانی است و این اشخاص به کدام جریان سیاسی حاکم مربوط هستند! و حزب توده از کدام جریان سیاسی حاکم حمایت می‌کند!

یکی از نمایندگان مجلس (آقای مهندس سبحانی) در سخنان خود در مجلس گوشه‌ای از این روابط را نشان داد که چگونه بعد از پیروزی انقلاب قریب به ۱۲۰۰ میلیارد تومان سود برده‌اند! و مالیاتی به دولت نداده‌اند. آنها که علاقمند باین قبیل مسائل هستند می‌توانند همین سرنخ را بگیرند و مطالب را تعقیب کنند تا معلوم شود که چه کسانی در این مملکت چه کارها نمی‌کنند! تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

خط مشی نهضت آزادی ایران اجرای تمام و کمال و جامع اصول قانون اساسی ایران است. نهضت آزادی ایران مخصوصاً در اجرای اصول ۴۳ تا ۵۵ در فصل چهارم قانون اساسی تکیه فراوان دارد. اجرای همه جانبه و فوری اصل ۴۴ می‌تواند راه گشای بسیاری از مشکلات اقتصادی کنونی باشد. دولت و حزب حاکم بجای پراکنده کاری و مبهم‌گویی بهتر است که طرح‌های عملی برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ارائه دهند. اصل ۴۴ قانون اساسی تکلیف سه نوع مالکیت‌های دولتی — تعاونی و شخصی را معین کرده است.

س - رابطه نهضت آزادی با امام و روحانیت چگونه است شایع کرده‌اند که نهضت آزادی در مقابل امام قرار گرفته است و با روحانیت میانه خوبی ندارد.

ج - موسسین و سران و فعالین نهضت آزادی ایران از پیشگامان خط وحدت میان حوزه و دانشگاه و یا روحانیون و روشنفکران بوده‌اند. اگر برخی از مسلمانها و یا گروههای اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اهمیت وحدت این دو جناح را درک کرده‌اند نهضتی‌ها از حدود ۳۵ یا ۴۰ سال پیش براساس مبانی فکری و عقیدتی و ضرورت‌های جامعه اهمیت همکاری و وحدت این دو جناح را درک کرده‌اند و سالیان دراز در این جهت کوشیده‌اند. همانطور که میدانید یکی از موسسین نهضت آزادی مرحوم طالقانی است. علما و روحانیون دیگری هم بوده و هستند که از هم‌زمان و همگامان با موسسین و سران و فعالین نهضت میباشند نظیر آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی در سالهای سیاه خفقان و اختناق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مرحوم مطهری از سالهای ۳۴ به بعد.

تماس و همگامی اعضای نهضت آزادی با امام امری نیست که از روزهای بعد از پیروزی انقلاب آغاز شده باشد بلکه از سالهای دراز گذشته شروع شده است. از همان بدو آغاز حرکت روحانیت برهبری امام در سال ۱۳۴۰، نهضت آزادی بدون کمترین دغدغه‌ای، برحسب وظیفه اسلامی و اعتقاداتش، از این حرکت پشتیبانی قاطع نموده است اسناد و مدارک نهضت آزادی، در داخل ایران و یا در تبعید استمرار این خط کلی و استراتژیک را نشان میدهد. بعنوان نمونه به بیانیه نهضت در آبان / آذر ۴۱ مراجعه کنید که با قاطعیت از حرکت علما پشتیبانی کرده است. همین بیانیه باعث شد که نشریات وابسته به رژیم شاه (از جمله مجله خواندنیها) حملات شدید و سختی را به نهضت و به مهندس بازرگان نمودند. در بیانیه‌های نهضت بمناسبت حمله به مدرسه فیضیه، در بیانیه نهضت مورخه ۲/۳/۱۹ یعنی سه روز بعد از کشتار خونین ۱۵ خرداد تحت عنوان «دیکتاتور خون می‌ریزد» و نظایر آن حمایت‌های بیدریغ از حرکت روحانیت به رهبری امام مشهود است. در بیانیه کمیته دانشجویان نهضت آزادی در ۲۶/۵/۴۲ چنین می‌خوانیم:

«ملت شرافتمند ایران مدت دوماه مرجع عالیقدر شیعیان حضرت آیت‌الله خمینی در زندان عشرت‌آباد بسر میبردند فعلاً نیز که ایشان را از عشرت‌آباد بخانه خصوصی تحت مراقبت سازمان امنیت منتقل کرده‌اند از ابتدائی‌ترین حقوق محروم میباشند...»

در اعلامیه نهضت مورخه ۲۲/۴/۴۲ بمناسبت اربعین قیام ۱۵ خرداد
می خوانیم:

«امسال اربعین حسینی مصادف با روزهایی است که ملت
مسلمان ایران بعلمت چهلمین روز قتل عام وحشیانه هزاران نفر از
خواهران و برادران خود داغدار میباشد. هزاران نفر از مردم بیگناه
تهران و شهرستانها در روز ۱۵ خرداد بدست دژخیمان حکومت سیاه
دیکتاتوری در زیر رگبار گلوله هائی که با پول این ملت فقیر تهیه
شده است شربت شهادت نوشیدند. و حکومت جنایتکار و خونخوار
بخیال خود بر اوضاع مسلط گردید... شاه دریاوه گوئی های خود
شهیدان عزیز را غارتگر و مرتجع معرفی نمود...»

سپس در بیانیه آمده است که:

«آسوده بخوابید ای شهیدان ملت ایران ای آزادگان و ای
مسلمانان دلسوخته ای که برای احیای آزادی و به پیروی از پیشوایان
عالیقدر دینی و ملی از هیچ قدرتی هراس و وحشت بدل راه ندادید.
آسوده بخوابید و مطمئن باشید ملت ایران نخواهد گذارد خون شما
فرزندان اسلام پایمال گردد و راه شما، یعنی راه مدرس ها و
خمینی را دنبال خواهد نمود.»

این خط هم چنان ادامه داشته است. در آخرین بیانیه های نهضت آزادی
قبل از فرار شاه در ۱۴ دیماه ۱۳۵۷، چنین نوشت:

«۱ - اکثریت قاطع ملت ایران شاه و رژیم او را نمی خواهد و
خواستار حکومت اسلامی است.

۲ - اکثریت قاطع ملت ایران آیت الله العظمی خمینی را به
رهبری خود برگزیده است»

«از طرف دیگر آیت الله العظمی خمینی مکرر تصریح کرده اند
که شاه باید برود و دودمان پهلوی برود نظام سلطنتی نیز برود.»

در اعلامیه های مکرر نهضت در این مرحله نیز همین خط استراتژیک کلی
دیده میشود. و این وقتی است که در آن ایام سیاه خفقان و استبداد شاه، جز
سازمانهای مسلح زیرزمینی و تنی چند انگشت شمار هیچکس جرات نفس کشیدن
نداشت، حتی داشتن یک جلد رساله امام جرم بود. برای اطلاع بیشتر از نظر نهضت

آزادی نسبت به روحانیت مَترقی و متعهد برهبری امام به اسناد نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، نشریه پیام مجاهد، و هم چنین روابط نزدیک و خاص رهبران نهضت در خارج از کشور با امام رجوع و توجه شود. همین جا باید گفت که این ارتباطات یک طرفه نبوده است بلکه متقابلاً نهضت از حمایت و پشتیبانی امام و بخشی از روحانیت مبارز برخوردار بوده است. زمانی که امام از زندان آزاد شدند، اولین دیدارکنندگان ایشان عده‌ای از اعضای نهضت آزادی ایران بودند. و این وقتی بود که محاکمه سران و فعالین نهضت آزادی در دادگاه نظامی شاه در عشرت‌آباد تمام شده بود (سال ۴۲) و دادگاه نظامی شاه احکام شدیدی علیه نهضتی‌ها صادر کرده بود. امام خطاب به اعضای نهضت آزادی مطالبی بشرح زیر ایراد نمودند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 وَ سِیَعْلَمُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا اَیْ مَنْ قَلْبٌ یَنْقَلِبُونَ

من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری نسبت بحجة الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه‌ای بنویسم موجب تشدید امر آنها شود و ده سال زندان بپانزده سال تبدیل گردد اینکه حکم جائزانه دادگاه تجدیدنظر صادر شد ناچارم از اظهار تأسف از اوضاع ایران عموماً و از اوضاع دادگاه خصوصاً بقدری خلاف قوانین و مقررات در دادگاهها جریان دارد که موجب تأسف و تعجب است: محاکمات سری، حبسهای قبل از ثبوت جرم، بی‌اعتنائی بدفاع مظلومین. اینجانب و اشخاص باوجدان و دیانت متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که بجرم دفاع از اسلام و قانون اساسی محکوم بحبسهای طویل‌المدت شده و باید با حال پیری و نقاهت در زندان برای اطفاء شهوات دیگران بسر برند.»

نویسنده کتاب نهضت خمینی پس از بیانات فوق‌الذکر امام روابط میان

این دویخش عمده و اصلی حرکت اسلامی را این چنین گزارش داده است:

«این پشتیبانی قائل بزرگ از «نهضت آزادی ایران» گام موثر، مثبت و ارزنده‌ی دیگری بود که در راه اتحاد میان نیروهای اسلامی و ضد استعماری برداشته میشد و در نزدیک تر کردن نیروهای دانشگاهی و حوزه‌های علمیه نقش سازنده و موثری ایفا میکرد و توطئه‌های مغرضانه و حسودانه و کوتاه‌نظرانه‌ی بعضی از احزاب را که با اصطلاح خود را تنها مدافع امام خمینی و راه ایشان معرفی میکردند و میکوشیدند که میان ایشان و هر گروه، حزب و جمعیت دیگری تفاهم ایجاد نگردد به کلی خنثی ساخت. آنان دریافتند که امام خمینی اندیشمندتر، ژرف‌نگرتر و دوراندیش‌تر از آنستکه آنها بتوانند به عنوان چماقی از ایشان استفاده کنند و خورده حسابهایی را که سالیان‌دراز است با بعضی از احزاب دارند از طریق ایشان تصفیه نمایند.

حوزه علمیه‌ی قم که با سران نهضت آزادی ایران و شخص آقای طالقانی رابطه نزدیک و مرتبی داشت به دنبال صدور این اعلامیه‌ی پشتیبانی روابط خود را عمیق‌تر و استوارتر ساخت و همکاری نزدیکتر و متشکلتتری را آغاز کرد. بسیاری از اعلامیه‌ها و مدافعات سران نهضت آزادی به وسیله‌ی مجاهدین حوزه‌ی قم چاپ و بخش میگردد. به دنبال مرگ مادر مهندس بازرگان تسلیت‌نامه‌ای به عنوان ایشان از طرف عده‌ای از روحانیون مجاهد قم تنظیم گردید و همراه با ده‌ها امضاء به روزنامه‌ها داده شد ولی هیچ روزنامه‌ای به درج آن مبادرت نکرد و با کمال معذرت خواهی اظهار داشتند که از طرف سازمان امنیت درج هرگونه تسلیت‌نامه‌ای جهت آقای مهندس بازرگان اکیداً ممنوع اعلام گردیده است. روحانیون مجاهد تسلیت‌نامه‌ی مزبور را به صورت اعلامیه‌ای چاپ و پخش کردند و در زیر تسلیت‌نامه جلوه‌گیری ساواک را از درج آنگهی تسلیت جهت آقای مهندس بازرگان در جراید، شدیداً محکوم کردند. متن آن تسلیت‌نامه را در زیر میخوانید:

متن تسلیت‌نامه عده‌ی از فضلاء و دانشجویان دینی حوزه علمیه قم
 با آقای مهندس بازرگان:

استاد محترم و مجاهد دانشگاه آقای مهندس بازرگان

با نهایت تأثر مصیبت وارده را تسلیت گفته خود را در غمهای شما شریک میدانیم و مزید توفیقات شما را در حمایت از اسلام و استقلال ایران از اعلیحضرت ولی عصر مسئلت مینمائیم.

احمد پایانی - محمد شستری - سید هادی خسروشاهی - حسین حقانی - سید ابوالفضل موسوی - سید محمد صادق زیارتی - علی اسلامی - احمد کافی - محمد خندق آبادی - احمد آذری قمی - رضا استادی - علی کاظمی - رضا شریفی گرگانی - سید جعفر شبیری - صادق منتظری زنجان - علیرضا گلسترخی - علی قدوسی - علی المشکینی - حاج سیدرضا بنی طبا - محمد واصف - مهدی کربوبی - حسن زرنندی - سید ابراهیم میرغفاری - هاشمی - حسن نوری - سید علی محقق - احمد خدائی - سید علی اکبر امینی - حجة الله کیانی - سید مصطفی محقق - سید عبدالرسول حجازی - سید حسین رضوی برقی قمی - محمد صادق آل طاهر - سیدرضا برقی - ضیاءالدین الحسینی الاشکوری - سید حسین عرفانی - سید عبدالمجید مولانا - سید صدرالدین طاهری - جعفر عبدالهی - بهاءالدین العراقی - سید محمود دعائی - عبدالله بیان الحق - علی اصغر رحیمی - محمد باقریان - علی حیدری - مرتضی المقتدائی - محمد علی شرعی - ابوالقاسم وافی - ضیاع الدین مسجد جامعی - محمد علی تربتی - سید محمد تقی محصل همدانی - شمس الدین موسوی - محمد صادق موسوی.

ملت مسلمان ایران حکومت وحشت و ترور و مستبد ایران از درج تسلیت فضلاء حوزه علمیه قم و صدها تسلیت دیگر آقای مهندس بازرگان در جراید جلوگیری کرد. این هم دلیل دیگری است بر اینکه ایران «کشور آزاد زنان و آزاد مردان»!!! شده. ما این عمل صد در صد ارتجاعی را شدیداً تقبیح کرده و متن تسلیت نامه را منتشر میسازیم.

انجمن دانشجویان دینی تهران

وقتی امام را از ترکیه به عراق منتقل ساختند، اولین دیدارکنندگان ایشان در کاظمین و سپس نجف مسئولین نهضت آزادی ایران در خارج از کشور بودند. این برادران (آقایان دکتر چمران - مهندس توسلی و دکتر یزدی) علاوه بر تقدیم

پیام رسمی و کتبی نهضت آزادی گزارش مبسوطی از اوضاع عمومی مملکت عملکرد سیاست‌های خارجی و وضعیت دانش‌جویان و ایرانیان خارج از کشور را به امام دادند. نهضت آزادی چون اهل تظاهر نبوده و نمی‌باشد آنچه را که انجام داده و یا می‌دهد در راه خدا و خدمت به خلق بوده است انتشار آن پیام و خبر ملاقات با امام را ضروری ندانست اما اینک متن این پیام را منتشر می‌سازیم. *

ارتباط برادران نهضتی در خارج از کشور در طی سالیان دراز تبعید امام در نجف هم چنان ادامه داشته است. در سفر امام به پاریس همین برادران همراه امام و مشاور امام بوده‌اند. همراه امام به تهران برگشتند. امام بارها اعتماد خود را بآنها ابراز داشته و از زحمات آنها قدردانی نموده است و اسناد و مدارک آنها تماماً موجود هستند که در یک فرصت مناسب دیگری منتشر خواهند شد.

در خط مشی مصوبه نهضت آزادی ایران در قسمت مربوط به «حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف و انهدام آن» در بندهای ۲ و ۳ در رابطه با همین موضوع آمده است که:

«قبول رهبری امام امت و مبارزه با هر عملی که

موجبات تضعیف رهبری را فراهم سازد»

«— همکاری با روحانیت آگاه و متعهد و اصیلی

که بدور از انحصار طلبی و گروه‌گرایی در خط حفظ

وحدت حرکت نماید».

بنابراین ملاحظه میشود که سخن دشمنان انقلاب اسلامی ایران بی‌اساس است. مخالفت ما با برخی از اعمال انحصارگرایانه و بی‌رویه برخی از روحانیون را نبایستی به حساب تمامی روحانیت گذاشت متأسفانه عده‌ای خود را متولیان این انقلاب تصور کرده‌اند و هرگونه ایراد و اعتراض و انتقاد بخودشان را مخالفت با کل انقلاب و «روحانیت» قلمداد می‌کنند و یا با خرج کردن امام جهت مقاصد خود، مقام رهبری را تضعیف می‌نمایند.

نهضت آزادی و لیبرالیسم:

س - برخی از احزاب و گروهها نظیر حزب جمهوری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب توده، جنبش مسلمانان مبارز و چریکهای فدائی خلق و... در نوشتجات خودشان نهضت آزادی را متهم می کنند که «لیبرال» و «بورژوالیبرال» است یا مدافع سرمایه داری است؟!

حتی آقای بهشتی هم در یکی از سخنرانیهای خودشان باین امر اشاره کردند . نظر نهضت در این باره چیست ؟

ج - نهضت آزادی ایران یکی از سازمانهای قدیمی وریشه دار اسلامی است. اگرچه نهضت بعنوان یک سازمان و یک شکل سیاسی در اردیبهشت ۴۰ اعلام موجودیت کرد اما بعنوان یک جریان سیاسی در حرکت اسلامی پدیده ای است که در همان سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ بوجود آمده است.

نهضت آزادی ایران هم به لحاظ یک «جریان سیاسی» و هم به لحاظ یک «شکل سیاسی» پدیده ناشناخته ای نیست. این برچسب های ناچسب به نهضت آزادی نمی چسبد دشمنان انقلاب اسلامی بهتر است برای کوبیدن نهضت بروند فکر دیگری بکنند.

وقتی شما از لیبرالیسم صحبت می کنید اول باید مشخص کرد که آیا شما با دید یک «مارکسیست» و از دریچه جامعه شناسی «مارکسیستی» از لیبرالیسم سخن می گوئید یا آنکه از دیدگاه جامعه شناسی غربی. حتماً می دانید که لیبرالیسم دارای معنای گوناگونی است و هر کس از دریچه تفکرات خود آنرا بیان می کند. و اکنون لیبرالیسم در کشور ما، علاوه بر تمامی معنای کلاسیک آن چه از دید مارکسیست ها و چه سایر غریبه ها، شده است یک چماق. لیبرالیسم اکنون چماقی است برای سرکوب مخالفین.

نهضت آزادی ایران یک سازمان سیاسی براساس جهان بینی توحیدی است. اسلام معیار اصلی و نهائی ما در برخورد با پدیده هاست. در تحلیل جریانات سیاسی موجود در جامعه ما مجبور نیستیم که از جامعه شناسی مارکسیستی یا غربی مدد بگیریم وقتی آقای بهشتی لیبرالیسم را معنا می کنند، در واقع ایشان لیبرالیسم را از دید جامعه شناسی غربی بیان می کنند. کاری نداریم باینکه آیا آنچه ایشان گفتند درباره تمام لیبرالهای غربی بیان می کنند. کاری نداریم باینکه آیا آنچه ایشان گفتند درباره تمام لیبرالهای غربی درست است و صدق می کند یا خیر؟ اما

بهرحال دید ایشان، یک دید و برداشت غربی است. مسلماً نهضت آزادی ایران با این تعریف هر گز لیبرال نبوده است و نیست آقای بهشتی در تعریف لیبرالیسم می گویند آنها که به وحی اعتقاد ندارد، به جدائی دین از سیاست معتقدند به دموکراسی غربی اعتقاد دارند. این تعاریف با حزب توده بیشتر تطبیق می کند تا با هر گروه دیگری، تمامی کسانی که نهضت را می شناسند، حتی خود ایشان، میدانند که اندیشه نهضت آزادی یک اندیشه اسلامی است، آقای هاشمی رفسنجانی، که از اعضای مرکزی حزب جمهوری و همکار نزدیک آقای بهشتی هستند درباره نهضت آزادی چنین اظهار نظر کرده اند (جمهوری اسلامی ۲۴ اسفند ۵۹):

«جالب این است که کسانی که در گذشته تیپ رفقای نهضت آزادی ما و تیپ دانشگاهی ها که ما در گذشته با هم هم‌رزم بودیم یکی از کارهای بزرگشان این بود که تلاش می کردند ثابت کنند روحانیت و دیانت با سیاست از هم جدا نیست و فرهنگ و دانشگاه و مدرسه علمیه و مسجد و معلم، حرم، صحن و میدان ورزش، میدان جنگ همه اینها بهم آمیخته است. این یکی از خدمات این جریان در دوران رژیم قبل می‌کردند و رژیم شاه سخت به این مسئله حسیده بود که نه سیاست از دیانت جداست.»

خوب ملاحظه می کنید که نهضت آزادی یک رویه و خط مشی اساسی اسلامی داشته است تعریف آقایان در مورد لیبرالیسم ربطی به نهضت آزادی ندارد.

وقتی مارکسیست‌ها از لیبرالیسم صحبت می کنند صحبت از جریاناتی است در درون حرکت مارکسیستی که به «دیکتاتوری پرولتاریا» اعتقاد ندارد و خواستار حکومت براساس «آزادی‌های دموکراتیک طبق موازین غربی» می‌باشد. واضح است که نهضت آزادی جریانی در درون حرکت مارکسیستی نیست که شامل این تعاریف بشود.

اما باید دانست که لیبرالیسم امروز یک چماق شده است چماقی برای کوبیدن حریفان سیاسی و جهت کسب و تثبیت قدرت سیاسی. آنها که این چماق را بر سر نهضت آزادی می کوبند خود بهتر از هر کس می دانند که چرا اینکار را می کنند و چه انگیزه‌هایی دارند. آنها خود بهتر از هر کس میدانند که این برچسب‌ها به نهضت آزادی نمی چسبند. آنها باید بدانند که مردم ما فریب این

ابطال را نمی‌خورند. ممکن است عده‌ای را برای مدتی فریفت اما همه را برای همیشه نمی‌توان گول زد. مردم روز بروز بیشتر می‌فهمند که دعوا بر سر لحاف ملانصرالدین است وگرنه اگر قرار باشد که براساس جامعه‌شناسی غربی یا مارکسیستی لیبرالها را پیدا کنیم، بسیاری از گویندگان این شعار و جوسازان و حزب توده ایران جزو بزرگترین لیبرالها خواهند بود.

نهضت آزادی و مبارزه با امپریالیسم

س — نظر نهضت آزادی ایران درباره استعمار و امپریالیسم و مبارزه با آن، خصوصاً با امپریالیسم آمریکا چیست؟

ج — تداوم انقلاب بمعنای قطع تمامی وابستگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ابرقدرتها میباشد.

نهضت آزادی ایران معتقد است که مبارزات ملت ما در طی سال گذشته سه محور اصلی وعمده داشته است. این سه محور عبارتند از: اول محور مبارزات ضد استبدادی که جنبه ایجابی آن مبارزه برای آزادی است. در ابتدای مبارزات ملت ایران در زمان شورش توتون و تنباکو و سپس انقلاب مشروطیت یکی از شعارهای مردم «حریت» بود و در انقلاب اسلامی اخیر «آزادی» یکی از شعارهای سه‌گانه مردم بود. دوم محور مبارزات ضد استعمار، علیه سلطه اجاب و استیلای خارجی، امپریالیسم، و همه اشکال و انواع آن که جنبه ایجابی اش همان شعار «استقلال» است. سوم محور مبارزات ضد استثماری که جنبه ایجابی آن استقرار حکومت قسط و عدل میباشد. و شعار «جمهوری اسلامی»، بیانگر این نیاز و خواست مبارزاتی مردم ما بوده است. این سه محور رانمی‌توان و نباید از هم جدا ساخت و مجزا تصور نمود. مبارزه ضد استبدادی هرگز نمی‌تواند جدا از مبارزه ضد استعماری باشد. یا بالعکس. مبارزه با استبداد پهلوی، یعنی مبارزه با شاه نمی‌توانست جدای از مبارزه با سلطه اجانب و بخصوص آمریکا باشد. چه مردم در شعارهای خود این معنا را عنوان میکردند یا نه، شعار مرگ بر شاه همان معنا را بیان میکرد. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ شاه فراری را به ایران برگرداند و بر ما مسلط ساخت و بدین ترتیب شاه و دربار پایگاه عمده امپریالیسم در ایران بوده است. گاهی اوقات بنا به مقتضیات زمان، مبارزه ضد استعماری محور اصلی حرکت مردم قرار میگردد. نظیر شورش تنباکو یا نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت. اما چون

استعمار خارجی از طریق استبداد داخلی وارد شده است و عمل کرده است، استمرار مبارزه لاجرم به مبارزه علیه استبداد کشیده می شود و دیدیم که شد و با شکست و یا عقب نشینی استعمار، مبارزه پایان نپذیرفت بلکه در مرحله تداوم حرکت، مبارزات ضد استبدادی (علیه ناصرالدین شاه در انقلاب مشروطه و محمد رضا در جنبش ملی شدن نفت) محور اصلی شدند. چرا که مردم در جریان مبارزات درک کردند و با تجربه آموختند که اگر بخواهند با استیلای خارجی بجنگند و استقلال مملکت را حفظ کنند باید پایگاههای امپریالیسم، یعنی استبداد داخلی را از بین ببرند. استقلال بدون آزادی و آزادی بدون استقلال ممکن نیست. این عصاره همان اصل نهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین مشخص است که نهضت آزادی ایران مبارزه علیه امپریالیسم را جدای از کل مبارزات ملت ایران نمیداند و نهضت خود را از پیشگامان چنین مبارزاتی میداند.

شما کافی است به اسناد نهضت مقاومت ملی در سالهای ۳۲ تا ۴۰ مراجعه کنید. چه کسانی جز نهضت مقاومت ملی علیه کودتاگران ۲۸ مرداد مبارزه میکرده است. مگر کودتای ۲۸ مرداد ساخته و پرداخته امپریالیسم نبود؟ تظاهرات مردمی که بابتکار نهضت بر پا میشد مطالب روزنامه های راه مصدق و مکتب مصدق، بیانیه های نهضت آزادی در سالهای ۴۰ تا ۴۳ و بعداً در سالهای قبل از پیروزی انقلاب نشریات نهضت آزادی در تبعید و خارج از کشور نظیر ماهنامه پیام مجاهد و سایر نشریات و برنامه ها تماماً بیانگر خط اصلی و واقعی نهضت آزادی و موضع گیری علیه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش میباشد. اما نهضت آزادی ایران این مبارزه را تنها در شعار دادن نمی داند. این گونه تظاهرات برای بسیج اولیه مردم ضروری است. اما تنها با مشت های گره کرده در خیابانها و مرگ بر آمریکا گفتن نمی توان به هدف قطع وابستگی از آمریکا برسیم. خصوصاً وقتی که سیگارهای آمریکائی را می کشند و اورکت آمریکا بر تن دارند و شعار مرگ بر آمریکا می دهند!! با تشنج آفرینی کارخانجات را تعطیل می کنند تولید را تقلیل می دهند و تازه مدعی مبارزه با آمریکا هم هستند!!

نهضت آزادی ایران معتقد است که استقلال همه جانبه، تنها در پایان بخشیدن به سلطه سیاسی ابرقدرتها بدست نمی آید بلکه باید وابستگی های اسارت بار را در تمامی ابعادش، از جمله اقتصادی و فرهنگی قطع نمود. و قطع وابستگی های اقتصادی به امپریالیسم باید از طریق از بین بردن پایگاههای اقتصادی در داخل باشد همانطور که در مبارزه با استبداد می باید تمامی پایگاه های

استبداد را از بین برد، در مبارزه با استیلاى خارجى هم باید تمام پایگاهها را از بین برد. شاه تنها خودش نبود که بر ملت مسلط شده بوده شاه تجسم «نظام» حاکم بود «نظام حاکم» ابعاد سیاسى، اقتصادى، فرهنگى و اجتماعى داشته است. در ۲۲ بهمن ۵۷ سلطه سیاسى نظام طاغوتى از بین رفت اما روابط اقتصادى و فرهنگى و اجتماعى هنوز بکلى از بین نرفته است. این روابط بهم خورده اند، اما از بین نرفته اند. در مورد استیلاى خارجى هم این امر درست است. در ۲۲ بهمن ۵۷ سلطه سیاسى استیلاى خارجى از بین رفت. اما سلطه اقتصادى و فرهنگى هنوز از بین نرفته است. بنابراین بخشى از حفظ و تداوم انقلاب در محور مبارزه با امپریالیسم بمعنای ریشه کن ساختن تمامى وابستگى های اسارت بار اقتصادى به امپریالیسم میباشد.

اما این امر نمى تواند جدای از قطع وابستگى فرهنگى باشد. سلطه امپریالیسم فرهنگى، بمراتب عمیق تر و ریشه دارتر از سلطه اقتصادى است، کما اینکه سلطه اقتصادى خبلى ریشه دارتر از سلطه سیاسى است. بهمین دلیل است که نابودى سلطه امپریالیسم و استکبار جهانى در بعد سیاسى سریع تر از همه ابعاد دیگر صورت گرفته است. در ۲۲ بهمن ۵۷ با سقوط نظام شاهنشاهى و سلطنت پهلوى به سلطه سیاسى ابرقدرتها پایان داده شد. سلطه اقتصادى را مى توان با برنامه ریزى و کار مداوم و ایجاد خود کفائى تا حدود بسیار زیادى در ظرف مدت کوتاهى از بین برد. اما سلطه فرهنگى چنان ریشه دار است که چه بسا سالها و شاید نسلها طول بکشد تا عوارض آن از بین برود.

نهضت آزادى ایران به مبارزه با امپریالیسم، اعم از شرقى و غربى اش اعتقاد دارد. اما بر اساس شعار نه شرقى نه غربى، نفى امپریالیسم غربى را بمعنای پذیرش سلطه امپریالیسم شرق و روسیه و یا سازش و نرمش در برابر آن نمیداند. عبارت دیگر در زمان شاه شعار آن رژیم ابتدا غربى — غربى و نه شرقى نه شرقى بود. بعداً شد هم شرقى هم غربى. شعار انقلاب اسلامى ایران نه شرقى و نه غربى است. اما بعضى ها سعی دارند آنرا به شعار نه غربى نه غربى بلکه شرقى — شرقى و برخى آنرا نه شرقى نه شرقى بلکه غربى — غربى تبدیل کنند. در حالیکه باید با تمام قوا از اصالت این شعار و آرمان حراست کرده کوشید تا واقعاً نه شرقى نه غربى باقى بمانیم.

س — گفته مى شود که در شرائط جنگ با امپریالیسم آمریکاء، نباید با حمله به روسها جهت مبارزه را منحرف کرد.

ج - خوب بله، در حال حاضر هدف اصلی مبارزه ضد امپریالیستی آمریکا و صهیونیست ها هستند. و باید تمامی نیروها را بدان سو جهت داد. اما این اشتباه است اگر تمرکز تمامی نیروها علیه آمریکا مترادف باشد با نرمی و انعطاف و سازش پذیری با سایر ابرقدرتها از جمله روسیه. امام بارها به خطر این ابرقدرتها، روسیه - انگلیس - آمریکا و... اشاره کرده اند و این توجهات لازم است و گرنه بزودی از اسارت یک ابرقدرت - که اکنون دشمن بالفعل ماست بیرون آمده و گرفتار اسارت ابرقدرت دیگر - که دشمن بالقوه ماست - خواهیم شد.

س - چرا برخی از گروهها خصوصاً توده‌ای‌ها به نهضت آزادی برچسب وابستگی به آمریکا را می‌زنند؟

ج - علت آن خیلی روشن است. یک مثل عامیانه مردم می‌گویند که: کافر همه را به کیش خود پندارد. آنها که خود به ابرقدرتها وابسته هستند و سالیان دراز در تئوری و در عمل این وابستگی را نشان داده و به ثبوت رسانیده‌اند و در اندیشه و فلسفه سیاسی آنان استقلال مفهومی و معنایی ندارند نمی‌توانند باور کنند که حرکتهای سیاسی مستقل از ابرقدرت‌هایی توانند وجود داشته باشند. توده - نفتی‌ها (که اینروزها بجای آن اصطلاح مارکسیست‌های آمریکائی هم بکار میرود) در زمان نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت برهبری مرحوم دکتر مصدق از تز دوجوانی دفاع میکردند و می‌گفتند که جهان بدو بلوک شرق و غرب تقسیم شده است. مبارزه با بلوک غرب، از جمله انگلیس و آمریکا جز با حمایت و وابستگی به شرق یعنی روسیه امکان ندارد. لذا نهضت ملی شدن نفت را که در جهت قطع وابستگی‌های اسارت بار اقتصادی به استعمار فرتوت انگلیس بود و وابسته بر وسها هم نبود به آمریکائی‌ها منتسب می‌نمودند. جالب اینست که جناح نفتی‌ها (عناصر وایادی وابسته به آمریکا و انگلیس) نیز همین تفکر را داشتند و لذا مصدق و ملی شدن نفت را وابسته به کمونیست‌ها معرفی میکردند. این هم سوئی و هم جهتی در اندیشه، از آن جهت بود که هر دوجناح، هم توده‌ای‌ها و هم نفتی‌ها، ملحد و کافر بودند و بموجب فلسفه و جهان بینی (دین) کفر که بر اساس وابستگی است، حرکت اصیل مردمی و ملی ما را که ضد استعمار انگلیس و آمریکا و روسیه بود نفی میکردند. حالا هم ریشه این حرفها همان تفکرات غیرتوحیدی است و متأثر از اندیشه‌های غیر اسلامی است.

س - در اسناد دانشجویان پیرو خط امام شواهدی وجود دارد که نهضت آزادی قبل از پیروزی انقلاب با سفارت آمریکا در تماس و

گفتگو بوده است. همین امر یکی از دلایل احماسی این اتهامات علیه نهضت میباشد.

ج - این ارتباطات با اطلاع و تصویب شورای انقلاب بوده است شورای انقلاب هم در تمامی مذاکرات بوده است و گزارشات این تماس را دریافت می کرده و تصمیم میگرفته است. این امر بارها توسط آقای مهندس بازرگان بیان شده است. اسناد سفارت نیز نشان میدهد که در این تماسها آقایان دیگری نیز شرکت داشته اند. با هابیز به تنهایی ملاقاتها داشته اند. در ملاقات با سولیوان بوده اند.

اما اینکه این تماسها دلیل وابستگی باشد، بجگانه و یا مغرضانه است تماس و گفتگو با دشمن نه از نظر شرع منع شده است و نه پیامبر گرامی و ائمه اطهار خلاف آن عمل کرده اند. در روابط بین المللی کنونی نیز این تماسها میان طرفین جنگ و دعوا وجود دارد و امری قبول شده میباشد و هیچکس آنرا دلیل بر سازش با دشمن نمی داند. در جنگ الجزایر، در ویتنام، در چین، در کوبا، این گونه تماسها خصوصاً در مراحل نهائی مبارزه آنجا که دشمن شکست خود را قطعی می بیند و می خواهد راهی برای فرار ازین بست بیابد صورت گرفته است.

بنظر ما این گونه جوسازیها بر طبق موازین شرع نیست و بدور از تقوای اسلامی است.

هرگاه چنانچه در اثر این تماسها و گفتگوها، حقی از مردم سلب شده بود یا خیانتی رخ داده بود یا قراردادی خلاف مصلحت ملت و انقلاب و یا اسلام امضاء شده بود و یا آنکه چرتکه نیانداخته از کیسه ملت حاتم بخشی نموده بودند، خوب جای حرف و سؤال می بود و خیلی هم بود. اما تا بحال هیچکس نتوانسته است یک سند و یا نمونه ای ارائه بدهد که بدلیل آن تماسها انحرافی و یا جرمی واقع شده است. بلکه برعکس آنچه گفته شده و انجام گرفته است بنفع انقلاب و بنفع مردم بوده است.

س - بموجب اطلاعات و اخبار در آن تماسها و مذاکرات اشخاص دیگری هم نظیر آقایان بهشتی و موسوی اردبیلی بوده اند. آیا در اسناد لانه جاسوسی گزارشاتنی راجع بآنها نیز پیدا کرده اند یا خیر؟

ج - تا بحال چیزی از جانب دانشجویان منتشر نشده است. آیا آنها در میان اسناد جاسوس خانه گزارشاتنی درباره این اشخاص پیدا کرده اند یا خیر؟ معلوم نیست.

اگر اسنادی موجود نبوده باشد که جای سؤال دارد. واگر بوده است و دانشجویان منتشر نکرده‌اند باز جای سؤال باقی است.

س - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چندی قبل در یک بیانیه‌ای مدعی شد که نهضت آزادی با گروههای زیادی ائتلاف کرده است. در این بیانیه که در ۵۹/۳/۲۲ منتشر ساختند آمده است که:

«تحولات آشکار و پنهان چندماهه اخیر ما به روشنی مشخص کرد که از جبهه ملی، نهضت آزادی، مجاهدین خلق، دفتر هماهنگی انشعابون نهضت آزادی، برخی منفردین یا روحانیون کج فهم و خصلت دار ائتلافی در برابر نیروهای خط امام پی ریزی شده است».

آیا واقعاً چنین ائتلافی صورت گرفته است؟

ج - خیر. نهضت آزادی ایران با هیچ دسته و گروهی ائتلاف نکرده است. با برخی از گروههایی که نام برده‌اند نهضت آزادی اختلاف استراتژیک دارد. مجاهدین انقلاب اسلامی مرتب این مطلب را تبلیغ میکنند. در نامه سرگشاده به رئیس جمهور مورخه ۵۹/۱۰/۹ نیز مطالبی از همین ردیف آورده‌اند. مثلاً در یکجا نوشته‌اند که:

«مدتی است مشاهده می‌شود یک اتحاد ناهمگون ولی همه جانبه از سوی نهضت آزادی، جبهه ملی، مجاهدین خلق، دفتر هماهنگی جاما، مائوئیست‌های تازه مسلمان و برخی عناصر کج فهم و روحانیون خصلت دار برقرار شده است».

توجه مختصری به «شواهد ائتلاف» که در نشریات سازمان مزبور آمده است نشان مدهد که این تصورات بر اساس چه منطق پوچی است.

مثلاً در جزوه مورخه ۵۹/۳/۲ می‌نویسند که:

«مانمونه‌های عینی آن را در مورد بعضی از این گروهها در همکاری‌ها و همراهی‌ها در جریان همه پرس‌های جمهوری اسلامی پیش از پیروزی انقلاب «نهضت و جبهه ملی» دیده‌ایم و به ویژه در انتخابات مجلس خبرگان، قانون اساسی و ریاست جمهوری».

هر کس این کلمات را بخواند و کمی هم در مسائل سیاسی، قبل و بعد از

پیروزی انقلاب باشد می‌داند که این حرفها چقدر بی پایه است. اگر مسئله همکاری و همراهی «پیش از پیروزی انقلاب، راملاک قرار بدهند که باید گفت بله تمام اقشار ملت همه در یک صف قرار داشتند. مگر در آرزوهای سیاه خفقان و اوج گیری مبارزات ملت، که جواب اعتراضات را با گلوله میدادند وحدت و یا بقول آنها، ائتلاف، امری مقبول بود یا مطرود!! مگر در تظاهرات عظیم ملیونی تهران شعارها و آرמهای این گروهها برافراشته نبود! اگر گناهی بوده است چه کسی مرتکب نشده است؟ لابد این آقایان متأثر هستند که چرا در زمان شاه، پیش از پیروزی انقلاب، تمامی اقشار ملت از هر گروه و دسته‌ای با هم متحد بودند!

اما اینکه در جریان مجلس خبرگان و قانون اساسی و ریاست جمهوری نهضت آزادی با گروه‌های نامبرده در لیست ائتلاف کرد؟ حرف باطلی است. کافی است به لیست نامزدهای انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورا رجوع کنید. لیست انتخاباتی گروه همنام را با «ائتلاف بزرگ» مقایسه کنید. تا حقیقت بیشتر برای شما روشن شود.

در قسمت دیگری از بیانیه، مجاهدین انقلاب اسلامی شاهد ائتلاف را موضع گیری متحد و تقریباً همسان در برابر جاسوس خانه و افشاگری‌ها، هم چنین انجمن‌های اسلامی دانشجویان بیان کرده است. چنین استدلالی تنها نشان دهنده ضعف منطق گوینده آنست. چطور ممکن است موضع گیری متحد و تقریباً همسان در برابر یک مسئله شاهدی بر ائتلاف باشد؟ درست مثل این است که بگویند چون در مورد درگذشت بابی ساندز نهضت آزادی ایران موضع متحد و همسانی با رئیس جمهور، نخست وزیر، کمیسیون امور خارجه مجلس، حزب جمهوری و... داشت پس اینها همه با هم ائتلاف کرده‌اند! یا اینکه بر اساس این منطق روسها و حزب توده به دولت ایران و مسلمانها، ایراد بگیرند و ما را متهم کنند که چون جمهوری اسلامی در مورد اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش روسیه موضع متحد و همسوئی با آمریکا دارد، پس ایران و آمریکا با هم متحد شده‌اند!! اگر این منطق را به پذیریم پس بطور قطع می‌توان گفت که خوب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی با حزب توده و چریکهای فدائی اکثریت ائتلاف کرده‌اند!!

مجاهدین انقلاب اسلامی یکی دیگر از «شواهد ائتلاف» نهضت با سایر گروهها را «شرکت نهضت آزادی و دفتر هماهنگی وجبهه ملی، و مجاهدین خلق و... در میزگرد وحدت و روزنامه اطلاعات و ارائه نقطه نظرهای نزدیک بهم» ... دانسته است.

خوب اگر قرار باشد شرکت یک گروه سیاسی در یک میزگردی دلیل بر

ائتلاف باشد و جرم محسوب شود، لابد آقای دعائی، سرپرست اطلاعات که این گروهها را به میزگرد دعوت کرده بودند، از همه مجرم تر هستند! و هکذا، اگر سیمای جمهوری از تمامی احزاب و گروهها دعوت برای بحث آزاد نموده است و آقای بهشتی دبیر کل حزب جمهوری با آقای کیانوری دبیر کل حزب توده در کنار هم در این بحث می نشینند حتماً با هم ائتلاف کرده اند! آیا این است استدلال و منطق!!

شاهد وسند دیگر مجاهدین انقلاب اسلامی در تخطئه نهضت آزادی «کوبیدن روحانیت مبارز» ذکر شده است و می نویسد که: حمله مجاهدین خلق و نهضت آزادی وجهه ملی به روحانیت خبر تازه ای نیست و هویت آنها را می سازد!!

ما نمیدانیم چرا مجاهدین انقلاب اسلامی سعی و کوشش و تلاش دارند که در صفوف مسلمانها ایجاد نفاق و اختلاف به نمایند. چه نفعی برای آنها یا برای مملکت در این کار مرتبت است؟ و چه منظوری دارند؟ استدلال آنها از این بیاناتشان خیلی جالب است. آنها می نویسند که این گروهها: اغلب مقالات مشابهی را درج و حتی از یک دیگر نقل می کنند و هیچکدام به هم حمله نمی کنند! و همگی به یک چیز و آنهم خط اصیل امام هجوم آورده اند و می آورند!!

براستی که چه استدلال سبکی. اگر قرار باشد این قبیل مطالب را دلیل بر ائتلاف میان دو یا چند گروه بدانیم کافی است به روزنامه های مردم - امت - جمهوری اسلامی، و روزنامه های خارجی رجوع شود و مقالات و خط اصلی آنها را با هم مقایسه کنیم تا معلوم شود که چه کسانی با ضد انقلاب ائتلاف کرده اند! آیا یکبار هم کسی دیده و شنیده و خوانده است که کیانوری رهبر حزب توده به سران حزب جمهوری، یا به مجاهدین انقلاب اسلامی حمله کند؟ یا برعکس هر چه نوشته اند تعریف و تمجید و چاپ مطالب آنها در صفحات، اول روزنامه بوده است؟ آیا خود مجاهدین انقلاب اسلامی تا بحال یکبار هم شده است که در مورد برنامه های تخریبی حزب توده موضع گیری قاطع و روشن بنمایند. رابطه نهضت با روحانیت روشن و قاطع بیان شده است. به سئوالات قبلی رجوع کنید.

س - در یکی از نشریات این گروه مجاهدین انقلاب اسلامی آمده بود که چرا نهضت آزادی علیرغم اختلاف دیرینه اش با آقای بنی صدر، حالا ائتلاف کرده است؟

ج - اولاً یک مسلمان واقعی وقتی به بنید که میان چند گروه از مسلمانها رفع اختلاف شده است نباید ناراحت بشود بلکه باید اظهار خوشحالی کند. ثانیاً

نهضت آزادی ایران علیرغم برخی از اختلافاتی که با اشخاص داشته است و هنوز هم دارد، از مقام ریاست جمهوری حمایت می کند. این امر درست صداقت و صراحت اسلامی نهضت را می رساند که به آراء عمومی ملت احترام می گذارد. وقتی اکثریت مردم به شخصی رای دادند، نهضت هم رای مردم را محترم دانسته و برای موفقیت رئیس جمهور منتخب مردم نهایت همکاری را می نماید. ضمن آنکه انتقادات و ایرادات اصولی خود را نیز مطرح می سازد. لابد از ما انتظار دارند که ما هم در بیان ایرادات خود بهمان شیوه های تخریبی متوسل شویم. خیر. نهضت چنین رویه ای را ندارد. کما اینکه ما در برخورد با حملات ناجوانمردانه ای که به نهضت می شود هرگز از جاده حق و تقوای اسلامی خارج نشده و نمی شویم.

اما اگر مجاهدین انقلاب اسلامی بما چنین ایرادی می گیرند، آیا بهتر نیست کمی هم به اطراف خود نگاه کنند؟ به بینند که امروز چه کسانی از دوستان و موکلفین خودشان با دشمنان دیروزی ائتلاف کرده اند و همسو و هم زبان شده اند! ما لزومی نمی بینیم که اسامی و موارد آنرا در اینجا ذکر کنیم. کافی است به نشریه پیام شهید ارگان محمد منتظری مراجعه کنید و اظهار نظرهای نویسندگان آن نشریه را در مورد رهبران و فعالین حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی بخوانید و با موضع گیری ها و همکاری های دوجانبه امروزشان مقایسه کنید!!

س - نشریات و بیانیه های حزب توده - حزب جمهوری - مجاهدین انقلاب اسلامی - جنبش مسلمانان مبارز - چریکهای فدائی خلق (اکثریت و اقلیت) - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر. عموماً به نهضت آزادی حمله می کنند و نهضت را متهم به سیاست «گام به گام» می نمایند. و این را یکی از اتهامات اصلی علیه نهضت ذکر می کنند.

ج - در هیچ جا، در هیچ سندی نهضت آزادی ایران، برنامه و سیاستی را بعنوان «سیاست گام به گام» مطرح نموده است. آنچه از طرف نهضت مطرح شده است تا کنیک «سنگر به سنگر» علیه دشمن بوده است.

در بیانیه مورخه ۱۷ مهرماه ۱۳۵۷ نهضت آزادی چنین آمده است:

«ما اگر مرتکب خطا و خیانت و دستخوش احساسات و آشفستگی نشویم، بردباری، پایداری و تدبیر داشته باشیم و

نشان دهیم که لایق اداره خود و مملکت هستیم، استبداد مواضع باقیمانده را رها خواهد کرد و استیلا اجباراً به استقلال و حقوق حقه ما احترام خواهد گذاشت. از فرصتها و امکاناتی که پیش آید عاقلانه و هشیارانه باید استفاده کرد تا از یک طرف به هدف اصلی نزدیکتر شویم و از طرف دیگر سیاستهای خارجی را که خواه و ناخواه واقعیت و حضور دارند و اداریه حمایت و حفظ دستگاه استبداد نمائیم.

اگر با تاکتیک سنگر به سنگر پیش برویم و با تدبیر، تشکل، تحمل و توکل بیدار و سازنده باشیم خواهیم توانست برحمت خداوند و آینده خود امیدوار گردیم».

ملاحظه می فرمایند که صحبت از جنگ و سیتز علیه دشمن داخلی و خارجی است.

در این جنگ آیا چگونه می توان بر دشمن فائق آمد. «دفعتاً واحده و ناگهانی» یعنی اینکه شب بخوابید و صبح برخیزید و به بینید که نه از شاه خبری است، نه از آمریکائی ها و نه از بختیار؟! و یک دولت انقلابی یک دست، تروتمیز سرکار آمده است! و از بیکاری، وابستگی، بیماریها، کم آبی، فقر و استثمار و... خبری نیست! آیا روند پیروزی مردم بر دشمن اینگونه خواهد بود؟ یا آنکه برعکس باید با دشمن جنگید. و جنگ با دشمن طولانی است.

دشمن حاضر به ترک صحنه باسانی و سادگی نخواهد شد. دشمن از تمامی مواضع خود با چنگ و دندان دفاع خواهد کرد. و ملت در نبرد خود دشمن را قدم بقدم به عقب خواهد راند. و سنگر بسنگر مواضع دشمن را تصرف و او را سرکوب می نماید تا بالاخره آخرین سنگرها را فتح نماید! روند رشد و توسعه انقلاب کدام یک است؟ مگر در انقلاب، جز این شد. مگر در جنگ با عراق جز این عمل میشود! مگر جز این بود که امام گام به گام، قدم به قدم، مرحله به مرحله و بتدریج سنگرهای دشمن را تصاحب کردند! پس منظور معترضین و مخالفین نهضت از این حملات چیست؟ مگر گروه حاکم، قدم بقدم و گام بگام تمامی مراکز قدرت را تصاحب نکرده است؟ اصولاً در جهان هستی، طبیعی ترین روند در حرکت خلاق پدیده های طبیعی یا اجتماعی، فردی و غیره حرکت تدریجی و

گام به گام یا قدم بقدم می‌باشد.

در قرآن تحولات اجتماعی در دو مرحله ذکر شده است. مرحله اول دوره تخریب و تدمیر است و مرحله دوم، دوران سازندگی و خلاقیت. در قرآن صحبت از مرحله اول انقلاب، یعنی مرحله تخریب و تدمیر شده است، روند حرکت و رویدادها بسیار سریع، تند و ناگهانی و به تعبیر امروزی—رادیکال است. یک صاعقه، یک سیل، یک زلزله، همه چیز را بسرعت از بین می‌برد. عذاب خدا ناگهانی و بدون انتظار و بدون مقدمات مشهود بروز می‌کند و نازل می‌شود. البته نباید تصور کرد که اگر ظاهر قضیه ناگهانی است، عوامل و اسباب این عذاب هم ناگهانی فراهم شده است. خیر علل و اسباب این تحول ناگهانی، بطور تدریجی و در طی یک دوره طولانی فراهم شده است. اگر عذاب ناگهانی بخاطر گناهان و انحرافات مردم نازل شده است، این گناهان و اثرات ناشی از آن‌ها در یک روند طولانی صورت گرفته و جمع شده‌اند. و در نهایت موجبات بروز ظهور آن عذابها شده‌اند. حتی عذابهای، نظیر زلزله، صاعقه، سیل نیز نتیجه یک سلسله فعل و انفعالات تدریجی نامشهود می‌باشند که در یک زمان معین بطور ناگهانی بر قومی نازل می‌شدند. اما ظاهراً بروز و ظهور این حوادث ناگهانی و بدون مقدمه است. اما در مرحله دوم انقلاب، یعنی مرحله سازندگی و خلاقیت لاجرم تمامی تحولات تدریجی و مرحله به مرحله یا گام به گام است. در قرآن «خلقت» این جهان (زمین و آسمانها) بتدریج و در ۶ دوره صورت گرفته است. همان خدائی که قادر متعال است و هر زمان که اراده کند می‌فرماید «باش» پس هست (کن فیکون). در مورد خلقت جهان سنت الهی را خلقت تدریجی معرفی می‌نماید. لذا جز این هم راهی نیست. راهی به خروج از مشیت الهی نیست. آنها که به نهضت آزادی ایراد می‌گیرند، گویا این اصول اسلامی را باور ندارند. ما از اینکه حزب توده و مارکسیست‌ها بما حمله کنند و ایراد بگیرند تعجب نمی‌کنیم اما گروههای اسلامی چرا؟ مگر آنکه قصد و غرضشان جنگ و جدال سیاسی بمنظور کسب قدرت سیاسی، بمعنای غربی‌اش بوده باشد.

واقعاً که ما را به چه گناهی متهم می‌کنند!!

س — میگویند که در سال ۱۳۵۴، نهضت آزادی و (جبهه ملی) مرتب به امام پیغام میدادند که «مارکسیسم دارد سرتاسر کشور را می‌گیرد و نمی‌شود هم با آمریکا و هم با شوروی جنگید اول باید با کمونیسم جنگید! می‌گفتند که امام در طی بیانیه‌هایش مسئله نفت و

آمریکا را مطرح نکنند»

ج - فقط یک مغز بیمار می تواند چنین اباطیلی را سرهم کند. در سال ۵۴ جبهه ملی یا نبوده است یا فعالیتی نداشته است. منظور از جبهه ملی در آن سال چیست؟ کدام جبهه ملی؟ اما درباره نهضت آزادی، خط مشی نهضت روشن است. در سؤالات قبلی آنرا به تفصیل بیان کرده ایم. بیانیه ها و اسناد چه در ایران و چه در خارج از کشور همه موجود است. اسناد و مدارک نهضت، نشان میدهد که نهضت آزادی در برابر استیلای خارجی موضع قاطع داشته است. و عمل کرده است. اگر این حرف گوینده درست بود پس چرا امام باین افراد که بقول سؤال کننده این توصیه ها را با امام می نموده اند، مرتب اظهار اعتماد نموده است؟ معلوم است که این سخن باطل است.

اما در مورد مسئله مارکسیسم در سال ۱۳۵۴، لابد میدانید که در شهر یور ۱۳۵۴ تحول و خیانت بزرگی در درون سازمان مجاهدین خلق صورت گرفت. خائنین، منحرفین، مرتدین بنام مارکسیسم سازمان مجاهدین را از داخل و درون متلاشی کردند این خیانت ضربه بزرگ روحی برای جوانان مسلمان ما بود و خواه و ناخواه موجبات درگیری شدید سیاسی - ایدئولوژیک را بین مسلمانان و مارکسیست ها موجب گردید. و خطر آن بود که مبارزه از مسیر اصلی خود خارج گردد. نهضت آزادی ایران با تحلیل واقعی از این رویداد مانع از آن شد که دشمنان انقلاب در برنامه های خودشان موفق گردند و نتوانستند مبارزه را از مسیر اصلی خود منحرف سازند. درست برخلاف نظر گوینده نهضت آزادی با این معانی مخالفت می کرده است. و بزرگ کردن خطر کمونیست ها را ناشی از دشمن می دانسته است. در بیانیه ۵۷/۱۰/۷ نهضت آزادی آمده است که:

«مدافعین سلطنت میگویند اگر شاه برود کمونیست ها مسلط و اوضاع بد اندربرد خواهد شد. سران ارتش بیرحمانه تر از حالا همه جا را به آتش و خون میکشند. دولت های بیگانه کودتاها راه می اندازند و مملکت از شمال و جنوب تجزیه می شود. از هر گوشه پرچمی بلند خواهد شد. مضافاً باینکه مملکت در ورشکستگی و قحطی و مرگ است.»

این افراد در نظر نمیگیرند که همه این خطرها و احتمال ها را دستگاه شاهی به وجود آورده است»

خوب ملاحظه می فرمائید که این برچسب ها به نهضت آزادی نمی چسبد.

س - در پاسخ سئوالات قبلی گفتید که نهضت آزادی ایران طرفدار سلطنت و رژیم مشروطه سلطنتی نبوده است. اما بیانیه نهضت آزادی در گذشته و قبل از انقلاب بارها از «قانون اساسی» و اجرای آن و یا حمایت از قانون اساسی که یک مشروطه سلطنتی است، مطالبی عنوان شده است. آیا این دلیل بر قبول رژیم سلطنتی و یا حداقل مشروطه سلطنتی نیست؟

ج - در بیانیه ها و اظهارات نه تنها نهضت آزادی ایران بلکه تمامی رهبران و فعالین انقلاب اسلامی در سالهای قبل از پیروزی انقلاب روی اجرای قانون اساسی تکیه می شده است. اگر بیانیه ها و اعلامیه ها مربوط به احزاب و دستجات و علما و مراجع بررسی شوند و موارد عدیده ای را که متوسل به قانون اساسی شده اند و بر اجرای قانون اساسی تاکید و تکیه داشته اند و آنرا خواسته اند استخراج کرده و نشان بدهیم مثنوی هفتادمن می شود. اما این منطق که چون در بیانیه های قبل از انقلاب، در طی سالیان دراز مبارزه تاکید بر اجرای قانون اساسی از طرف مبارزین بمنزله قبول نظام سلطنتی بوده است درست نمی باشد و یک سفسطه است. در بسیاری از بیانیه ها و سخنرانیهای امام نیز به مسئله تاکید بر اجرای قانون اساسی اشارات صریح وجود دارد. بطوری که در چندین مورد دشمنان انقلاب اسلامی و دوستان نادان این موضوع را عنوان و سعی کرده اند که القاء شبهات نمایند. امام خمینی در یک سخنرانی خود این مسئله و فلسفه مستمسک قراردادن قانون اساسی را بیان کردند.

در ۱۱/آذر/۴۱ امام در بیانات خودشان در قم در متنی تحت عنوان «ما و

قانون اساسی» چنین گفتند:

این نکته لازم است یادآوری شود که استناد و تکیه ما روی قانون اساسی از طریق «الزموهم بما الزمواعلیه انفسهم» میباشد نه اینکه قانون اساسی از نظر ما تمام باشد. اگر علماء از طریق قانون حرف می زنند برای اینستکه اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب هر قانون خلاف قرآن را از قانونیت انداخته است والا ما لنا والقانون؟ مائیم و قانون اسلام، علماء اسلامند و قرآن کریم، علماء اسلامند و

احادیث ائمه اسلام (ع). هر چه موافق دین و آئین اسلام
باشد ما با کمال تواضع بآن گردن می نهیم و هر چه مخالف
دین و قرآن باشد و لو قانون اساسی باشد و لو التزامات
بین المللی باشد ما با آن مخالفیم...

هموطنان:

راهی طولانی را پیموده ایم. راهی پر از فراز و نشیب همراه با شکست‌ها و پیروزی‌ها. اما سفر به پایان نرسیده است. انقلاب تمام نشده است. راهی طولانی‌تر در پیش رو داریم تغییر سرنوشت یک ملت، داستانی است طولانی عمر نوح و صبر ایوب می‌خواهد.

در این رهگذر نهضت آزادی ایران بارها و بارها اعلام کرده است که انگیزه ما در مبارزات و فعالیت سیاسی انجام وظیفه انسانی و اسلامی است. ما خود را در پیشگاه خداوند مسئول می‌دانیم و برای انجام آنچه خداوند برعهده ما گذاشته است حرکت کرده ایم.

آنچه کرده ایم و می‌کنیم بخاطر رضای خدا و بخاطر منافع و مصالح ملت شریف ایران بوده است در این رهگذر هدف اساسی و نهائی ما کسب قدرت سیاسی گروهی نبوده است و نیست. نیت و هدف ما انجام تکلیف الهی است و از خدا می‌طلبیم که بما نیرو و مدد برساند تا آنچه را که موجب رضای حق و مصالح ملت ماست انجام دهیم.

اردی بهشت ۱۳۶۰